





بانک مرکزی بدون ارزیابی بازار را آرام کرد

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام
در گفت و گو با تازه های اقتصاد



چرا تثبیت اقتصادی؟



با فروکش کردن انتظارات قیمت ارز سقوط خواهد کرد

گفت و گوئی تازه های اقتصاد با یحیی آل اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق



سیاست تثبیت اقتصادی در بلندمدت منجر به کاهش تورم می شود

جفری فرانکل استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد در گفت و گو با تازه های اقتصاد



رابطه اقتدار و اختیارات بانک مرکزی و تثبیت نرخ ارز

محسن زنگنه عضو کمیسیون برنامه و بودجه
مجلس در گفت و گو با تازه های اقتصاد



رفت و آمدهای فرزین به قطر، عراق وامارات مخابره پیام به غرب بود

دکتر حیدر عصفور، عضو اتاق بازرگانی
عراق در گفت و گو با تازه های اقتصاد



بخش خصوصی آماده همراهی با سیاست تثبیت اقتصادی

در میزگرد تازه های اقتصاد با حضور دکتر جمشید عدالتیان و محمد مهدی رئیس زاده بررسی شد



انتخاب سیاست «تثبیت اقتصادی» اقدام درستی است

دکتر زهرا کریمی در گفت و گو با هفته نامه تازه های اقتصاد

تازه های اقتصاد به دنبال حرف تازه است	۴
چرا تثبیت اقتصادی؟	۵
بانک مرکزی بدون ارزیابی بازار را آرام کرد	۲۰
بانک مرکزی فرمانده واحد در جنگ ارزی شود	۲۵
با فروکش کردن انتظارات قیمت ارز سقوط خواهد کرد	۲۶
انتخاب سیاست «تثبیت اقتصادی» اقدام درستی است	۲۸
تثبیت اقتصاد انتخاب نیست، ضرورت است	۳۲
سیاست تثبیت اقتصادی در بلندمدت منجر به کاهش تورم می شود	۳۵
موتور انتظارات منفی اقتصاد ایران در حال خاموش شدن!	۳۷
چرا تثبیت نرخ ارز مقدم است؟	۳۹
رفت و آمدهای فرزین به قطر، عراق و امارات مخابره پیام به غرب بود	۴۱
اخبار منفی چگونه انتظارات تورمی را شکل می دهند	۴۵
انتخاب نظام نرخ ارز؛ شناور یا ثابت؟	۴۷
دستاوردهای سیاست تثبیت نرخ ارز	۴۹
بخش خصوصی آماده همراهی با سیاست تثبیت اقتصادی	۵۰
راهبردهای بانک مرکزی به ریل درست بازگشت	۵۴
اقتصاد ایران روی موج رشد	۵۵
همه چیز درباره سیاست تثبیت ارزی	۵۷
صیانت از منابع ارزی کشور	۶۲
انتظارات وحشیانه تراز آن چیزی است که فکرمی کنیم	۶۴
تثبیت مانع جهش های ارزی است	۶۶
ریشه بانک های ناتراز را بنزید	۶۷
رابطه اقتدار و اختیارات بانک مرکزی و تثبیت نرخ ارز	۶۸
آماده دریافت خدمات بانک های ایرانی هستیم	۷۰
ارز ۴۲۰۰ تومان عامل مهم افزایش پایه پولی بود	۷۲
اخراج دلان از بازار و پایان صف خرید ارز	۷۴
تثبیت ارز، تثبیت تورم	۷۶
از سیاست تثبیت بانک مرکزی حمایت می کنیم	۷۹

• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• همکاران این شماره:

سیدفرهاد موحدی، پوریا صادقی، محمدرضا
مقامی فرد، مزگان فرجی، فاطمه محمدی، سیاوش
رضایی، سعید رشیدی، حسین جعفری، محمدعلی
تخت رونده و جواد حیران نیا

• گرافیکست و طراح جلد:

میلاد بقایی

• صفحه آرایی

مهدی بخشی

• نشانی

تهران، نرسیده به چهارراه استانبول،
بانک مرکزی، ساختمان شماره یک

• تلفن

۶۴۴۶۴۹۶۰

• نمابر

۶۴۴۶۴۹۶۱

• لینتوگرافی و صحافی

نگار نقش

• چاپ و توزیع

احمد شیرازیان

تازه‌های اقتصاد به دنبال حرف تازه است

مهدی مهرپور/

و برای تحقق این هدف باید محتوایی تولید شود که هم قابلیت سخن گفتن با نخبگان و دانشگاهیان و هم عموم مردم را داشته باشد و هم سیاست‌ها را تبیین و تشریح کند و هم نظرات مخالف و منتقد را بپذیرد باشد، از دل چنین رویه‌ای است که در نهایت اقناع افکار عمومی ایجاد خواهد شد. با شناختی که از مجموعه فعلی بانک مرکزی داریم به این مسیر خوش بینم. بسیاری از اقدامات مهم اقتصادی در دولت‌های مختلف نتایج متفاوتی داشته است که وقتی دلایل این موضوع را بررسی می‌کنیم مسئله اقناع افکار عمومی و طرح موضوع و اطلاع و شناخت مردم از آن طرح یا ایده نقش بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت آن داشته است. به نحوی که امروز این نگاه غالب در بدنه بانک مرکزی وجود دارد که هر طرح و ایده‌ای باید دارای یک پیوست رسانه‌ای باشد. یعنی عموم و نخبگان از چرایی، دلایل، ثمرات و نتایج اجرایی آن طرح مطلع باشند. هدف اول ما در تازه‌های اقتصاد این است که تلاش کنیم برنامه‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی را میان مردم و جامعه دانشگاهی و نخبگانی تبیین کنیم و در یک مسیر دو سویه به سمت اقناع افکار عمومی گام برداریم. چرا که باور داریم هیچ طرح و ایده‌ی سیاستی بدون پذیرش و حمایت مردم به عنوان ذینفعان اصلی تصمیمات اقتصادی در کشور به فرجام نخواهد رسید.

شماره اول هفته نامه «تازه‌های اقتصاد» منتشر شد. رسانه‌ای که تا پیش از این به عنوان دو ماهنامه فعالیت می‌کرد و مخاطبان خاص و محدودی داشت، حالا قرار است از این به بعد با رویکردی جدید و پویاتر، هفتگی منتشر شود. با در دست گرفتن سکان بانک مرکزی توسط دکتر فرزین و با توجه به روحیه و شخصیت وی در راستای تمرکز و توجهش بر اقناع‌سازی و بیان برنامه‌ها و اهدافش با مردم، نخبگان و جامعه دانشگاهی، بنظر میرسد وجود دو ماهنامه امکان ایجاد این ارتباط را نداشته و رسانه مکتوب برای ایجاد این ارتباط باید در قالب انتشار مجله‌ای به صورت هفتگی باشد. هدف اصلی انتشار این هفته نامه مکتوب در دو بخش برنامه ریزی شد: بخش اول تشریح مسائل و اقناع جامعه برای اجرای تصمیمات سیاست گذار پولی و بخش دوم طرح و بیان نظرات و ایده‌های تمام صاحب نظران مطرح کشور. البته که تحقق بخش دوم زمینه‌ساز تحقق بخش اول خواهد بود، چرا که پیش‌نیاز و شرط لازم برای اقناع جامعه، شنیدن تمام دیدگاه و سپس پذیرش مسیر تعیین شده از سوی جامعه، بالخصوص جامعه دانشگاهی و نخبگانی کشور است. از این رو «تازه‌های اقتصاد» نشریه‌ای خواهد بود که علاوه بر تبیین، تشریح و تبلیغ گفتمان حاضر در بانک مرکزی و سیاست گذار پولی آماده شنیدن نیز خواهد بود. در این میان



چرا تثبیت اقتصادی؟

تثبیت اقتصادی امکان پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد را برای فعالان فراهم کند. فرزین در سی امین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، سیاست‌های خود با عنوان سیاست تثبیت اقتصادی را تشریح کرد که در ادامه می‌خوانید.

از روز نخست که مسئولیت بانک مرکزی را بر عهده گرفتم، بحث تثبیت اقتصادی را مطرح کردم. تثبیت اقتصادی در ادبیات علم اقتصاد جایگاه خود را دارد و می‌خواهیم به این بپردازیم که تثبیت اقتصادی چیست و چه ضرورت‌ها و سیاست‌هایی دارد. بنابراین باید به سه سوال

تا تثبیت اقتصادی اجرا نشود نمی‌توانیم سیاست‌های اصلاحی را اجرا کنیم، هر سیاست اصلاحی که مطرح می‌شود سیاست‌گذار نگران این است که تورم ایجاد کند یا رشد را پایین آورد بنابراین سیاست‌گذار جرات نمی‌کند سیاست‌های اصلاحی را انجام دهد چرا که شاخص‌ها آرام نیست و می‌ترسد که هر اقدامی بر آنها تأثیر بگذارد.

دکتر محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی همواره تأکید داشته که بانک مرکزی قصد دارد در فضای شفاف، سیاست‌های اقتصادی خود را اعلام کند و با سیاست



IRTE.IR
اقتصادنا

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

اگر بازار غیر رسمی را از سال ۱۳۹۰ تا کنون مورد بررسی قرار دهیم، ضریب تغییرات بالا را مشاهده می‌کنیم. ضریب تغییرات در سال ۹۰ معادل ۲۰ درصد، سال ۹۱ حدود ۲۸.۴ درصد و در سال ۹۷ برابر ۳۰.۶ درصد بوده که مشاهده می‌کنیم این ارقام بسیار بالاست و نرخ بازار غیررسمی دائم در حال نوسان است

۶



IRTE.IR

اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

پاسخ دهیم.

- چرا باید سیاست‌های تثبیت اقتصادی را اجرا کنیم؟
 - چه اقداماتی انجام داده‌ایم؟
 - چه اقداماتی باید انجام دهیم؟
- تثبیت ترجمه stabilization است که به عنوان ثبات نیز به کار می‌رود. مفهوم آن این است که دولت و بانک مرکزی مجموعه سیاست‌هایی را به کار ببرند که ثبات را به اقتصاد برگرداند که این ثبات هم عموماً در شاخص‌های اقتصاد کلان است و تمرکز آن بر تورم، رکود، بیکاری، بحران بدهی و... قرار دارد تا نوسان شدیدی که در این شاخص‌ها وجود دارد و بی‌ثباتی که در اقتصاد به وجود آمده، به ثبات برسد.
- تمرکز اصلی در این سیاست بر تورم است. حتی اگر بر ارز نیز متمرکز می‌شویم هدف اصلی و نهایی کنترل تورم خواهد بود. اگر بخواهیم تورم را مهار کنیم باید در چارچوب یک نظریه این کار را انجام دهیم و برای انجام کار تئوری داشته باشیم و تئوری ما تثبیت اقتصادی است.

یکی از مهم‌ترین عامل‌های بی‌ثباتی اقتصاد، نوسانات نرخ ارز است. بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار باید مداخله کند تا این بی‌ثباتی که در اقتصاد به وجود آمده را به ثبات برگرداند، پس این اقدام با دخالت آغاز می‌شود. شما نمی‌توانید کنار بنشینید تا اقتصاد به ثبات برسد، بلکه باید دخالت کنید تا اقتصاد را به ثبات برسانید. بنابراین مجموعه سیاست‌هایی که قصد داریم اجرا کنیم، چه در بانک مرکزی و چه در دولت را سیاست تثبیت می‌نامیم. از همان ابتدای امسال بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری برنامه‌ای را تحت این عنوان تدوین کردیم و در هیئت دولت هم تایید شد و در حال حاضر در دستور کار دولت قرار دارد. بنابراین مجموعه سیاست‌ها با هماهنگی پیش خواهد رفت. تمرکز این ارائه بر سیاست‌های بانک مرکزی است، اما این به آن معنا نیست که از هماهنگی سیاست‌های مالی و سیاست‌های تجاری با سیاست‌های پولی غافل هستیم.

اولین موضوعی که در تثبیت مطرح می‌شود بحث ارز است. موضوعی که این روزها بسیاری را نگران کرده نرخ ارز در بازار غیر رسمی است که البته در ماه‌های اخیر با کاهش نرخ بازار غیر رسمی مواجه بودیم. نرخ بازار غیر رسمی به همه بازارها سیگنال و علامت می‌دهد و باعث بی‌ثباتی می‌شود.

ابتدا باید بدانیم که مشخصه‌های بازار غیر رسمی چیست؟ تقاضای ارز در بازار غیر رسمی

عموماً تقاضای قاچاق وارداتی، فرار سرمایه و تقاضای ارز برای پوشش زبان‌های احتمالی ناشی از نااطمینانی‌های آینده است که افراد با پیش‌بینی کاهش ارزش پول به سمت خرید ارز برای پوشش کاهش قدرت خرید خود می‌روند. مجموع این عوامل عمده تقاضاهایی است که در بازار غیررسمی ارز در کشور شکل می‌گیرد.

عرضه در این بازار هم از ناحیه صادرکنندگان کالاهای قاچاق، صادرکننده‌های کالا و خدماتی که به موقع ایفای تعهدات ارزی نمی‌کنند، اعلام و ثبت غیردقیق ارزش صادرات و واردات کالاها در مبادی گمرکی و تامین ارز تقاضای کاذب در بازار رسمی و عدم ایفای تعهدات وارداتی است. یکی از مشخصه‌های این بازار عدم کنترل و نظارت نهاد تنظیم‌گراست. برخی بازار غیر رسمی را بازار آزاد عنوان می‌کنند در حالی که هیچ بازاری بدون رگولیشن و مقررات نیست. بازار ارز آزاد دنیا بازار فارکس است که پر از رگولیشن و مقررات است و هیچکس بدون مقررات نمی‌تواند در این بازار معامله کند.

درجه بالای ریسک فعالیت مشخصه دیگر این بازار است. فعالان این بازار عمدتاً درگیر فعالیت‌های غیرقانونی و جرایم سازمان یافته هستند. دسترسی به اطلاعات در این بازار محدود است و همانند بازارهای رسمی به اطلاعات شفاف و وضعیت متغیرهای بنیانی اقتصاد دسترسی وجود نداشته و بازیگران این بازار تصمیمات خود را بر اساس اطلاعات ناقص اتخاذ می‌کنند.

بازار غیررسمی کم‌عمق است و عرضه‌کنندگان و متقاضیان این بازار نسبت به بازار رسمی بسیار محدود هستند و بازار زمانی پُرعمق می‌شود که هراس به وجود می‌آید، فرار سرمایه صورت می‌گیرد و بازار پُرعمق می‌شود.

نرخ‌ها در این بازار خیلی به وضعیت منابع و مصارف ارزی کشور حساسیتی نشان نمی‌دهد اما از طرف دیگر حساسیت بالایی نسبت به اخبار تحولات سیاسی و بین‌المللی مرتبط با کشور دارند.

بستر مناسب برای فعالیت‌های سفته‌بازانه و معاملات فردایی و استفاده از بسترهای شبکه‌های اجتماعی مجازی در راستای تعیین قیمت غیر واقعی ارز از دیگر مشخصه‌های بازار غیررسمی است.

در فضاهای مجازی کانال‌هایی به وجود آمده که در این کانال‌ها نرخ تعیین می‌کنند و هیچ نظارتی هم وجود ندارد؛ کاملاً هم اخبار عمومی را جهت دهی و به اقتصاد کشور علامت‌دهی

نوسانات نرخ ارز در بازار غیررسمی

شاخص‌های کلیدی نرخ اسکناس دلار در بازار غیررسمی و نرخ فروش حواله دلار در نیما

نوسانات نرخ ارز در بازار غیررسمی	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	ا ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۲/۰۳/۲۰
متوسط نرخ دلار (ریال)	۱۳۵۶۸	۲۶۰۵۹	۳۱۸۲۹	۳۳۵۰۱	۳۴۴۰۰	۴۰۴۵۲	۱۰۳۳۷۸	۱۲۹۱۸۵	۲۲۸۸۰۹	۲۵۹۴۷۶	۳۴۹۲۶۶	۵۱۹۴۴۲	
بازار غیررسمی رشد (درصد)	۲۸۰	۹۲.۱	۲۲.۲	۳.۰	۵.۲	۵.۶	۱۱.۰	۱۵۵.۶	۲۵.۰	۷۷.۱	۱۳.۴	۳۴.۶	۴/۱
ضریب تغییرات (درصد)	۲۰۰	۲۸.۴	۷.۴	۴.۱	۳.۹	۴.۸	۷.۹	۳۰.۶	۹.۶	۱۷.۹	۷.۱	۱۹/۵	۲/۵
متوسط نرخ دلار (ریال)	۹۱۱۹۶	۱۱۲۹۰۵	۲۰۹۵۷۹	۲۳۰۸۲۵	۲۷۳۸۹۲	۳۸۰۲۱۴							
بازار حواله نیما رشد (درصد)	۲۳.۸	۸۵.۶	۱۰.۱	۱۸.۷	۴/۵								
ضریب تغییرات (درصد)	۱۴.۵	۹.۶	۲۰.۶	۵.۳	۱۰/۵	۱/۸							

محاسبات مربوط به سال ۱۴۰۲ صرفاً بر اساس تحولات ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۲۰ خرداد این سال می باشد.

نمودار ۱



نمودار ۲

که عمدتاً این تغییرات ناشی از انتظارات است و تحولات سیاسی و روابط خارجی و تحریم‌ها تأثیرات زیادی برافزایش نرخ ارز داشته‌اند. هیچ دلیل بنیادی پشت این موضوع وجود نداشته و عموم آن ناشی از انتظارات منفی به وجود آمده است. (نمودار ۲)

اما چرا می‌گوییم نرخ ارز به بازارهای دیگر علامت‌دهی می‌کند؟

نرخ دلار و قیمت سکه یک رابطه ۹۰ درصدی دارد و نرخ دلار در بازار غیررسمی و رشد قیمت مسکن در شهر تهران رابطه‌ای حدود ۶۱.۵ درصدی و با خودروهای سواری خارجی رابطه ۶۵ درصدی دارد. یعنی رابطه عمیقی بین بازارهای دارایی و قیمت ارز وجود دارد. ضریب همبستگی در مسکن ۷۸ درصد، در قیمت سکه ۹۵ و در قیمت

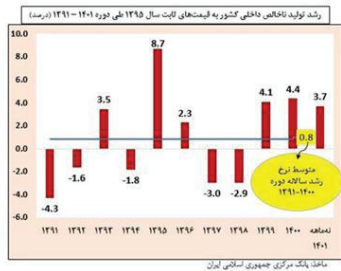
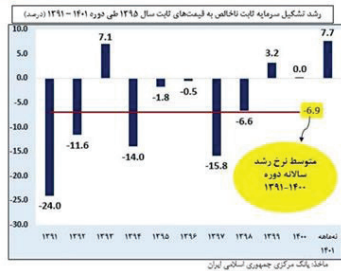
می‌کنند که به معضلی در اقتصاد کشور تبدیل شده است. بنابراین چاره‌ای نداریم جز اینکه این موضوع را مهار کنیم، چرا که به اقتصاد علامت‌دهی می‌کند.

اگر بازار غیررسمی را از سال ۱۳۹۰ تاکنون مورد بررسی قرار دهیم، ضریب تغییرات بالا را مشاهده می‌کنیم. ضریب تغییرات در سال ۹۰ معادل ۲۰ درصد، سال ۹۱ حدود ۲۸.۴ درصد و در سال ۹۷ برابر ۳۰.۶ درصد بوده که مشاهده می‌کنیم این ارقام بسیار بالاست و نرخ بازار غیررسمی دائم در حال نوسان است. هیچ ثباتی در این نرخ وجود ندارد و یک اظهار نظر دروغ و منفی بازار را به هم می‌ریزد و این بازار اینقدر بی‌ثبات و شکننده شده است. (نمودار یک)

همچنین اگر تحولات نرخ دلار در بازار غیررسمی طی یک دهه گذشته را بررسی کنیم، می‌بینیم



وضعیت نامطلوب تشکیل سرمایه ناخالص و تولید



نمودار ۳



نمودار ۴

میزان رشد اقتصادی در ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ معادل ۳.۷ درصد شده است که فاصله قابل توجهی با متوسط ۰.۸ درصدی این شاخص در طول یک دهه اخیر دارد. (نمودار ۴)

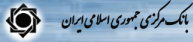
بنابراین وضعیتی که آمارها نشان می‌دهد این است که نرخ رشد پایین است، شکل‌گیری سرمایه صورت نمی‌گیرد، انتظارات حاکم است و نرخي که علامت‌دهی می‌کند نرخ بازار غیررسمی است. بررسی تحولات نرخ ارز، نقدینگی و تورم و تولید طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که متوسط رشد سالانه نرخ دلار در بازار غیررسمی در دهه ۷۰ معادل ۲۰.۶ درصد، در دهه ۸۰ معادل ۲.۷ درصد، در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ معادل ۲۳.۹ درصد و در سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۱ برابر ۶۱.۱ درصد بوده است. انحراف معیار از سال ۹۷ تا ۱۴۰۱ حدود ۱۰ هزار تومان است. نقدینگی نیز به طور متوسط در دهه ۷۰ سالانه

خودروی خارجی ۸۰ درصد است. (نمودار ۳)

رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ طی دوره ۹۱ تا ۱۴۰۱ را اگر بررسی کنیم، در یک دهه گذشته و متأثر از تحریم‌های ظالمانه، تشکیل سرمایه و تولید ناخالص داخلی کشور با رشدهای پایین و بعضاً منفی روبرو بوده است. نااطمینانی‌های رخ داده متأثر از فضای بی‌ثبات اقتصاد کشور نقشی مهم در کاهش سرمایه‌گذاری و تولید و همچنین ترغیب فعالان اقتصادی به فعالیت‌های سفته‌بازی داشته است. متوسط نرخ رشد یک دهه اخیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کل، ماشین‌آلات و ساختمان طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ به ترتیب معادل منفی ۶.۹، منفی ۹.۱ و منفی ۵.۲ درصد بوده است. البته خوشبختانه در ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ میزان سرمایه‌گذاری با همان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص با رشد ۷.۷ درصدی رکورد این شاخص را در طول یکسال اخیر زده است و



تحولات نرخ ارز، نقدینگی، تورم و تولید



تحولات رشد میانگین سالانه متغیرها طی دوره های مختلف (درصد ارزیال)

عنوان	دهه ۱۳۷۰	دهه ۱۳۸۰	سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶	سالهای ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱
نرخ دلار در بازار غیررسمی (درصد)	۲۰٫۶	۲٫۷	۲۳٫۹	۶۱٫۱
انحراف معیار نرخ دلار در بازار غیررسمی (ریال)	۲۵۵۶٫۹	۸۸۶٫۱	۸۸۳۹٫۱	۹۷۰۶۳٫۹
عنوان	دهه ۱۳۷۰	دهه ۱۳۸۰	سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶	سالهای ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱
نقدینگی	۲۷٫۱	۲۸٫۲	۲۶٫۷	۳۳٫۰
پایه پولی	۲۳٫۴	۲۴٫۰	۱۷٫۸	۳۲٫۲
تورم	۲۴٫۴	۱۴٫۷	۱۹٫۰	۴۲٫۴
تولید ناخالص داخلی	۴٫۳	۴٫۷	۱٫۴	۱٫۲

توضیح: رشد سالانه متغیرها بر اساس روش حسابی محاسبه شده است

۱۱

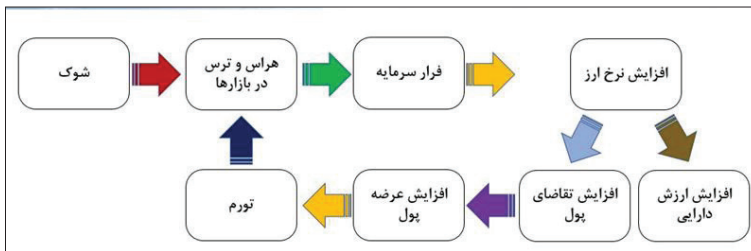
نمودار ۵

ترس حاکم شده است و ما باید از این ترس بترسیم و این ترس را حل کنیم. اگر انتظارات را حل نکنیم نمی‌توانیم متغیرهای واقعی را آرام کنیم. عملکرد شاخص‌ها هم به این بی‌اعتمادی دامن زده است. بنابراین تا تثبیت اقتصادی اجرا نشود نمی‌توانیم سیاست‌های اصلاحی را اجرا کنیم، هر سیاست اصلاحی که مطرح می‌شود سیاست‌گذار نگران این است که تورم ایجاد کند یا رشد را پایین آورد، بنابراین سیاست‌گذار جرات نمی‌کند سیاست‌های اصلاحی را انجام دهد چرا که شاخص‌ها آرام نیست و می‌ترسد که هر اقدامی بر آنها تأثیر بگذارد. حتی اقداماتی که از نظر تئوریک تأثیرگذار نیست اما از نظر انتظاری تأثیرگذار است. چاره‌ای جز این نداریم که با تقویت حکمرانی و اعتباربخشی به سیاست‌های پولی و ارزی اعتماد را بین سیاست‌گذار و فعال اقتصادی و مردم به وجود آوریم و اگر این اعتماد به وجود نیاید در اجرای سیاست‌ها موفق نخواهیم شد. به همین دلیل باید به تثبیت اقتصادی فکر کنیم و ثبات و آرامش و خروج دلهره و ترس از بازارها را دنبال کنیم.

مقاله‌ای از تجربه آرژانتین و شیلی در دهه ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که هر دو کشور مشکل مشابه داشتند تورم بالا همراه با کسری بودجه بالا هر دو کشور برای حل مشکل خود سیاست تثبیت را انتخاب کردند، اما یکی موفق شد و دیگری موفق نشد. نویسنده مقاله دلیل اصلی را بی‌اعتمادی ذکر می‌کند. شیلی توانست این اعتماد را به وجود آورد، اما آرژانتین نتوانست. شروع هر سیاست تثبیتی با نرخ ارز است.

۲۷٫۱، در دهه ۸۰ سالانه ۲۸٫۲ درصد، در سال‌های ۹۰ تا ۹۶ سالانه ۲۶٫۷ درصد و در سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۱ نیز سالانه ۲۳ درصد رشد داشته است. پایه پولی در دهه ۷۰ سالانه ۲۳٫۴ درصد، در دهه ۸۰ سالانه ۲۴ درصد، در سال‌های ۹۰ تا ۹۶ سالانه ۱۷٫۸ درصد و در سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۱ هم سالانه ۳۲٫۲ درصد رشد داشته است. نرخ تورم نیز در دهه ۷۰ سالانه ۲۴٫۴ درصد، در دهه ۸۰ سالانه ۱۴٫۷ درصد، در سال‌های ۹۰ تا ۹۶ سالانه ۱۹ درصد و در سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۱ سالانه ۴۲٫۴ درصد ثبت شده است. تولید ناخالص داخلی هم در دهه ۷۰ سالانه ۴٫۳ درصد، در دهه ۸۰ سالانه ۴٫۷ درصد، در سال‌های ۹۰ تا ۹۶ سالانه ۱٫۴ درصد و متاسفانه در سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۱ سالانه به طور میانگین تنها ۱٫۲ درصد رشد داشته است. (نمودار ۵)

بنابراین آمارهایی این سال‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای پولی در این سال‌ها شدیداً رشد کرده و متغیرهای واقعی شدیداً کاهش پیدا کرده و اینجاست که بحث تثبیت مطرح می‌شود. اما چرا تثبیت؟ چون نرخ‌های تورم بالاست و نوسانات آن بیش از حد معمول است، حد معمول هم روند میانگین حداقل ۱۰ سال گذشته است که تورم فعلی بیش از این مقدار است، اعتماد فعالان اقتصادی و مردم به سیاست‌های اعلامی به دلیل وضعیت بد شاخص‌ها کاهش پیدا کرده و القای دلهره و ترس از آینده به یک روال عادی تبدیل شده و عموم اخبار منفی است. فیشر در سال ۱۹۳۳ همزمان با بحران آمریکا می‌گوید که تنها چیزی که باید از آن بترسیم خود ترس است. در حال حاضر در بازار



◀ نمودار ۶

میزان مداخله بانک مرکزی به نرخ بازار در بازار غیر رسمی (میلیون دلار)

سال	اسکناس	حواله	جمع
۱۳۸۹	۰	۴,۸۷۰	۴,۸۷۰
۱۳۹۰	۳۶۰	۱۵,۹۷۰	۱۶,۳۳۰
۱۳۹۳	۱۱۷	۱,۷۱۳	۱,۸۳۰
۱۳۹۴	۱,۴۳۲	۱,۸۹۷	۳,۳۲۹
۱۳۹۵	۴,۷۶۳	۶,۹۵۷	۱۱,۷۲۰
۱۳۹۶	۷,۳۷۴	۱۱,۱۴۱	۱۸,۵۱۵
۱۳۹۷	۱۲۲	۵۲	۱۷۴
۱۴۰۱	۴۵۲	۰	۴۵۲
جمع کل	۱۴۶۲۰	۴۲۵۹۹	۵۷۲۱۸

◀ نمودار ۷

لازمه اینکه بتوانیم کار را مدیریت کنیم این است که از این چرخه خارج شویم؛ چرخه‌ای که با شوک و هراس ایجاد شده است، البته عوامل بنیادی هم وجود دارد و نافی عوامل بنیادین نیستیم، اما اینجا تاکید بر موضوعات اساسی است که در کشور ما اتفاق می‌افتد و متأسفانه شرایط بی‌ثبات را به وجود می‌آورد. در شرایط بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ریسک و نااطمینانی فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد که این امر به صورت یک چرخه معیوب موجب تضعیف سمت عرضه اقتصاد و تشدید بی‌ثباتی می‌شود و از این رو ایجاد محیطی باثبات و پیش‌بینی‌پذیر یکی از مهم‌ترین محورهای تقویت سمت عرضه اقتصاد کشور در شرایط کنونی محسوب می‌شود.

سیاست تثبیت اقتصادی سه محور دارد که اگر این سه کار را انجام دهیم، می‌توانیم ثبات را برقرار کنیم. اول حوزه ارز است که باید ثباتی را در آن برقرار کنیم و بازار را پیش‌بینی‌پذیر نماییم. اگر این اقدام انجام نشود سیاست تثبیت اجرایی نخواهد شد. باید بازار پیش‌بینی‌پذیر باشد و این ترس و دل‌پره‌ای که نسبت به آینده وجود دارد باید از بین برود. اقدام دوم کنترل نقدینگی است که این کنترل نقدینگی، هم

اگر نتوانیم نرخ ارز را به یک ثبات برسانیم در سیاست تثبیت ناموفق خواهیم بود، هر دوی این کشورها هم با نرخ ارز آغاز کردند، اما آرژانتین چون سیاست‌های مالی را هماهنگ نکرد و کسری بودجه را نتوانست کنترل کند موفق نشد و شبلی که کسری بودجه و سیاست مالی را هماهنگ کرد به موفقیت رسید. بنابراین وقتی می‌گوییم ثبات و تثبیت، مجموعه‌ای از این سیاست‌ها مد نظر است.

تورم در دهه ۹۰ در کشور ما عموماً به این شکل ایجاد شده که ابتدا یک شوک خارجی به اقتصاد وارد شده که ناشی از تحریم و نااطمینانی بوده و باعث هراس و ترس در بازارها شده که این هراس، فرار سرمایه را افزایش داده و فرار سرمایه منجر به افزایش نرخ ارز در بازار غیر رسمی شده است، این افزایش منجر به افزایش ارزش داریایی‌ها و افزایش تقاضای پول می‌شود و بنگاه‌ها برای سرمایه در گردش نیاز به پول بیشتری پیدا می‌کنند که فشار می‌آورد و درون‌زایی پول اتفاق می‌افتد، سیاستگذار مجبور می‌شود خلق پول بیشتری انجام دهد، در نتیجه افزایش عرضه پول اتفاق می‌افتد و تورم به وجود می‌آید و ما مجدداً در این چرخه می‌چرخیم. (نمودار ۶)

نظامهای ارزی در ۱۹۰ کشور در سال ۲۰۲۱ (درصد)

Hard peg	۱۳
No separate legal tender	۷،۳
Currency board	۵،۷
Soft peg	۴۷،۷
Conventional peg	۲۰،۷
Stabilized arrangement	۱۲،۴
Crawling peg	۱،۶
Crawl-like arrangement	۱۲،۴
Pegged exchange rate within horizontal bands	۰،۵
Floating	۳۳،۲
Floating	۱۶،۶
Free floating	۱۶،۶
Other managed arrangements	۶،۲



نمودار ۸

دو سال گذشته بالای ۱۰۰ میلیارد دلار در بازار مداخله کردند تا بتوانند بازار را کنترل کنند. این مداخله چیز عجیبی نیست و بیش از ۱۶۰ کشور در دنیا در بازار مداخله می‌کنند. بررسی نظام‌های ارزی در ۱۹۰ کشور دنیا در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که ۱۳ درصد این کشورها سیاست میخکوب سخت یا Hard peg را انتخاب کرده‌اند و ۴۷ درصد Soft peg یا شناور کثیف را به کار می‌برند که نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از این کشورها بر pegging تاکید دارند و اتفاقاً تعداد کشورهایی که نظام شناور را استفاده می‌کنند کمتر است، از سوی دیگر اتفاقاً عموم کشورهایی که موفق بوده‌اند کشورهایی هستند که نرخ اخذ خود را تثبیت کرده‌اند. مگر چین یا همین کشورهای اطراف خلیج فارس کدام یک سیاست شناور را به کار می‌گیرند که آنقدر از آن حمایت می‌کنیم؟ (نمودار ۸)

دخالت در بازار ارز امری مرسوم در سیاست‌های بانک مرکزی کشورهاست و تلاش برای تثبیت نرخ ارز امری مرسوم در سیاست‌گذاری ارزی است و فقط مختص کشور ما نیست. هرچند که کشور ما به دلیل تحریم و مشکلاتی که وجود دارد نیاز بیشتری به مداخله در بازار دارد. اگر نرخ ارز را با مداخله تثبیت نکنیم، اعتمادی در بازار به وجود نمی‌آید و این یک تجربه جهانی است.

از نگاه دیگر اگر نظام ارزی کشور را در سال‌های اخیر از نظر تعدد نرخ بررسی کنیم می‌بینیم که در سال‌هایی که تحریم بوده‌ایم، عموماً یک نرخ نداشته‌ایم. سال ۹۷ تا ۹۹ هشت نرخ و در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، شش نرخ ارز داشته‌ایم اما در حال حاضر سه نرخ ارز داریم. تعداد نرخ‌ها را کاهش داده‌ایم اما هنوز نتوانستیم به تک نرخ

با سیاست پولی و هم با سیاست مالی انجام می‌شود؛ یعنی سیاست پولی و مالی باید در خدمت کنترل نقدینگی باشد. اگر کنترل نقدینگی را انجام ندهیم در دوره‌ای دوباره باعث تأثیر بر نرخ ارز می‌شود.

اقدام سوم که ضرورت بسیار دارد، تنظیم‌گری است، باید نسبت به مقررات حساس باشیم، بازارهای ما عموماً با ضعف مقررات روبه‌رو هستند؛ یا مقررات محکمی وجود ندارد یا اگر هست کسی آن را اجرا نمی‌کند و کسی بر آن نظارت نمی‌کند. بنابراین باید بحث مقررات را در بازارها جدی بگیریم.

حال باید ببینیم که در هر یک از این حوزه‌ها چه اقداماتی انجام داده‌ایم و چه اقداماتی باید انجام دهیم. بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ مجموعاً به میزان ۵۷ میلیارد دلار در بازار مداخله کرده است. در سال ۹۶ بانک ۱۸.۵ میلیارد دلار مداخله انجام داده است، اما از سال ۹۷ به بعد میزان این مداخله در بازار غیررسمی کاهش پیدا کرده، اما هنوز اعداد کمی وجود دارد. (نمودار ۷)

البته این میزان مداخله بانک مرکزی در بازار ارز است و نه فروش ارز. برخی دوستان اعدادی را اعلام می‌کنند که درست نیست. اینکه بانک مرکزی ارز بفروشد وظیفه بانک مرکزی است، وقتی بانک مرکزی ارز دولت را می‌گیرد باید بفروشد تا پایه پولی افزایش پیدا نکند و نقدینگی آن را به دولت بدهد. اینجا منظور ارزی است که بانک مرکزی به منظور مداخله در بازار فروخته است که حدود ۵۷ میلیارد دلار است؛ البته این عدد برای ۱۰ سال عدد خیلی بالایی نیست و ما کشورهایی داریم که در همین یکی





سال	تعداد نرخ	عناوین
۱۳۹۷	۸	۱- ترجیحی (۴۲۰۰ تومان)، ۲- حواله نیما، ۳- نیمای پتروشیمی، ۴- اسکناس سنا، ۵- لحظه‌ای اسکناس سنا، ۶- حواله سنا، ۷- اسکناس ETS، ۸- حواله ETS
۱۳۹۸	۸	۱- ترجیحی (۴۲۰۰ تومان)، ۲- حواله نیما، ۳- اسکناس سنا، ۴- لحظه‌ای اسکناس سنا، ۵- حواله سنا، ۶- اسکناس ETS، ۷- حواله ETS، ۸- اسکناس بازار متشکل معاملات ارز ایران
۱۳۹۹	۸	۱- ترجیحی (۴۲۰۰ تومان)، ۲- حواله نیما، ۳- اسکناس سنا، ۴- لحظه‌ای اسکناس سنا، ۵- حواله سنا، ۶- اسکناس ETS، ۷- حواله ETS، ۸- اسکناس بازار متشکل معاملات ارز ایران
۱۴۰۰	۶	۱- ترجیحی (۴۲۰۰ تومان)، ۲- حواله نیما، ۳- اسکناس S.A، ۴- حواله ETS، ۵- لحظه‌ای اسکناس ETS، ۶- اسکناس بازار متشکل معاملات ارز ایران
۱۴۰۱	۶	۱- حواله نیما، ۲- اسکناس ETS، ۳- حواله ETS، ۴- لحظه‌ای اسکناس ETS، ۵- اسکناس بازار متشکل معاملات ارز ایران، ۶- نرخ اسکناس نوافق بازار متشکل (از تیرماه)
وضعیت کنونی	۳	۱- نرخ حواله کالاهای اساسی (متوسط ۲۸۵۰۰ تومان)، ۲- اسکناس ETS، ۳- حواله ETS



نمودار ۹

دادیم و تمام صادرکنندگان را به مرکز مبادله منتقل کردیم و تلاش نمودیم نرخ مرکز مبادله به یک حد شناسایی برسد و در یک حدی نوسان کند. در این مرکز یک نرخ ارز حواله‌ای و یک نرخ ارز اسکناس قرار دادیم. چرا که تامین اسکناس سخت‌تر است و نرخ آن باید بالاتر باشد. با هدف کوچک کردن بازار غیر رسمی تمام نیازها را در سامانه مرکز مبادله پاسخگویی کردیم؛ بالای ۶۰ نیاز مانند ارز دانشجویی، ارز مسافرتی و ارز پزشکی را در این سامانه پاسخ می‌دهیم. تمام هدف ما این است که تمام نیازهای ارزی به غیر از بحث قاچاق و پولشویی و... را در این سامانه تامین کنیم. اقدام دیگری که انجام دادیم این بود که از سال جدید اعلام کردیم که فروش اسکناس باید فقط از طریق سیستم بانکی باشد و الزام به افتتاح حساب ارزی را اجرائی کردیم که این اقدام کمک بزرگی به آرامش بازار کرد و میزان فروش ارز را کاهش داد و صف‌های فروش ارز را که خود به انتظارات دامن می‌زد جمع کرد. همچنین اقدام به هماهنگی و همکاری با وزارت خانه‌های صمت، جهاد کشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای هماهنگی بین نقشه‌ارزی و تجاری کشور کردیم و کمیته‌هایی را برای این منظور راه‌اندازی کردیم. از ابتدای سال برآورد کردیم چه میزان درآمد ارزی داریم و چه میزان ارز می‌توانیم تخصیص دهیم، سهمیه‌بندی مشخص برای دستگاه‌ها تعیین شد و در همان چارچوب ارز تخصیص داده می‌شود.

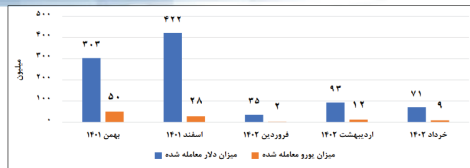
بانک مرکزی همچنین مداخله حاشیه‌ای در بازار غیر رسمی ارز و طلا را انجام می‌دهد. کاهش مدت زمان بازگشت ارز صادراتی از ۱۲۵ روز به ۸۰ روز، تمرکز خرید ارز اسکناس و رفع

برسیم، چون تحریم هستیم. اینکه بتوانیم به یک نرخ برسیم به عنوان یک وضعیت بهینه خیلی خوب است اما باید شرایط آن در کشور فراهم باشد. اگر نتوانیم باید با کمک چند نرخ بتوانیم تورم را مهار کنیم و اینگونه نیست که قاعده‌ای از پیش تعیین شده وجود داشته باشد، بلکه هر کشوری باید به شرایط کشور خود نگاه کند. (نمودار ۹)

اما بانک مرکزی چه اقداماتی انجام داده است؟

در حوزه ارز در شرایطی که بازار کالا به هم ریخته بود و همه به دنبال دریافت ارز بودند برای اینکه به فعالان اقتصادی بگوییم نگران آینده نباشید، نرخ ارز را ۲۸۵۰۰ تومان با دو درصد نوسان تعیین کردیم و زمانی این نرخ را تعریف کردیم که نرخ ارز در بازار متشکل همین عدد بود و ارز نفت در بودجه ۲۳ هزار تومان تصویب شده بود، بنابراین در بانک مرکزی با عدد پایین‌تری ارز را می‌گرفتیم و بالاتری فروختیم. بارها گفته‌ام که این نرخ با نرخ ۴۲۰۰ تومانی تفاوت‌های بسیاری دارد و پایه پولی را افزایش نمی‌دهد. ارز ۴۲۰۰ تومانی وجود نداشت. بانک مرکزی ارز را ۱۵ هزار تومان می‌خرید و ۴۲۰۰ تومان می‌فروخت و پایه پولی را دائم رشد می‌داد اما ما ارز را ۲۷ هزار تومان می‌خریم و ۲۸ هزار تومان می‌فروشیم. بخش عمده‌ای از افزایش پایه پولی فعلی ناشی از ارز ۴۲۰۰ تومانی است چرا که بانک مرکزی مجبور بود ارز را به قیمت بالاتری بخرد و به قیمت پایین‌تری بفروشد اما ما این کار را نمی‌کنیم. بعد از آن به دلیل اینکه همچنان التهاب در بازار وجود داشت مرکز مبادله را راه‌اندازی کردیم. ارز مربوط به نفت را به کالاهای اساسی اختصاص

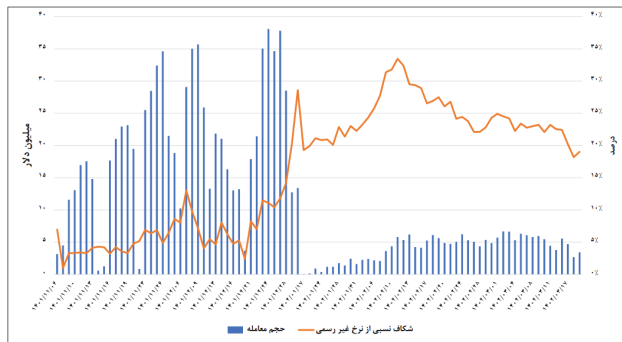




واحد: میلیون

ماه	میزان دلار معامله شده	میزان یورو معامله شده
بهمن ۱۴۰۱	۳۰۳	۵۰
اسفند ۱۴۰۱	۴۲۲	۲۸
فروردین ۱۴۰۲	۳۵	۲
اردیبهشت ۱۴۰۲	۹۳	۱۲
خرداد ۱۴۰۲	۷۱	۹
جمع کل	۹۲۴	۱۰۱

نمودار ۱۰



نمودار ۱۱

منابع ارزی ما در خارج کشور است، ما بالای ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی داریم که در کشورهای مختلف است و باید اقدام حقوقی یا سیاسی در این حوزه (آزادسازی منابع) انجام شود. در این مدت در این بخش فعالیت های خوبی انجام شده و اثرگذاری بالایی داشته است که اثرات آن را به زودی خواهیم دید. منابعی که در خارج از کشور داریم، منابع کشور ماست و باید به موقع از آن بتوانیم استفاده کنیم. بنابراین به این موضوع ورود کردیم و با همکاری دستگاه دیپلماسی اقدامات بسیار خوبی انجام شده است. اقدام دیگری که خیلی مهم است برگزاری اجلاس ACU بوده است. این اتحادیه را گسترش دادیم و در حال جذب اعضای جدید هستیم. در این اتحادیه کشورهایی مانند هندوستان و پاکستان عضو هستند و به تازگی بلاروس نیز به جرگه این کشورها پیوسته است. ACU مجموعه ای از کشورهایی است که سهمی در

تعهد صادراتی در بانک ملی، تخصیص به روز و به هنگام ارز کالاهای اساسی دارو و تجهیزات پزشکی، تسهیل واردات طلا به کشور و حذف شرط الزام به گشایش اعتبار اسنادی برای واردات طلا، ارائه ارز مسافرتی به مسافرین بعد از گیت فرودگاه، جلوگیری از ایجاد درخواست های غیرواقعی ارز برای واردات در قالب مسدودسازی معادل ریالی مبلغ ارز در حساب متقاضی نزد بانک ها، تقویت عرضه ارز از طریق بهره گیری از ظرفیت های کشورهای دوست و همسایگان نظیر چین و امارات، ایجاد سامانه های پیام رسان ملی بانک های ایران و روسیه، اتخاذ رویکرد فعال در دیپلماسی منطقه ای در حوزه پولی و ارزی و گسترش تعاملات تجاری در بستر استفاده از ظرفیت های اتحادیه پایاپای آسیایی از دیگر اقداماتی است که بانک مرکزی طی این مدت انجام داده است. یک کار بسیار اساسی در بانک مرکزی مسئله



تحولات اجزای اصلی تراز پرداخت‌های خارجی (میلیون دلار)

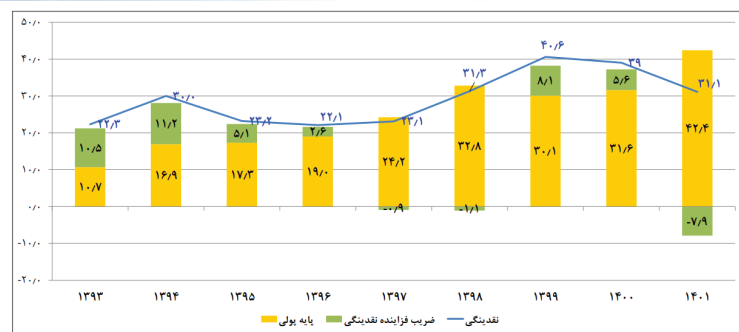
۱۴۰۱ (برآورد اولیه و مقدماتی)	۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	(میلیون دلار)
۱۵۵۰۸	۱۱۱۴۴	-۷۰۸	-۱۶۵۲	۲۶۲۴۱	تراز حساب جاری
۲۲۱۶۶	۱۵۸۴۴	۲۲۲۶	۱۸۸۵	۳۰۸۰۴	حساب کالا
۹۸۳۱۸	۷۹۲۰۰	۴۹۸۲۸	۵۹۹۷۵	۹۲۶۵۱	صادرات
۷۵۱۷۲	۶۲۶۶۶	۴۶۶۱۲	۵۸۰۰۰	۶۱۸۳۷	واردات (فوب)
-۶۸۸۸	-۵۲۵۹	-۳۹۹۹	-۲۵۰۴	-۶۲۷۸	حساب خدمات
-۲۰۴۰۴	-۱۰۲۲۹	-۳۶۷۷	-۹۳۴	-۱۹۸۱۵	تراز حساب مالی و سرمایه
-۶۰۶۳	-۷۵۴۴	-۵۸۸۹	-۶۰۱۹	-۵۵۵۲	حساب سرمایه
-۱۴۳۴۱	-۲۶۸۵	۲۲۱۱	۵۰۸۵	-۱۴۲۹۳	حساب مالی



نمودار ۱۲



ترکیب رشد نقدینگی



نمودار ۱۳

حال سوال بعدی اینجاست که در ادامه چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

همچنان مرکز مبادله محور سیاست‌های ارزی ما خواهد بود. مرکز مبادله را در ساختمان جدید به زودی افتتاح می‌کنیم و در آن تمام ابزارهای معاملاتی ارز را متناسب با شرایط کشور استفاده خواهیم کرد. صندوقی به اسم صندوق تثبیت را ایجاد می‌کنیم که این صندوق کمک خواهد کرد تا در مواقع ضروری بتوانیم به ثبات و تثبیت نرخ ارز کمک کنیم. به بازار طلا هم ورود خواهیم کرد چرا که طلا جایگزین ارز است اما در مرکز مبادله فعلاً تمرکزمان بر ارز است. مسئله دیگر بحث مدیریت فعال بانک مرکزی در حوزه معاملات تراستی‌ها در خارج کشور است و از سوی دیگر همچنان تمرکز سیاست‌های ما بر استفاده از منابع خارج از کشور خواهد بود؛ منابعی که سال‌هاست از آنها استفاده نشده است.

تراز حساب جاری کشور در سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۱ میلیارد دلار و در سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۵ میلیارد

اقتصاد جهانی دارند و ما هم یکی از اعضای این اتحادیه هستیم، دبیرخانه آن هم در ایران است و قطعاً ریاست آن به ایران رسیده است و قطعاً از ریاست این اتحادیه استفاده خواهیم کرد تا بتوانیم تعاملات خود را به صورت پایاپای و با ارزهای غیراز دلار و یورو تقویت کنیم.

تا اسفند ۱۴۰۱ ارز را در صرافی‌ها به متقاضیان می‌فروختیم که عموم متقاضیان دلان بودند و مردم عادی به دلیل وجود صف‌ها نمی‌توانستند به ارز دسترسی داشته باشند اما از فروردین ماه امسال سیاست جدید را آغاز کردیم و میزان ارز فروخته شده که در اسفند ۱۴۰۱ به میزان ۴۲۲ میلیون دلار و ۲۸ میلیون یورو بود به ۳۵ میلیون دلار و ۲ میلیون یورو در فروردین ماه کاهش یافت که البته این سیاست برخلاف آنچه برخی پیش‌بینی می‌کردند منجر به افزایش نرخ نیز نشد و نرخ کاهش شد و همین که ما توانستیم ولع دریافت ارز را بخوابانیم به آرامش بازار کمک کرد. (نمودار ۱۱ و ۱۰)





ترس و دلهره را از بین ببریم. تا زمانی که اعتماد در بازار به وجود نیاید این مسائل و مشکلات در کشور وجود خواهد داشت.

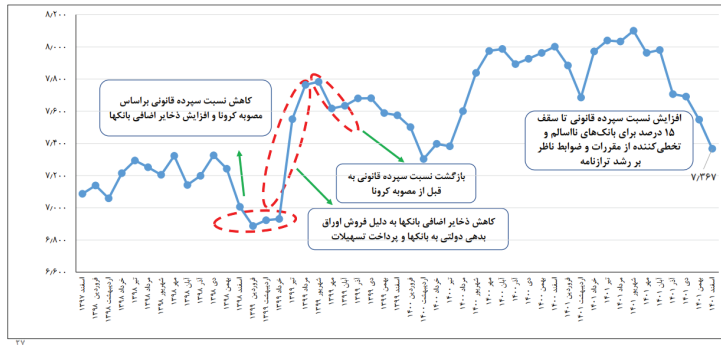
اگر از سیاست‌های ارزی بگذریم و به سیاست‌های پولی بازگردیم، کنترل نقدینگی یکی از اهداف بانک مرکزی است که کار را بسیار سخت کرده است. تحمل سیاست انقباضی برای دولت و فعالان اقتصادی سخت است اما چاره‌ای جز اینکه سیاست‌های انقباضی را اتخاذ کنیم نداریم. با سیاست‌های انبساطی قطعاً نخواهیم توانست نقدینگی را کنترل کنیم. یکی از اقدامات بانک مرکزی در این حوزه افزایش نرخ سود بوده است. به غیر از نرخ سود، نرخ سپرده قانونی را نیز افزایش داده‌ایم و همچنین به صورت کنترل ترانزنامه‌ای بر وضعیت بانک‌ها نظارت می‌کنیم، البته می‌دانیم که سیاست ایده‌آلی نیست اما چاره‌ای نداریم تا زمانی که بتوانیم تورم را کنترل کنیم از سیاست‌های ترانزنامه‌ای هم استفاده کنیم. در سال گذشته

دلار مثبت بوده است. معمولاً به طور تاریخی تراز حساب جاری کشور همیشه مثبت بوده است. حساب کالا نیز ۲۳ میلیارد دلار مثبت بوده، یعنی صادرات کالا بیش از واردات بوده است. ۹۸ میلیارد دلار کالا صادر کردیم و ۷۵ میلیارد دلار واردات داشتیم. یعنی کشوری با ۲۰۰ میلیارد دلار معاملات ارزی هستیم. عدد تجارت کشور به صورت ارزی بزرگ است و حساب خدمات نیز همیشه منفی بوده که بیشتر ناشی از گردشگری است. (نمودار ۱۲)

زمانی در دهه ۸۰ آرزوی ما بود که ۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته باشیم، اما اکنون بالای ۴۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داریم، اعداد ارزی کشور اعداد قابل ملاحظه‌ای شده و ما حتی بدون ارز نفت می‌توانیم بخش عمده‌ای از نیازهای ارزی خود را تامین کنیم. بنابراین اینگونه نیست که اگر منابع ارزی آزاد نشود با روال کنونی نمی‌توانیم نیازهایمان را تامین کنیم، با روال کنونی هم می‌توان کار کرد، به شرط آنکه



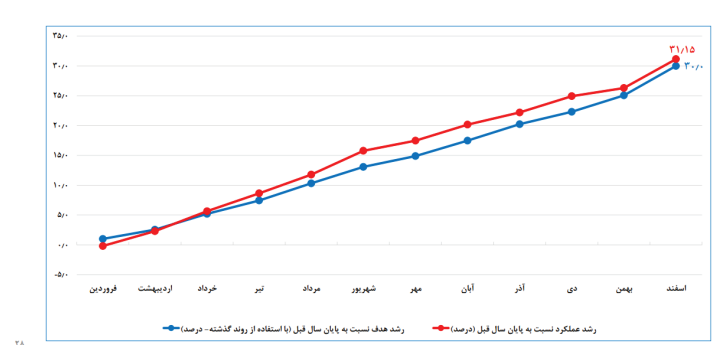
تحولات ضریب فزاینده نقدینگی



نمودار ۱۴



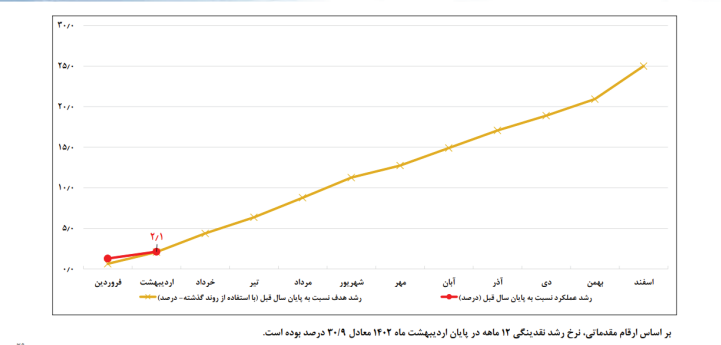
نرخ رشد هدف و عملکرد نقدینگی در چارچوب برنامه پولی طی سال ۱۴۰۱



نمودار ۱۵



نرخ رشد هدف و عملکرد نقدینگی در چارچوب برنامه پولی طی سال ۱۴۰۲



نمودار ۱۶

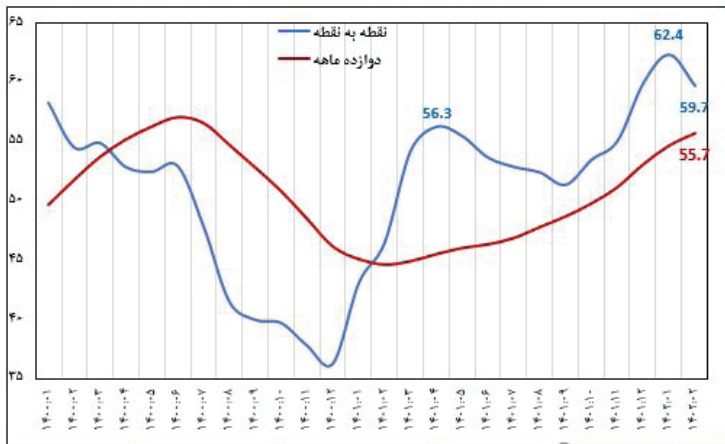


شماره اول - تیر ۱۴۰۲

ضریب فزاینده ۷.۹ درصد کاهش پیدا کرد. امسال برنامه ریزی کرده ایم که بتوانیم نقدینگی را حدود ۲۵ درصد کنترل کنیم، البته این نکته را نیز باید دقت کرد که کشوری که تورم ۴۵ درصدی و رشد نقدینگی ۳۰ درصد دارد یعنی رشد پول حقیقی منفی است.

این سیاست بد جواب نداده و به نظر می رسد امسال هم خوب جواب خواهد داد. در سال ۱۴۰۱ هدف بانک مرکزی رشد نقدینگی ۳۰ درصد بود که به ۳۱.۱ درصد رسید. یکی از دلایلی که توانستیم نقدینگی را کنترل کنیم این است که

تحولات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (درصد) (۱۴۰۰-۱۴۰۱)



آمارها نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها عموماً نرخ رشد پول حقیقی منفی بوده است. البته دلیل تورم این موضوع نبوده بلکه انتظارات بوده که موجب تورم شده است. (نمودار ۱۳)

ضریب فزاینده نقدینگی نیز کاهش پیدا کرده و در حالی که تا بالای ۸ نیز رفته بود به ۷.۳۶۷ کاهش پیدا کرده و این‌ها مواردی است که می‌تواند منجر به آرامش در بازار شود. رشد نقدینگی هفته به هفته کنترل می‌شود و برای اردیبهشت امسال عدد ۲.۱ درصد ثبت شده که مطابق بر نمودار رشد نقدینگی با هدف ۲۵ درصدی در پایان سال است. (نمودار ۱۴ و ۱۵)

کار دیگری که امسال می‌خواهیم انجام دهیم در حوزه تسهیلات خرد است. اشکالی که نظام تامین مالی کشور دارد این است که تامین مالی بلند مدت در دنیا معمولاً در بازار سرمایه انجام می‌شود اما ما در کشورمان همه تامین مالی کلان و بلندمدت را به نظام بانکی آورده‌ایم، بنابراین پولی برای اعطای تسهیلات خرد باقی نمی‌ماند. ما باید تلاش کنیم که تامین مالی کلان و بلندمدت را به بازار سرمایه منتقل کنیم. زمانی که شرکت‌های دولتی چه به صورت تکلیفی و چه به اشکال دیگر تسهیلات بانکی دریافت می‌کنند، دیگر منابعی برای اعطای تسهیلات به بخش خصوصی باقی نمی‌ماند در حالی که سپرده بانک‌ها متعلق به بخش خصوصی است. حتماً باید بتوانیم تامین مالی خرد و تامین مالی قرض‌الحسنه را توسعه دهیم و امسال بر این موضوع متمرکز خواهیم شد.

مبحث دیگر در مورد بانک‌های ناسالم است. تعدادی بانک ناسالم در شبکه بانکی داریم که

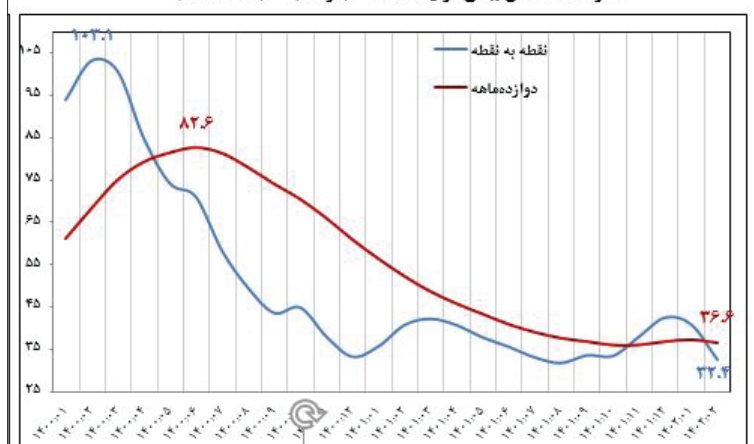
هم دولتی و هم خصوصی هستند، ناسالم به این معناست که کفایت سرمایه لازم را ندارند و اضافه برداشت دارند که باید بتوانیم این بانک‌ها را مدیریت کنیم. کار را در بانک مرکزی شروع کرده‌ایم و برنامه‌ها در حال تدوین است، برنامه اصلاحی بانک‌ها را به هر بانک داده‌ایم و بانکی که قابل اصلاح نیست باید به سمت حل و فصل یا گزیر برود، چرا که خلق پول می‌کند و متأسفانه در برخی از بانک‌ها اتفاقاتی افتاده که قابل دفاع نیست. بانک باید بانکداری کند اما برخی از بانک‌های ما تبدیل به بنگاه معاملات ملکی شده‌اند. بانک‌های ناسالم حتماً باید برنامه اصلاحی بانک مرکزی را اجرا کنند و اگر اجرا نکنند به سمت گزیر خواهند رفت، البته باید اذعان کرد که بعضی از این بانک‌ها تحت تاثیر فشارهای بیرونی با این مشکل‌ها مواجه شده‌اند و اینگونه نبوده که مدیران بانک مشکل ایجاد کرده باشند، برای مثال بانک دولتی داریم که دولت تامین مالی زیادی از طریق این بانک انجام داده و بانک را ناتراز کرده است بنابراین خود دولت هم باید به بانک‌های زیر مجموعه خود ورود کند. اقدامات بسیار خوبی انجام شده و درباره این موضوعات تفاهم کرده‌ایم که دولت هم به موضوع ناترازی بانک‌های دولتی ورود کند.

اما پیش‌بینی ما از وضعیت شاخص‌های اقتصادی در آینده چیست؟

تورم نقطه به نقطه مصرف‌کننده که در فروردین ماه به قله خودش یعنی ۶۲.۴ درصد رسیده بود در اردیبهشت ماه به ۵۹.۷ درصد کاهش پیدا



تحولات شاخص بهای تولیدکننده (درصد) (۱۳۹۵-۱۰۰)



نمودار ۱۸

رشد اقتصادی یا همان تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۰ مثبت بوده و طبق محاسبات در ۹ ماهه سال ۱۴۰۱ هم ۳.۷ درصد بوده و برآورد ما این است که تا پایان سال ۱۴۰۱ هم مثبت خواهد بود. نرخ رشد کشاورزی مثبت شده و گروه نفت رشد خیلی خوبی داشته است، صنایع و معادن نیز نرخ رشد خوبی داشته و با توجه به اینکه خدمات در تولید ناخالص داخلی سهم حدود ۵۰ درصدی دارد، وقتی نرخ رشد این گروه پایین می آید کل نرخ رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد که امیدواریم امسال نرخ رشد بیشتری در این گروه داشته باشیم. تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیز در ۹ ماهه سال گذشته ۳.۲ درصد بوده است. (نمودار ۱۹)

هزینه های مصرفی بخش خصوصی در ۹ ماهه ۱۴۰۱ معادل ۷.۷ درصد و در فصل سوم یعنی پاییز

کرد و اطمینان داشته باشید که در خرداد ماه ریزش شدیدی در این نرخ خواهیم داشت. این ریزش به دلیل افت قیمت دلار نیست، بلکه به دلیل اصلاح سیاست ها اطمینان داریم که این نرخ کاهش پیدا خواهد کرد. هدف ما این است که امسال تورم مصرف کننده را در محدوده کانال ۳۰ درصد کنترل کنیم. (نمودار ۱۷)

تورم نقطه به نقطه مصرف کننده هم در خرداد ماه به یک کانال پایین تر یعنی کانال ۴۰ درصد کاهش خواهد یافت و انشاء الله تا پایان سال بتوانیم آن را به کانال ۳۰ درصد برسانیم.

۱۸



IRTE.IR

اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •



نمودار ۱۹

رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵)

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۱		۱۴۰۰		رشد تولید ناخالص داخلی بر حسب فعالیت‌های اقتصادی (درصد)		
فصل اول	فصل دوم	فصل سوم	فصل سوم	سال	نه ماهه	
۲.۲	۳.۶	۵.۳	۳.۷	۴.۴	۴.۰	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه
۱.۹	۰.۸	۱.۱	۱.۱	-۲.۶	-۲.۶	ارزش افزوده گروه کشاورزی
۳.۴	۱۰.۴	۱۵.۴	۹.۳	۱۰.۱	۱۳.۷	ارزش افزوده گروه نفت
۰.۵	۷.۱	۸.۹	۵.۶	۱.۱	-۰.۳	ارزش افزوده گروه صنایع و معادن
۲.۷	۲.۳	۳.۳	۲.۸	۶.۵	۶.۳	ارزش افزوده گروه خدمات
۲.۱	۳.۱	۴.۵	۳.۲	۳.۹	۳.۲	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (بدون نفت)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۲۰

رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵)

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۱		۱۴۰۰		رشد تولید ناخالص داخلی بر حسب اقلام هزینه نهایی (درصد)		
فصل اول	فصل دوم	فصل سوم	فصل سوم	سال	نه ماهه	
۶.۲	۵.۷	۱۱.۳	۷.۷	۳.۹	۲.۹	هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی
-۶.۶	-۹.۳	۱۶.۰	-۰.۷	۸.۳	۵.۱	هزینه‌های مصرفی بخش دولتی
-۱.۰	۶.۹	۱۶.۶	۷.۷	۰.۰	-۵.۲	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی
۱۶.۵	۱۲.۶	۲۸.۳	۱۹.۷	۱۲.۵	۱۱.۲	ماشین آلات
-۹.۴	۳.۹	۶.۹	۰.۴	-۷.۱	-۱۳.۴	ساختمان
-۸.۸	۰.۵	۱۹.۳	۲.۷	۵.۸	۰.۴	سایر تشکیل سرمایه
۷.۳	۶.۲	۱۳.۸	۹.۲	۵.۲	۶.۰	صادرات کالاها و خدمات
۱۴.۶	۱۳.۶	۰.۶	۹.۲	۲۴.۱	۲۵.۵	واردات کالاها و خدمات
۲.۵	۳.۴	۴.۷	۳.۵	۴.۷	۴.۶	تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار

۱۹



شماره اول - تیر ۱۴۰۲

بنابراین پیش‌بینی ما این است که امسال قطعاً شرایط اقتصادی بهتری خواهیم داشت. سیاست تثبیت را حتماً ادامه می‌دهیم و حتماً بر کنترل نقدینگی تمرکز خواهیم داشت و در مورد نرخ ارز هم مبتنی بر سیاست‌هایی که اعلام شد، برنامه‌ها را ادامه خواهیم داد.

۱۱.۳ درصد رشد داشته که این‌ها علائم خوبی در اقتصاد ایران است. خبر خیلی خوب دیگر تشکیل سرمایه است که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به ۷.۷ درصد رسید، در حالی که متوسط نرخ رشد یک دهه گذشته منهای ۶.۹ درصد بوده است. (نمودار ۲۰)

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام
در گفت و گو با تازه های اقتصاد

بانک مرکزی بدون ارزیابی بازار را آرام کرد

- عاملی اصلی تورم بالای ۴۰ درصد مسئله انتظارات است
- بخش اعظمی از تثبیت نرخ ها در بازار ارز، ناشی از عملکرد مرکز مبادله ارز و طلا است

بانک مرکزی در جدیدترین سیاست گذاری های خود، طرح تثبیت اقتصادی را کلید زد. این طرح که هدف نهایی آن کنترل نرخ تورم است از ابزارهای مختلفی استفاده خواهد کرد. استفاده از ابزار سیاست گذاری ارزی، توسعه فعالیت های مرکز مبادله ایران، کنترل نقدینگی و انجام اقدامات نظارتی بر بازارهای مختلف، به عنوان پیوست های طرح تثبیت اقتصادی مطرح است. همانطور که رییس کل بانک مرکزی نیز پیش بینی کرده بود، رکورد کاهش نرخ تورم نقطه به نقطه در خرداد ماه امسال با کاهش ۱۲ درصدی شکسته شد. پیرامون اقدامات موفق اخیر بانک مرکزی در کنترل بازار ارز و قرار گرفتن سیاست ها در مسیر کنترل تورم، با حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم؛ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفتگویی انجام دادیم که با هم می خوانیم:



IRTE.IR

اقتصاد تازه های

● شماره اول - تیر ۱۴۰۲ ●

با سیاست‌های اخیر بانک مرکزی و عملیاتی شدن برخی برنامه ریزی‌ها، آرایش به بازار ارز کشور برگشته است. نظر شما در این باره چیست و تا چه میزان احتمال می‌دهید این روند کاهش نرخ ارز همچنان ادامه پیدا کند؟

سیاست‌های اخیر بانک پاسخ مثبت گرفت و این مهم است. ارز ناشی از فروش نفت در سامانه نیما مدیریت شد و ارز مورد نیاز برای واردات مواد اولیه، دارو و بخش مهمی از نیاز عمومی جامعه توسط بانک مرکزی تخصیص پیدا کرد که نکته پراهمیتی به حساب می‌آید. بر اساس اخباری که در اختیار دارم، بانک مرکزی از منابع خود به بازار تزریق نمی‌کند. بدین معنا؛ ذخایر اطمینان بخش بانک مرکزی که قابل توجه هم است، دست نخورده باقی مانده و برخلاف اقداماتی که پیش تر انجام می‌گرفت و گفته می‌شد بر فرض ۱۸ میلیارد دلار برای مهار نرخ ارز تزریق شده، خوشبختانه در این دوره با وجود متعادل شدن قیمت ارز شاهد روی دادن چنین اتفاقاتی نیستیم. البته با این وجود، همچنان بعضی از کارشناسان اظهار نظرهای نادرستی می‌کنند و می‌گویند بازارساز چنین کرده، بازارساز چنان کرده؛ این تعبیر ناشی از عدم اطلاع درست آنان از جریان است. حقیقتاً هیچ سرکوبی معنا ندارد. سرکوب وقتی معنا پیدا می‌کند که درصدد باشند، نرخ ارزی را در قیمت پایینی نگه دارند. یا به طور نمونه گفته می‌شود در مسیر اصلاح قیمت ارز متناسب با شرایط تورم مانع به وجود می‌آیند. در پاسخ به این افراد باید مطرح کرد که حتی در شرایطی که متناسب با تورم، قیمت ارز افزایش پیدا کرد، بانک مرکزی با این وجود اصراری نداشت در شرایطی که اقتضای دادوستد یا عرضه و تقاضا وجود دارد، اصلاح قیمتی صورت دهد؛ بنابراین سیاست‌های اخیر بانک مرکزی بسیار کار درستی است و حتی در این شرایط شاهد اندکی کاهش در قیمت ارز هم هستیم. علاوه بر موارد یاد شده، این نکته هم باید مورد توجه قرار گیرد که اساساً عنوان بازار آزاد ارز درست نیست. بازار آزاد ارز، همان بازار مبادله‌ای است و تمام تقاضاها در آنجا قرار می‌گیرد. تقاضای قاچاق قرار نیست پاسخ داده شود یا تقاضای دلالی هم به همین شکل است. اصلاً این دلالی کجا مشروع و مجاز شمرده شد که در اقتصاد ما این قدر رواج پیدا کرده است؟ هزاران نفر

ذهن و فکر عامه مردم را به خودشان مشغول می‌کنند و با چند هزار دلار جابه جایی که صورت می‌گیرد، نرخ‌سازی انجام می‌دهند. این کار بسیار غلط است، ضمناً بازاری که کنترل شده، مدیریت شده و نظارت شده نیست، تحت تأثیر کانال‌های تلگرامی قرار می‌گیرد که غیرایرانی‌ها هم می‌توانند در آن دخالت داشته باشند. بیگانگان بر این کانال سوارند و آن را هدایت می‌کنند. ارز فردایی هم یکی از همین موارد است که در واقع قمار به حساب می‌آید. دونه‌ریا همدیگر گفت‌وگومی‌کنند، ارز فردا چقدر است، نه ارزی مبادله می‌شود، نه کسی می‌فروشد و نه کسی می‌خرد، مابه‌التفاوت آن را به کسی که خطا فهمیده، تحمیل می‌کنند. این کار نه منطق درستی دارد و نه از نظر شرعی از مشروعیت برخوردار است. بازار ارز نباید تحت تأثیر این گونه مسائل قرار بگیرد، این پدیده بازار ارز را ما نه در ترکیه، کشورهای اروپایی، آسیایی، شمال آفریقا، جنوب آفریقا، آمریکای لاتین نمی‌بینیم و خیلی عجیب است و به نظرمی رسد دولت در صورت وجود امکانات لازم باید این بازار را ببندد. بنده هر جا که سفر رفتم و در صدد تهیه ارز برمی‌آمدم، صرافی و بانک را پیشنهاد کردند که بعد از اسکن گذرنامه دلار شما را تبدیل به پول رایج آن کشور می‌کردند. ما هم باید بر همین اساس عمل کنیم و اساساً عقلایی‌اش همین است. چنانچه این اتفاق روی دهد، افکار عمومی جامعه نسبت به قیمت ارز شرطی نمی‌شود و تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرد و از تشویش، اضطراب و نگرانی هم فاصله می‌گیرد.

شاهد هستیم که بخش زیادی از دلال‌ها و سوداگران از بازار ارز خارج شدند، زیرا دیگر سودی برای آنان وجود ندارد، در صورتی که در شرایط گذشته با نرخ‌گذاری تلگرامی و شبانه و جوسازی در بازارهای ارز، برای افزایش نرخ‌ها روبرو بودیم. چقدر سیاست‌های اخیر بانک مرکزی در این زمینه تأثیرگذار بود و برای بهتر شدن این راه پیشنهاد شما به مسئولان بانک مرکزی چیست؟

پیشنهادی که من داده بودم و خوشبختانه رئیس محترم بانک مرکزی آن را اجرایی کرد، این بود که چنانچه بانک مرکزی یا صرافی‌ها درصدد برآیند تا ارز مورد نیاز مردم را تامین

اتفاقی که در دهه ۸۰ رخ داد و بابت آن باید ابراز تاسف کرد، این بود که وقتی مردم به سراغ سپرده‌های ارزی خود در بانک‌ها رفتند به آنها گفته شد، می‌توانند معادل ریالی سپرده خود را با نرخ تعیین شده، برداشت کنند. این کار برخلاف همه اصول عقلایی و مبانی شرعی است



درباره اقتصاد
کشور باید
شاهد روند
ثبات امور
باشیم، با این
ثبات روان
مردم آرامش
خواهد داشت
و وضعیت
اقتصادی
بهبود پیدا می
کند و مردم
بدون ضرورت
چیزی را ذخیره
نمی کنند و نگه
نمی دارند

کنند، براساس گذرنامه مقداری مشخص را در نظر بگیرند و این مقدار هم در اختیار آنها نباشد و به حساب بانکی شان واریز شود و جا به جایی از حساب بانکی به حساب بانکی دیگر صورت گیرد. در این حالت وقتی کسی قصد سفر به خارج از کشور را دارد، پشت گیت خروج مرزها و فرودگاه و امثالهم، آن را دریافت می کند. در این وضعیت انتقال ارز به شکل دست به دست، قاچاق به حساب خواهد آمد و ممنوع است. توسعه این کار سبب خواهد شد بازار غیرمنطقی ارز جمع آوری شود.

نکته دیگر، مساله سرمایه گذاری ارزی است. اتفاقی که در دهه ۸۰ رخ داد و بابت آن باید ابراز تاسف کرد، این بود که وقتی مردم به سراغ سپرده های ارزی خود در بانک ها رفتند به آنها گفته شد، می توانند معادل ریالی سپرده خود را با نرخ تعیین شده، برداشت کنند. این کار برخلاف همه اصول عقلایی و مبانی شرعی است. کسی که ارز خود را در بانک سپرده گذاری کرده باید عین سپرده به او هنگام مطالبه تحویل داده شود، غیر از این خلاف امانت رفتار شده و امانت داری از بین رفته است. خداوند هم تاکید دارد که «آن الله یا مرکم آن تؤدوا الامانات الی اهلها»؛ امانت را به اهلش بسپارید. به یاد دارم در همان زمان به رئیس وقت بانک مرکزی گفتم که این سبب اعتمادسوزی خواهد شد و مردم از خود و به عبارتی سرمایه ملی کشور را پنهان می کنند؛ اما توجهی نشد.

در حال حاضر از میزان ارز و طلا تحت اختیار مردم اطلاعی ندارم، اما سوال مهم این است که نگهداری ارز و طلا در خانه ناشی از چیست؟ بدون شک ناشی از این است که مردم می خواهند منابع ریالی خود را تبدیل به ارز کنند تا قدرت خریدشان حفظ شود. این کار به خودی خود ایرادی ندارد، اما لازم است تا برای مردم این امکان فراهم آید تا ارز خود را به بانک بسپارند و سود آن را دریافت کنند. در صورت عملیاتی شدن این کار سرمایه بزرگی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. امروز سرمایه گذاری خارجی بسیار مطرح است، در حالی که سرمایه در دست مردم قرار دارد، چرا از آن استفاده نکنیم؟ خصوصا گرایان کار در مورد سرمایه گذاری ها با بازده بالا باشد که در زمینه پتروشیمی و پالایشی ها واقعا این بازده بالا را شاهد هستیم و گاهی در مدت یک سال و نیم، دو سال سرمایه کامل به دست می آید. در چنین شرایطی باید پروژه های پیشران را راه بندازیم و به مردم هم بگوییم سرمایه های ارزی تان را برای

مشارکت همراه با دریافت سود در این پروژه دخالت دهید، در صورت روی دادن این اتفاق بعید نیست، ارزی هایی که به خارج از کشور رفته، مجددا به کشور بازگردد.

در مورد سیاست تثبیت اقتصادی برخی فکر می کند قرار است نرخ ها ثابت نگه داشته شود. در این مورد دیدگاه تان چيست؟

بانک مرکزی چندین ماه است که طرح تثبیت اقتصادی و به تبع آن تثبیت ارزی را اجرا کرده که پیامدهای آن را در بازار شاهد هستید.

کنترل مدیریت بازار ارز چقدر تحقق ثبات اقتصادی را عینیت می بخشد؟

بسیار تاثیرگذار است، چون بخش مهمی از کالاهای ما وارداتی است و آن کالاهای وارداتی طبعاً تحت تاثیر نرخ ارز است، بخشی هم که وارداتی نیست، از نظر روانشناسی اجتماعی باز تحت تاثیر نرخ ارز قرار می گیرد. چرا؟ زیرا عرضه کنندگان کالاهایی که وارداتی نیست، غالباً با تغییرات قیمتی وقتی مورد سوال و اعتراض قرار می گیرند، بالا رفتن نرخ ارز را بهانه می کنند. معنای این اتفاق ارسال سیگنال ارز نسبت به بالا رفتن قیمت های حتی کالاهایی که ربطی به آن ندارد، است.

بانک مرکزی پیوست های دیگری هم غیر از کنترل نرخ ارز پیش بینی کرده و می خواهد کنترل نقدینگی را در ثبات بخشی به اقتصاد دنبال کند. درباره برنامه کنترل نقدینگی نظرتان را بگویید؟

ابتدا باید این نکته را مورد اشاره قرار داد که کنترل نقدینگی منوط به این است که دولت کسری بودجه نداشته باشد و بر اثر کسری بودجه به بانک مرکزی فشار وارد نشود که نقدینگی بیشتری به دولت برای تأمین بودجه بدهد. جهت دستیابی به این قسمت باید چند مسئله مدنظر قرار گیرد. اولین آن این است که در زمان بررسی لایحه بودجه، درآمدها واقعی باشد و هزینه ها متناسب با آن پیش بینی شود، نباید هزینه اضافی برای دولت ایجاد کرد. علاوه بر این، سازمان برنامه در هنگام تخصیص بودجه منابع واقعی در اختیار را مورد توجه قرار دهد.





خیلی مواقع بر فرض برای موردی ۱۰۰ درصد بودجه تصویب می شود، اما ۸۰ یا ۷۰ درصد تخصیص می یابد. نگاه واقع بینانه نسبت به لایحه بودجه کمک می کند کسری بودجه و فشار بر بانک مرکزی برای نقدینگی خواهی کاهش یابد.

علاوه بر این مساله رفع ناترازی در نظام بانکی و بانکها باید مورد توجه قرار گیرد. با خبرهستم، ظاهرا چهار بانک کشور ناترازی جدی دارند که باید سریعتر تعیین تکلیف شوند. اگر قرار است اصلاحاتی صورت گیرد، این کار به سرعت انجام شود و چنانچه بناست تعطیل یا ادغامی شود، زودتر آن را عملیاتی سازند و لازم است به گونه‌ای دست به این اقدامات بزنند که هیچانی در جامعه به وجود نیاید و مردم احساس پریشانی و ناراحتی نکنند. تعطیلی بانکها در دنیا متعارف است و در صورت انجام آن مساله‌ای پیش نمی آید، معمولا احواله به بانکهای دیگری که حسابهای آنها را می پذیرند و پاسخگوی مشتریان هستند، صورت می گیرد. باید این ناترازی که در سیستم بانکی است، به کلی برطرف شود، چنانچه این اتفاق روی دهد، کسری بودجه ما از بین می رود و فشار برای نقدینگی خواهی کاهش پیدا می کند. یکی از عواملی که بر رشد نقدینگی تاثیرگذار است، فشار بنگاهها است. بنگاهها در شرایط تورمی نیاز به نقدینگی شان افزایش پیدا می کند،

برهمن اساس درخواست بیشتری از بانکها دارند، بانکها هم به بانک مرکزی برای برداشت از ذخایر فشار می آورند. این یکی از آن مواردی است که نیازمند کمک سازمان امور مالیاتی است تا با وضع مالیات بر عایدی سرمایه، بخشی از منابعی که به قلمرو دولتی و واسطه‌گری می رود و از تولید دور می شود را مدیریت کند و کسری که بخش تولید دارد، از این طریق جبران شود. آخرین خبری که درباره رشد اقتصادی داده شد، رشد چهار درصدی ۱۴۰۱ بود. این رشد قابل قبول است، ولی باید رشد بالاتری را تجربه کنیم. رشد نیازمند آن است تا نقدینگی بیشتری جذب و به سمت تولید هدایت شود، ولی باید در نظر داشت که نباید بین رشد اقتصادی و رشد نقدینگی شکاف عمیقی به وجود آید.

برنامه گسترش فعالیت های مرکز مبادله ارز و طلا پیش بینی شده است. به نظر شما چقدر تقویت این مرکز دارای کارکرد مدیریت ارزی است؟ آیا آرامش اخیر ارزی، به دلیل کارکرد درست این مرکز نیست؟

من همین اعتقاد را دارم. هدف از راه‌اندازی این کار توسط آقای دکتر فرزین هم همین بود. اکنون تمام ارزی که در بازار می خواهد عرضه شود، غیر از ارزش ناشی از درآمد نفت به این بازار



دولت باید
اقداماتی
انجام دهد تا
انتظارات تورمی
مهار و کاهش
پیدا کند. یکی
از راه های
این انتظارات
تورمی، انجام
اقداماتی
اعتماد
برانگیز است



قیمت‌ها را دارد و خودش را برای افزایش قیمت‌ها آماده کرده است، به همین دلیل خریدهایشان را جلو و فروش‌هایشان را به تاخیر انداخته است. این رفتار حکایت از این دارد که انتظارات تورمی در جامعه بالا است. دولت باید اقداماتی انجام دهد تا انتظارات تورمی مهار و کاهش پیدا کند. یکی از راه‌های این انتظارات تورمی، انجام اقداماتی اعتماد برانگیز است. پیش‌بینی می‌کنم کالابرهاهایی که جدیداً شروع و منتشر شده، گسترش پیدا کند، که یکی از عوامل اعتماد برانگیز خواهد بود، به این شکل که مردم می‌توانند با قیمت‌های پیش‌بینی شده‌ای از کالابرها استفاده کنند و از این طریق مواد اولیه خوراک و زندگی‌شان را تأمین کنند. این کار مقداری آرامش در جامعه به وجود می‌آورد، یعنی مسئله‌ای که به آن نیازمند هستیم. رئیس‌جمهور و وزرای اقتصادی باید توضیح دهند و مردم را نسبت به آینده نزدیک امیدوار سازند. در این میان، سفرهای رئیس‌جمهور خیلی مؤثر است، رفت‌وآمدهای خارجی بسیار تأثیرگذار هستند و اثر خود را تا امروز گذاشته و نسبت به گذشته، حالت نگرانی و اضطراب تا حدودی کاهش پیدا کرده است. فردی آمد و به من گفت شرایط آرامش قبل از طوفان است. گفتم اصلاً این چنین نیست، این آرامش حکایت از امید می‌کند؛ بنابراین باید کاری انجام داد که این امید تقویت شود و در صورت روی دادن این اتفاق، انتظارات تورمی فروکش خواهد کرد.

وارد می‌شود و تمام تقاضاها هم از همین طریق اتفاق می‌افتد. این روش خوبی برای مدیریت ارز در جامعه است و باید ضعف‌های آن را برطرف ساخت و اگر تقاضاهایی وجود دارد باید پاسخ داده شود و فهرست ارز دهنده‌ها تکمیل شود تا هیچ تقاضای واقعی و اقتصادی‌ای خارج از این بازار صورت نگیرد. چنانچه این اتفاق روی داد؛ بازار به آرامش خواهد رسید.

اجرای کامل سیاست تثبیت، کنترل نقدینگی و رگولیشن بازارها تا چه میزان پتانسیل کاهش نرخ تورم را خواهد داشت؟

تمام موارد اشاره شده در این امر بسیار تأثیرگذار است. با توجه به اطلاعاتی که دارم، عامل رشد نقدینگی به صورت نسبی مهار شده است؛ البته به این معنا نیست که رشد نقدینگی نداریم، رشد بالای ۲۰ درصد هنوز وجود دارد، ولی نسبت به گذشته مهار شده است. ما رشد نقدینگی ۴۰ درصد داشتیم و اکنون نسبت به آن دوره خیلی کمتر شده است. عامل دیگر، نرخ ارز است، نرخ ارز تثبیت شده و یکی از موانع رشد هم همین موضوع است. ولی بالای ۴۰ درصد هنوز وجود دارد. این تورم بالای ۴۰ درصد ناشی از چیست؟ دو تا عامل وجود دارد. فاکتور بسیار تأثیرگذار آن، بحث روانی جامعه و انتظارات تورمی است. در مواقعی عنوان می‌شود که افکار عمومی جامعه انتظار افزایش



بانک مرکزی فرمانده واحد در جنگ ارزی شود



دکتر یحیی لطفی نیا /

استاد دانشگاه مفید

درباره سیاست تثبیت این سؤال به ذهن می‌رسد که کشوری با ویژگی‌های ایران، آیا امکان پیاده‌سازی سیاست تثبیت را دارد؟

عرضه ارز را در این شرایط باید به بازاری آشفته شبیه کرد که در نتیجه آن یک روز ارز با قیمت ۴۵، یک روز ۶۰ و روز بعد ۳۰ هزار تومان ارائه می‌شود و هیچ فعال اقتصادی، مصرف‌کننده و یا تولیدکننده نسبت به آینده نمی‌تواند برنامه‌ریزی درستی داشته باشد. بی‌ثباتی در نرخ ارز تکثیر ناطمینانی، کاهش سرمایه‌گذاری، خروج سرمایه، کاهش امید اجتماعی و سرمایه‌گذاری داخلی را در پی دارد. چنانچه آگاه باشیم که نرخ ارز برای سه سال با یک رقم ثابت باقی می‌ماند، همه چیز طبق روال پیش می‌رود و در این میان پنج درصد بالا و پایین هم فرقی نمی‌کند. سیاست‌گذار بر این نکته آگاهی دارد که در وضعیت بازار بی‌ثبات، تعادل پایدار شکل نمی‌گیرد، بنابراین چه کاری باید انجام دهد و چاره‌کار چیست؟ سیاست‌گذار سیستم تثبیت را باید از طریق قدرت حاکمیتی دنبال کند؛ هر ارز تولیدی را شناسایی، رصد و وارد چرخه سازد و به مصرف‌کننده واقعی تخصیص دهد. به عبارتی؛ بانک مرکزی در این بخش باید به عنوان فرمانده واحد این سیستم ارزی ورود پیدا کند. البته این کار به معنای مداخله از لحاظ مقداری نیست، مداخله کنترلی خواهد بود و نرخ تثبیت با قدرت حاکمیت مدیریت خواهد شد. در غیر این صورت سیاست تثبیت اجرایی نمی‌شود و در نتیجه آن منابع هدر می‌رود و سیاست‌گذار اعتبار خود را از دست می‌دهد. برخی اعتقاد دارند که بازار تثبیت با رانت و فساد همراه می‌شود، در پاسخ به این عده باید به این نکته اشاره کرد که برای جلوگیری از رانت ابزارهای کارآمدی وجود دارد که می‌توان

آنها را مورد استفاده قرار داد. مرکز مبادله ارز و طلا یکی از همین ابزارها است که تحت کنترل و مدیریت بانک مرکزی است. نیاز است تا بانک مرکزی با شناخت کامل فعالان در این بازار در صورت انجام تخلف به آنان تذکر دهد و در صورت نیاز جریمه کند؛ زیرا در صورتی که فعالان اقتصادی به این اعتماد و اعتبار دست یابند که بانک مرکزی مقتدر شده و سیاستش مورد تأیید است و قرار نیست فرد فردی تحت هر عنوان آن را تضعیف سازد، قطعاً به این نرخ تن خواهند داد. بنابراین مهم‌ترین تأثیر مدیریت بازار غیررسمی ارز توسط دولت، کاهش فعالیت سفته‌بازی و به قول معروف معاملات فردایی است که در کنار آن افت ریسک فعالیت اقتصادی را هم به دنبال خواهد داشت. برای نمونه برخی از صادرکننده‌ها ارز خود را در اختیار صرافی‌ها قرار داده‌اند و آنها هم این ارز را وارد بازار غیررسمی کرده‌اند که قاعدتاً بر نرخ ارز مؤثر بوده است. با دخالت بانک مرکزی در بازار قطعاً شاهد انجام چنین کارهایی نخواهیم بود. سیاست‌گذار برای کسب بهترین نتیجه از تلاش‌های خود برای تثبیت بازار باید بازار غیررسمی را بشناسد، جایی که لازم است، مقابله یا برخورد کند و تعزیراتی و انتظامی پیش برود و در کنار این کار در صورت نیاز در سریع‌ترین زمان ممکن به نیازهای رسمی پاسخ دهد تا فرصت‌طلبان به عنوان بازیگر وارد بازار غیررسمی نشوند. سیاست‌گذار به طور کلی باید بستر بازی را طوری بچیند که امکان فعالیت‌های مخل سیاست‌ها و بسترهای رسمی فراهم نشود و این‌گونه کوچک‌سازی بازار غیررسمی به نتیجه برسد و برای دستیابی به این مهم نباید فراموش شود که سیاست‌گذاری در یک دالان تاریک جواب نمی‌دهد، باید برای این کاریک اتاق شیشه‌ای شفاف انتخاب شود تا همه چیز در آن قابل روبرت باشد.

چنانچه آگاه
باشیم که نرخ
ارز برای سه
سال با یک
رقم ثابت باقی
می‌ماند، همه
چیز طبق روال
پیش می‌رود
و در این میان
پنج درصد بالا
و پایین هم
فرقی نمی‌کند.
سیاست‌گذار
بر این نکته
آگاهی دارد که
در وضعیت بازار
بی‌ثبات، تعادل
پایدار شکل
نمی‌گیرد

۲۵



IRTE · IR

اقتصادنا

شماره اول - تیر ۱۴۰۲

بافروش کردن انتظارات قیمت ارز سقوط خواهد کرد



● اجرای سیاست های عقلایی
در بانک مرکزی، کنترل حجم
نقدینگی، افزایش روابط بین
بانکی، کنترل پایه پولی و توسعه
روابط خارجی تاکنون توانسته
هیجانی که در رابطه با نرخ ارز و نرخ
تورم وجود داشت را کنترل کند

«نرخ تورم بالاست و نوسانات بیش از حد معمول است، فعالان اقتصادی و مردم به سیاست های اعلامی توجه کمی دارند. القای دلهره و ترس از آینده به روال عادی تبدیل شده و عملکرد شاخص ها هم به بی اعتمادی دامن زده است. در نتیجه تثبیت اقتصادی و سپس اجرای سیاست اصلاحی ضروری است.» این جمله ها، سخنان محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در سی امین همایش سیاست های پولی و ارزی است. تکیه رئیس کل بر نقش بی اعتمادی در افزایش انتظارات تورمی و نوسانات بازارها نشان از رویکرد جدی بانک مرکزی بر اعتمادسازی در سیاست های اقتصادی دارد. رویکردی که قرار است از مسیر سیاست تثبیت اقتصادی به هدف برسد. برای بررسی بیشتر این موضوع هفته نامه تازه های اقتصاد با یحیی آل اسحاق، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق گفتگویی را ترتیب داده که در ادامه می خوانید.

۲۶



IRTE.IR

اقتصاد

● شماره اول - تیر ۱۴۰۲ ●

تاکنون
وعده‌های دکتر
فرزین، رئیس
کل بانک مرکزی
محقق شده و
توانسته ثبات
نسبی راه بازار
ارز برگرداند

تورم دارد؟

اینکه رئیس بانک مرکزی بر اساس همه داشته‌ها و تحقیقاتی که انجام شده درباره پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد صحبت می‌کند، با توجه به جایگاه ریاست بانک مرکزی باید به آن اعتماد کرد و شواهد نشان می‌دهد که تاکنون وعده‌های دکتر فرزین، رئیس کل بانک مرکزی محقق شده و توانسته ثبات نسبی راه بازار ارز برگرداند. ذکر این نکته لازم است که سیاست تثبیت مورد نظر آقای فرزین اینگونه نیست که نرخ ارز را در یک عدد ثابتی تثبیت کند، بلکه قرار است بانک مرکزی از طریق فراهم ساختن زیرساخت‌ها و البته با دخالت در بازار در صورت لزوم نوسان نرخ ارز را در یک بازه معینی مدیریت کند.

این سیاست به نظر سیاست درستی است و با توجه به سیاست‌هایی که اعمال شده، بهبود شرایط اقتصادی و افزایش روابط با کشورهای مختلف، امکان اینکه نرخ ارز را در یک بازه معین کنترل کنند، وجود دارد؛ همانطور که اخیراً مشاهده کردیم که برخلاف پیش‌بینی‌ها که می‌گفتند نرخ ارز به ۷۰ هزار تومان می‌رسد، اما در یک بازه معینی کنترل شده و در ماه‌های اخیر نوسان اندکی داشته است.

اجرای سیاست‌های عقلایی در بانک مرکزی، کنترل حجم نقدینگی، افزایش روابط بین بانکی، کنترل پایه پولی و توسعه روابط خارجی تاکنون توانسته هیجانی که در رابطه با نرخ ارز و نرخ تورم وجود داشت را کنترل کند و به همین اندازه نیز در جامعه ایجاد امید کرده است.

نکته مهم این است که بین سیاست‌ها وحدت نظر وجود داشته باشد و این گونه نباشد که بانک مرکزی یک چیز بگوید، وزارت اقتصاد حرف خود را بزند و سایر وزارتخانه‌ها نیز به صورت جزیره‌ای کار کنند، چرا که عدم هماهنگی اعتماد را در جامعه از بین می‌برد.

آمار افزایش رشد سرمایه‌گذاری، افزایش رشد اقتصادی و کنترل تورم در کانال ۳۰ درصد نشان دهنده این است که اقدامات در صورتی که با هماهنگی همه جانبه انجام شود و بتوان اعتماد را در جامعه ایجاد کرد، اثرگذار است و با ادامه این روند شاهد کاهش بیشتر نرخ تورم و نرخ ارز نیز خواهیم بود.

انتظارات تورمی چه مشکلاتی را پیش روی اقتصاد ایران قرار داده است؟

مدت‌هاست که کشور دچار موضوعی به نام انتظارات تورمی است که آثار خود را حوزه‌های مختلف از جمله نرخ ارز، قیمت کالاها و نوسانات بازارها نشان داده است. دشمنان، مخالفین و ذینفعان از این فضا سوءاستفاده می‌کنند و بعضاً به صورت سازماندهی شده و برنامه‌ریزی شده وارد صحنه می‌شوند و از طریق پخش شایعه در رسانه‌ها و فضای مجازی از این انتظارات برای هدف خود در راستای برهم زدن اوضاع اقتصادی بهره می‌گیرند.

راهکار کاهش این انتظارات چیست؟

در اصل اینکه موضوع انتظارات تورمی تأثیر بسیار زیادی دارد، شکی نیست اما همین انتظارات اگر با طرح و برنامه و بیان واقعیت‌ها به نحوی مدیریت شود که این فضا را واقعی کند، بخشی از این مشکلات حل خواهد شد؛ همانطور که مثلاً اخیراً اعلام خبر آزادسازی ۲۰۷ میلیارد دلار منابع از عراق توانست بر بازار ارز تأثیر بگذارد و نرخ‌ها را کاهش دهد.

همچنین سیاست‌های اقتصادی که بانک مرکزی در دستور کار قرار داده و یا دیپلماسی اقتصادی که دولت در حال حاضر پیگیری می‌کند به آن نسبتی که مردم به این سیاست‌ها اعتماد کنند، می‌تواند فضا را آرام کند.

انتظارات تورمی قطعاً اثر دارد و راه حل مقابله با آن ایجاد اعتماد در امور اقتصادی بین حاکمیت و مردم است که بیان و عمل مسئولان باید یکسان باشد. هر اندازه بتوانیم بین مسئولین اقتصادی و فعالان اقتصادی ایجاد اعتماد کنیم امکان کنترل فضای انتظارات تورمی افزایش می‌یابد و اگر نتوانیم این فضا را کنترل کنیم سوءاستفاده کنندگان با ابزارها و شبکه‌هایی که در اختیار دارند، فضا را آن طور که می‌خواهند مدیریت می‌کنند و در آتش انتظارات می‌دمند که دود آن به چشم مردم می‌رود.

پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد چه تأثیری بر کاهش انتظارات و در نتیجه کنترل





دکتر زهرا کریمی اقتصاددان و عضو هیات علمی
دانشگاه مازندران در گفت و گو با تازه های اقتصاد

انتخاب سیاست «تثبیت اقتصادی» اقدام درستی است

● ساختار نهادی ایران ویژگی های خاصی دارد که
این کشور را از دیگر کشورها متفاوت می کند

۲۸



IRTE.IR

اقتصاد

● شماره اول - تیر ۱۴۰۲ ●

برای اصلاح ساختارهای معیوب اقتصادی ایران؛ پیگیری کدام سیاست اقتصادی مقدم تر است؟ این سوالی است که اگر پاسخ درستی برای آن ارائه شود می تواند سرآغاز بسیاری از تحولات اساسی در اقتصاد ایران باشد و در مقابل هرگونه کج فهمی و پاسخ اشتباه به آن می تواند اقتصاد ایران را به یک چرخه معیوب ضد توسعه و ضد رشد فروافکند. از این رو در مواجهه با مشکلات و چالش های اقتصادی ایران لازم است برای انتخاب یک بسته سیاستی بهره ور و مناسب در وهله اول توصیف درستی از ساختار نهادی و عملکرد گذشته اقتصاد ایران ارائه شود.

در این راستا باید توجه داشت که هرچند چارچوب های نهادی حاکم بر اقتصاد ایران، عموماً نسخه برداری از نهادهای مهم اقتصادهای توسعه یافته دنیا است و نقاط مشترک بسیار زیادی در نظم حاکم بر اقتصاد ایران با نظم های حاکم بر اقتصادهای صنعتی دیده می شود؛ اما ساختار نهادی ایران ویژگی های خاصی دارد که این کشور را از دیگر کشورها متفاوت می کند. شاید به دلیل همین تفاوت ها است که جانمایی اقتصاد ایران در یک تقسیم بندی منطقه ای یا پیدا کردن یک برش از کشورهای جهان که از طریق تجربیات آنها بتوان نسخه شفاف بخشی برای اقتصاد ایران پیچید دشوار است. اگر بخواهیم شمایل اقتصاد ایران را توصیف کنیم باید گفت که در اینجا با یک اقتصاد متکی به صادرات نفت خام روبه رو هستیم که نقش مدیریت دولتی در اداره آن همچنان پررنگ است.

در عین حال در دهه های گذشته صنایع گسترده ای در کشور ایجاد شده؛ و بخش خصوصی علی رغم وجود چالش های فراوان همچنان در حال فعالیت است. ایران در شرایطی که با استثنایی ترین وضعیت تحریمی در جهان دست به گریبان بوده؛ فلج نشده و علی رغم هشدار چندین باره متخصصان اقتصادی در مورد بروز قریب الوقوع ابرتورم در ایران، خوشبختانه این پدیده بروز نکرده است. هرچند اقتصاد ایران طی ۵۰ سال گذشته به طور مداوم درگیر تورم بالا بوده که در نوع خود بی نظیر است. شرایط ویژه ایران باعث شده که از طرفی ورود دلارهای نفتی تراز تجاری ایران را مثبت نگاه دارد؛ هر چند در سال های اخیر وزن صادرات غیر نفتی نیز در تجارت و اقتصاد کشور قابل توجه بوده است.

تولید صنعتی گسترده و متنوع ایران، به واردات مواد اولیه واسطه ای و سرمایه ای، از کشورهای توسعه یافته وابسته است. به علاوه، قرار گرفتن ایران در یک منطقه خشک و کم آب نیز باعث شده تا واردات کالاهای اساسی از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد. از سوی دیگر تولیدات صنعتی ایران در کشورهای همسایه، به ویژه در افغانستان، پاکستان و عراق، بازارهای بسیار خوبی دارد. در نهایت تقاضا برای صادرات ایران، حتی در بدترین شرایط تحریمی نیز حفظ شده است.

از نگاهی دیگر، اقتصاد ایران با مشکل نرخ بالای رشد نقدینگی و کسری بودجه دولت رو به روست. اما نقدینگی خلق شده در اقتصاد، عموماً گرایش به حرکت به سوی بخش تولیدی نشان نمی دهد؛ و طی سال های گذشته شاهد بوده ایم که علی رغم ثبت نرخ های بالای رشد

تولیدات صنعتی ایران در کشورهای همسایه، به ویژه در افغانستان، پاکستان و عراق، بازارهای بسیار خوبی دارد. در نهایت تقاضا برای صادرات ایران، حتی در بدترین شرایط تحریمی نیز حفظ شده است



انضباط در بودجه دولت و حرکت به سمت ایجاد توازن میان هزینه‌ها و درآمد دولت از موارد بسیار مهمی است که در موفقیت سیاست‌های تثبیت، تعیین کننده است



نقدینگی در کشور، بنگاه های اقتصادی به شدت در تأمین سرمایه درگرددش خود با مشکل روبرو بوده اند. به این ترتیب بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شرایط کنونی رویکرد اعمال سیاست‌های مقررات زدایی و آزادسازی بازارها، وضعیت اقتصادی ایران را وخیم تر خواهد نمود. در چنین شرایطی بانک مرکزی ایران سیاست «تثبیت اقتصادی» را به عنوان یک بسته سیاستی راهگشا برای حل چالش‌های موجود برگزیده است.

اما سیاست «تثبیت اقتصادی» چیست و پیگیری آن تاجه میزان می‌تواند به رفع چالش‌های اصلی اقتصاد ایران کمک کند؟

برای یافتن پاسخ این سوال با دکتر زهرا کریمی موغاری، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران به گفت‌وگو نشستیم که شرح آن از نظری می‌گذرد.

لطفا در مورد اصطلاح سیاست تثبیت به صورت خلاصه توضیح دهید و بفرمایید که این سیاست تاجه میزان در جهان شناخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

سیاست تثبیت اقتصادی به عنوان یکی از سیاست‌های مرسوم و مورد قبول در ادبیات رایج اقتصاد جهان شناخته می‌شود و یکی از رویکردهای مهمی است که از دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مورد تأکید قرار گرفته است. این سیاست در شرایطی مشخص از طرف کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد و اجرای درست آن می‌تواند آثار مثبتی برای اقتصاد ایران داشته باشد. در چارچوب سیاستهای تثبیت اقتصادی، سیاست گذار باید مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی، مالی و تجاری را در هماهنگی با یکدیگر به اجرا در آورد که دامنه آن از دخالت دولت در بازارها بکاهد و در جهت رفع ناترازی‌ها در بودجه و به تبع آن مهار رشد پایه پولی، نقدینگی و تورم کام بردارد. این سیاست معمولاً در شرایطی اعمال می‌شود که در بازارها ناترازی‌های مزمینی در بودجه، بازار ارز، بازار پول و ... بروز کرده باشد. از این رو می‌توان انتخاب سیاست تثبیت اقتصادی از طرف بانک مرکزی را مثبت ارزیابی کرد. زیرا پیگیری این بسته سیاستی می‌تواند در نهایت شرایط را برای کنترل تورم و رشد اقتصادی فراهم کند. هرچند که باید توجه داشت بانک

مرکزی به تنهایی نمی‌تواند تحقق اهداف تعیین شده را تضمین کند.

باتوجه به شرایط موجود به نظر شما در بین سیاست‌های ارزی متداول امکان گذار به سیاست‌های نرخ ارز شناور یا رهاسازی بازارها وجود دارد؟ و آیا این امکان وجود دارد که تنها با کنترل بازار ارز چالش‌های اقتصاد ایران مرتفع شود؟

واقعیت این است که در شرایط کنونی تنها اتخاذ سیاست‌های ارزی نمی‌تواند گرهی از مشکلات بنیادی اقتصاد ایران باز کند و مشخصاً نمی‌توان انتظار داشت که اعمال سیاست پولی انقباضی، تحولی در اقتصاد کشور ایجاد شود. در شرایط کنونی انتخاب هریک از نظام‌های ارزی مختلف با چالش‌هایی رو به رو خواهد بود. به عنوان مثال انتخاب سیاست میخکوب کردن نرخ ارز از طرف بانک مرکزی نیازمند آن است که منابع ارزی کافی وجود داشته باشد و به سهولت در دسترس خریدارانی قرار گیرد که حاضرند نرخ تعیین شده را بپردازند.

از طرفی انتخاب سیاست نرخ ارز شناور یا رهاسازی کامل بازارها نیز در شرایطی که کشور در یک جنگ تمام عیار اقتصادی قرار گرفته و بازارها از طرف عوامل بیرونی با ناطمینانی رو به رو است، ممکن نخواهد بود. در وضعیت کنونی، رهاسازی بازار ارز می‌تواند به جهش‌های پی در پی قیمت‌ها منجر شود که به نوبه خود بر انتظارات تورمی و تورم واقعی اثرگذار خواهد بود. بنابراین رهاسازی بازار ارز امکان پذیر نیست و شرایط برای اعمال سیاست میخکوب کردن نرخ ارز نیز مهیا نیست. اعمال سیاست نرخ ارز شناور مدیریت شده که در عین کاهش نوسانات نرخ ارز تا حدودی منعطف عمل می‌کند، انتخاب مناسب‌تری خواهد بود. در این شرایط لازم است تا در مواجهه با بازار ارز سیاست‌هایی برای مدیریت نوسانات در پیش گرفته شود تا در قدم اول از بروز شوک‌های ناشی از جهش نرخ ارز به اقتصاد کشور جلوگیری شود. اما باید توجه داشت که تلاش برای جلوگیری از نوسانات شدید در بازار ارز تنها یک بخش از کار است و باید به طور هم‌زمان در راستای خاموشی و یا کُند شدن حرکت دیگر موتورهای رشد تورم در ایران عمل کرد. در واقع حرکت در جهت حل مشکلات بنیادی اقتصاد ایران و موفقیت چنین حرکتی در گرو همکاری و همراهی تمامی نهادها

و بخش های جریان ساز در ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصاد ایران خواهد بود.

به نظر شما در ساختار اقتصادی ایران نوسانات نرخ ارز بر بروز یا تشدید تورم اثرگذار است؟ جهت علیت بین تورم و تغییرات نرخ ارز چگونه است؟

باید توجه داشت که ارتباط یا همبستگی نرخ ارز و تورم با ضریب اطمینان بسیار بالایی مورد تایید قرار گرفته است و در رابطه این دو متغیر با یکدیگر بین اقتصاددانان اجماع نظر وجود دارد. همانطور که مطالعات و پژوهش ها طی سال های مختلف نشان می دهند، جهت علیت بین تورم و نرخ ارز در مواقع و شرایط مختلف تغییر می کند و در واقع جهت علیت دوطرفه است. آنچه که می توان با قطعیت بیان داشت این است که افزایش نرخ ارز به نوبه خود بر افزایش تورم و انتظارات تورمی اثر می گذارد؛ اما موضوع مهمی که باید در این خصوص به آن توجه داشت این است که اثر تغییرات نرخ ارز بر تورم از بستر رشد نقدینگی امکان بروز پیدا می کند و لازم است تا سیاست گذار پولی برنامه های عملی برای کنترل جدی رشد نقدینگی و افزایش پایه پول اعمال نماید. در واقع اگر سیاست های تثبیت در بخش پولی مورد تاکید قرار گیرد، تثبیت نرخ ارز در کنار کنترل حجم نقدینگی و کاهش نااطمینانی در اقتصاد امکان پذیر خواهد بود. سیاست گذار پولی باید اطمینان حاصل کند که به طور همزمان اقداماتی برای کاهش نااطمینانی در اقتصاد و کاهش هزینه مبادله در بخش های تجاری ایران پیگیری شود. انضباط در بودجه دولت و حرکت به سمت ایجاد توازن میان هزینه ها و درآمد دولت از موارد بسیار مهمی است که در موفقیت سیاست های تثبیت، تعیین کننده است.

در این بین نقش انتظارات تورمی را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا سیاست های تثبیت تنها از طریق اقدامات فنی در بازارها پیگیری می شود؟

این موضوع که انتظارات تورمی در شکل گیری و افزایش نرخ تورم تاثیرگذار است، از طرف عموم اقتصاددانان و اندیشمندان اقتصادی تایید می شود و از این رو لازم است سیاست گذار در جهت کنترل انتظارات تورمی مردم اقدام کند؛ اقتصاد

را برای فعالین اقتصادی پیش بینی پذیر نماید و اعتماد عمومی نسبت به قدرت تنظیم گری دولت در مهار تورم را افزایش دهد. این موارد نیز در چارچوب سیاست های تثبیت اقتصادی قابل تعریف است و پیگیری آنها از طرف سیاست گذار پولی عملی مثبت ارزیابی می شود. در واقع پیگیری سیاست های تقویت کننده خوشبینی در اقتصاد ایران می تواند انگیزه خروج پول از چرخه اقتصادی را از بین ببرد و تقاضای موجود در بازارهای ارز و طلا را کاهش دهد که این موضوع به نوبه خود یک چرخه ثبات و خوشبینی در پی خواهد داشت. باید توجه داشت که اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز، در راستای خروج از نظام چند نرخي قرار دارد. برای ایجاد چنین شرایطی لازم است که درآمدهای ارزی افزایش یابد و منابع کافی برای کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در دسترس باشد.

شما اتخاذ سیاست های کنترلی بانک مرکزی و ورود این نهاد به بازار ارز را چگونه ارزیابی می کنید؟

با تمامی این تفاسیر می توان گفت در شرایط کنونی کنترل نرخ ارز و ایجاد ثبات نسبی در بازارها باید از طریق دخالت دولت و بانک مرکزی دنبال شود و نیاز است در وهله اول رشد پایه پولی مهار شود تا ثبات نسبی به بازارها بازگردد تا در ادامه برای اصلاحات اقتصادی بنیادی تر اقدام کرد. این یک تصمیم سیاسی است. دولت برای کاهش کسر بودجه و کنترل رشد پایه پولی کدام هزینه ها را باید کاهش دهد و چگونه باید برای افزایش درآمدها اقدام کند. در شرایط کنونی ممکن نیست که بار سیاست های تثبیت اقتصادی صرفا به دوش مردم و بخش خصوصی تحمیل شود. انتخاب مجموعه ای سازگار و هماهنگ برای اعمال سیاست تثبیت اقتصادی به توافق جمعی در میان نهادهای تصمیم ساز کشور نیازمند است تا تمامی طیف های تاثیرگذار برای تحقق ثبات اقتصادی به صورت هم جهت عمل کنند. واضح است که موفقیت برنامه تثبیت اقتصادی (به معنای کاهش نرخ رشد پایه پولی و نقدینگی و ایجاد آرامش در بازار ارز در کنار کنترل سایر عوامل تورم زا) تنها به عملکرد بانک مرکزی و سیاست گذار پولی وابسته نیست و اصلاح رویه های اشتباهی که در گذشته اعمال شده است نیز نقش تعیین کننده ای در موفقیت یا عدم موفقیت این برنامه خواهد داشت.

در قدم اول نیاز است ثبات در بازار ارز حفظ شده و از بروز شوک های ارزی به اقتصاد جلوگیری کنیم تا شرایط برای اصلاح ساختارهای معیوب مهیا شود



تثبیت اقتصاد انتخاب نیست، ضرورت است

فاطمه محمدی /

پژوهشگر اقتصادی



بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شرایط فعلی اقتصاد ایران و اقدامات خسارت‌بار انجام شده در دولت‌های گذشته، امروز در شرایط انتخاب سیاست تثبیت اقتصادی قرار نداریم و با ضرورت مواجهه ایم که این مسئله میزان اهمیت سیاست‌های تثبیت اقتصادی بانک مرکزی را دوچندان می‌کند. نتیجه همگرایی تصمیمات و اقدامات در این راستا منجر به کنترل تورم، هدایت نقدینگی، جلوگیری از رشد حبابی نرخ ارز، پیش‌بینی پذیر شدن اقتصاد و در یک کلام آرامش و رشد اقتصادی خواهد بود.

تثبیت اقتصادی یا به عبارتی ثبات سیاست‌های کلان اقتصادی از برنامه‌های مهم اعلامی دولت و بانک مرکزی است که در اولویت اقدامات اقتصادی کشور قرار گرفته است، به نحوی که محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی در این زمینه می‌گوید که این بانک پیگیر سیاست‌های تثبیتی و کنترل نرخ رشد نقدینگی و تورم است و وعده بهبود شرایط اقتصادی در سال جاری را می‌دهد. این در حالی است که امسال توسط مقام معظم رهبری سال کنترل تورم و رشد تولید نام‌گذاری شده و لازمه آن، طراحی سیاست‌های مدون اقتصادی و اجرای نظریه‌ها و سیاست‌های مرتبط با آن است که بانک مرکزی برای این موضوع برنامه‌های جدی را پیش‌بینی کرده است. بازگشت ثبات به اقتصاد در شرایط فعلی از اهمیت بالایی برخوردار است و حال که دولت با ریل‌گذاری درست به دنبال بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی است، نیازمند حمایت و توجه همه جانبه است؛ البته آمارها روایتگر این موضوع است که ثبات اقتصادی آغاز شده است. نوسانات در هر اقتصادی وجود دارد؛ اما نکته مهم آن است که بتوان این نوسانات را محدود کرد و اقتصاد را در یک مسیر منطقی و معقول پیش برد. یکی از مهمترین عوامل تورم بی‌ثباتی نرخ ارز است. تجربه بسیاری از کشورها در ثبات اقتصادی از طریق مداخله در تثبیت نرخ ارز نشان می‌دهد که سیاست‌گذار با مداخله فعال در تثبیت نرخ ارز در جهت محدود کردن نوسانات باید به دنبال تثبیت اقتصادی باشد. بانک مرکزی از طریق فروش بخشی از ارز در اختیار خود، با مداخله

هوشمند در بازار در جهت کاهش نوسانات نرخ ارز عمل کرده و همچنین از افزایش قابل توجه پایه پولی جلوگیری می‌کند. با اجرای سیاست تثبیت طی چند ماه اخیر میزان تغییرات نرخ ارز در بازار غیررسمی در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۲ به شدت کاهش و برابر ۲۰۵ درصد شده است. همچنین میزان ضریب تغییرات نرخ ارز در بازار حواله نیما در ۳ ماهه ابتدایی سال جاری ۱۰۸ درصد بوده است. با توجه به این مسائل، سیاست تثبیت حائز اهمیت است چرا که ثبات در این نرخ‌ها باعث افزایش پیش‌بینی‌پذیری روندهای اقتصادی برای فعالان و سرمایه‌گذاران خواهد شد. این در حالی است که میزان ضریب تغییرات بالای نرخ ارز در دولت‌های قبلی همواره به عنوان یکی از عوامل پیش‌بینی‌ناپذیری اقتصاد ایران ذکر شده است. اخیراً نیز رئیس کل بانک مرکزی کشورمان در دیدار با رئیس صندوق بین‌المللی پول به تداوم اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی به رغم تحریم‌های آمریکا اشاره کرده است. همچنین قائم مقام بانک مرکزی نیز در این باره عنوان کرد که ارز از یک منظر یک متغیر لنگر و کلیدی برای متغیرهای کلان اقتصادی است. آرامش و ثبات در این بازار می‌تواند خیلی از مسائل بخش واقعی اقتصاد را هم حل کند و بستری برای رشد تولید فراهم آورد. با شناخت راهکارها می‌توان عوامل بی‌ثباتی را شناسایی کرد و تأثیر آن‌ها را به صفر رساند. با بررسی اقتصاد ایران متوجه می‌شویم که عوامل بی‌ثباتی در دو دسته عوامل قابل دسته‌بندی هستند؛ یک مورد عوامل ساختاری و محیط کلان اقتصاد کشور است و دسته دوم عواملی هستند که به حکمرانی‌های پولی، مالی، ارزی، تجاری و امثال آن برمی‌گردد. عوامل بی‌ثبات‌کننده در اقتصاد کشور قابل تحمل نیست و می‌تواند به تورم بیانجامد و تولید را کاهش و بیکاری را افزایش دهد. شمس‌الدین حسینی رییس کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی نیز در این زمینه عنوان کرد که سال‌های پرتلاطمی را در اقتصاد ایران و جهان پشت سر گذاشته‌ایم؛ البته اقتصاد ایران در کنار موارد جهانی با موضوع تحریم‌نیز روبه‌رو است و بر این اساس هرگونه تصمیمی باید بر اساس شرایط و تجربیات کشور اتخاذ شود. در شرایط کنونی تثبیت اقتصادی در کشور ضروری است و ناگزیر به حرکت به سمت تثبیت هستیم؛ البته در مسیر تثبیت باید به تجارب نیز توجه کرد. دامنه

در شرایط کنونی تثبیت اقتصادی در کشور ضروری است و ناگزیر به حرکت به سمت تثبیت هستیم؛ البته در مسیر تثبیت باید به تجارب نیز توجه کرد. دامنه نوسانات اقتصادی را باید کنترل کنیم و این یک هدف است و راهکار نیست

یک ضلع مهم
در اصلاح نظام
حکمرانی
اقتصادی
حرکت در مسیر
ایجاد بودجه
متوازن و پرهیز
از ایجاد بار مالی
فرابودجه‌ای
برای دولت
است



و تورم، تکلیف فعالان اقتصادی مشخص است و نگرانی‌ها از عدم ثبات اقتصادی و تورم که در دولت‌های قبلی وجود داشت، از بین رفته و با توجه به نیاز بالای اقتصاد کشور به رونق فعالیت‌های اقتصادی می‌توان آغاز دوباره آن را از فعالان اقتصادی انتظار داشت. از سویی، سیاست کنترل ترانزنامه بانک‌ها که بانک مرکزی در سال‌های اخیر آن را دنبال کرده است، باید در کنار اقدامات زیربنایی و اصلاحات اساسی برای ارتقای شاخص‌های سلامت بانکی قرار گیرد و به تنهایی واجد کارایی لازم برای رفع ناترازی نخواهد بود. برای تثبیت اقتصادی باید به موضوع عامل ریشه‌ای و بنیادی از جمله کسری بودجه هم توجه داشت. یک ضلع مهم در اصلاح نظام حکمرانی اقتصادی حرکت در مسیر ایجاد بودجه متوازن و پرهیز از ایجاد بار مالی فرابودجه‌ای برای دولت است.

ثبات اقتصادی کلید خورد

در بودجه سال جاری، در راستای تقویت انضباط مالی گام‌هایی برداشته شده که در صورت تحقق آن‌ها، می‌تواند تا حد زیادی در کنترل نرخ رشد نقدینگی موثر واقع شود. باید توجه داشت که گرچه ثبات اقتصادی با برنامه ریزی‌های اساسی بانک مرکزی کلید خورده است، اما همچنان ارائه راهکارهای تحقق ثبات پولی، ارتقای حکمرانی اقتصادی، شناسایی اصلاحات اساسی و غیره در دستور کار قرار دارد.

نوسانات اقتصادی را باید کنترل کنیم و این یک هدف است و راهکار نیست. سیاست‌های اقتصادی دولت توسط وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی با هدف تثبیت اقتصادی باید همگرا باشد. حکمرانی تثبیتی سیاست‌های بانکی اقتصاددانان نرخ‌های بالای رشد نقدینگی در کشور را از جمله عوامل مهم در ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی می‌دانند؛ از سوی دیگر سرریز تمام ناترازی‌ها و عدم تعادل‌های اقتصادی، در رشد نقدینگی تبلور می‌یابد. بر این اساس کاهش نرخ رشد نقدینگی در راستای مهار تورم، در گرو انجام اصلاحات اساسی در نظام حکمرانی اقتصادی است و یکی از این اصلاحات که در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته، اصلاح نظام بانکی است. از سوی دیگر حکمرانی اصولی بانک مرکزی در زمینه سیاست‌های کلان اقتصادی از جمله سیاست‌های پولی، بانکی و مالی حائز اهمیت است که در این زمینه نیز اخیراً اقدامات اساسی صورت گرفته که فعالان اقتصادی می‌توانند به پشتوانه این سیاست‌ها فعالیت‌های اقتصادی خود را رونق بخشیده و اطمینان حاصل کنند که ثبات اقتصادی و بانکی تضمین‌گرتلاش آنها است. از جمله اقدامات اخیر در این زمینه توافقات بانکی و گسترش روابط اقتصادی و بانکی و بین‌المللی با کشورهای نظیر روسیه، عمان و قطر است. به هر حال به نظر می‌رسد که مدتی است بازارها آرام شده و با پیش‌بینی پذیر شدن اقتصاد

جفری فرانکل استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد در گفت و گو با تازه های اقتصاد

سیاست تثبیت اقتصادی در بلندمدت منجر به کاهش تورم می شود

یک اهرم برای سیاست های پولی استفاده می کرد. به اعتقاد وی، موفقیت سیاست تثبیت اقتصادی منوط به برداشتن گام هایی برای رفع کسری بودجه است که این امر مستلزم کاهش هزینه ها (با افزایش مالیات) است. فرانکل برای پذیرش و پشتیبانی از سیاست تثبیت اقتصادی در جامعه، لزوم برقراری

سیاست تثبیت اقتصادی برای دستیابی به ثبات اقتصاد ایران؛ برنامه بسیار مهم و در سطح کلان است که توسط بانک مرکزی طراحی و در دست اجرا قرار دارد. دکتر محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی در تشریح این سیاست گفته است که بانک مرکزی به دنبال کاهش نرخ تورم از طریق به کارگیری ابزارهای کنترلی در بازار ارز، تقویت مرکز مبادله ارز، پیش بینی پذیر کردن اقتصاد، کنترل نقدینگی و تنظیم گری در بازارهای مختلف است. هفته نامه تازه های اقتصاد پیرامون بررسی تجارب جهانی سیاست تثبیت اقتصادی با «جفری فرانکل»، استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد آمریکا گفت و گو کرده است.

فرانکل در گفتگو با هفته نامه تازه های اقتصاد به مسائل مختلف اقتصادی پاسخ گفته است. فرانکل تعریفی از سیاست تثبیت اقتصادی ارائه داد و گفت که این برنامه به سیاست پولی و مالی گفته می شود که با رعایت روندهای بلندمدت، قیمت ها و بدهی را پایدار نگه می دارد و در شرایط نامساعد به حمایت از تولید و اشتغال می پردازد.

او همچنین معتقد است در خصوص تجارب اجرای سیاست تثبیت اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین به رغم شکست ابتدایی در مهار تورم، اما در نهایت بسته های سیاستی موفق را اتخاذ کردند که از نرخ ارز به عنوان



۳۵



IRTE.IR

اقتصاد تازه های

شماره اول - تیر ۱۴۰۲

به سبب آنکه کشورهای در حال توسعه برای رفع کسری بودجه اولیه خود را برنمی دارند، تلاش های آنها برای تثبیت، موفق پیش نمی رود. بنابراین برای اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، کسری بودجه باید حل شود

۳۶



IRTE.IR

اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

اعتماد و ارتباط با ذینفعان را مورد تاکید قرار داد. وی گفت که سیاست گذاران باید منافع بلندمدت سیاست تثبیت اقتصادی را تبیین کنند و همچنین با حمایت های لازم، ضررهای کوتاه مدت آن را نیز کم کنند.

وی در پایان، به رابطه بین سطح تورم و رشد اقتصادی پاسخ داد و گفت که در بلندمدت، تورم پایین و پایدار شرط لازم برای رشد پایدار است. در کوتاه مدت، ممکن است یک مقدار تورم به رشد کمک کند، اما تورم زیاد یا نامساعد می تواند باعث کاهش رشد شود. وی همچنین چند شاخص را برای اندازه گیری رشد اقتصادی معرفی کرد. متن کامل گفتگوی اختصاصی هفته نامه تازه های اقتصاد با این اقتصاددان در ادامه آمده است:

به طور عمومی سیاست تثبیت اقتصادی چه مفهومی دارد و چه اهدافی را دنبال می کند؟ در چه شرایطی این سیاست مناسب است و چه عواملی بر موفقیت آن تاثیرگذار خواهد بود؟

سیاست تثبیت اقتصادی به سیاست پولی و مالی ضد چرخه ای گفته می شود که از روندهای بلندمدت ثبات قیمت ها و پایداری بدهی پیروی می کند. به این معنی که در بلندمدت، تورم پایین و پایدار مد نظر قرار می گیرد و کاهش بدهی ملی به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی دنبال می شود.

در کدام کشورها سیاست تثبیت نرخ ارز استفاده شده و نتایج مثبت آن چگونه بوده است؟

کشورهای آمریکای لاتین نمونه های خوبی هستند که از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ سیاست های گوناگونی را برای مهار تورم یا حتی ابرتورم خود آزمون کرده و در اغلب آنها ناموفق بودند. تا اینکه در نهایت با اتخاذ بسته سیاستی که از تثبیت نرخ ارز به عنوان اهرم سیاست های پولی استفاده می کرد، موفق به کنترل تورم شدند.

در حوزه علم اقتصاد، نظریات جدیدی در خصوص سیاست تثبیت اقتصادی وجود دارد؟ چه پژوهش های علمی و تجربی در این زمینه صورت گرفته و چه نتایج و توصیه هایی را برای

کشورهای مختلف داشته است؟

در مورد کشوری که نفت صادر می کند براساس تحقیقات صورت گرفته عاقلانه است که یک پیوند میان بدهی و قیمت نفت برقرار شود (به طوری که، اگر صادرات نفت کاهش یابد، به دنبال آن خدمات بدهی هم کاهش پیدا کند). من پیشنهاد می کنم در زمانی که صادرات نفت قوی است، ارز افزایش یابد و وقتی صادرات ضعیف است کاهش یابد.

بانک مرکزی ایران در دور جدید مدیریت خود، سیاست تثبیت اقتصادی را به عنوان راهبرد خود برگزیده است. به نظر شما، چه عوامل و شروطی برای پذیرش و پشتیبانی از این سیاست در جامعه وجود دارد تا ضرب موفقیت آن افزایش یابد؟

به سبب آنکه کشورها در ابتدا قدم لازم برای رفع کسری بودجه اولیه خود را برنمی دارند، تلاش های آنها برای تثبیت، موفق پیش نمی رود. بنابراین برای اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، کسری بودجه باید حل شود. لذا باید توجه شود که این امر (اجرای سیاست تثبیت) مستلزم کاهش هزینه هایی (یا افزایش مالیات هایی) است که اغلب پشتوانه سیاسی ندارند.

آیا سیاست تثبیت اقتصادی، علاوه بر کنترل تورم می تواند بر رشد اقتصادی و اشتغال نیز تاثیرگذار باشد؟ به نظر شما چه رابطه ای بین سطح تورم و رشد اقتصادی وجود دارد؟ در این راستا چه شاخص هایی برای اندازه گیری رشد اقتصادی در کنار تورم مناسب هستند؟

رشد اقتصادی به عنوان نرخ تغییر تولید ملی واقعی (GDP) یا درآمد ملی واقعی اندازه گیری می شود. اگر کشوری دارای تثبیت بلندمدت (تثبیت قیمت و پایداری بدهی) باشد، فضای مالی برای تقویت تولید ناخالص داخلی و اشتغال وجود دارد. اما اگر غیر از این باشد، همراه با تورم بالاتر، تولید و اشتغال کاهش می یابد. اما اگر کشوری سیاست های پولی و مالی انبساطی را بیش از حد دنبال کند (حتی زمانی که اقتصاد در حال رونق است)، ثبات بلندمدت خود را از دست خواهد داد. لذا در چنین مواردی، تورم احتمالاً تأثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت.

موتور انتظارات منفی اقتصاد ایران در حال خاموش شدن!



سیزدهم و اجرای برخی سیاست های تازه از سوی بانک مرکزی، تب و تاب این انتظارات منفی خوابیده و می توان ادعا کرد با آرامش اخیر بازارها از جمله بازار ارز این اتفاق کاملا رخ داده است؛ به عبارتی دیگر بانک مرکزی توانسته بازار ارز را مدیریت کند که قطعاً تأثیر بسزایی در کنترل انتظارات منفی و در ادامه نیز کاهش نرخ تورم داشته است.

از سوی دیگر برخی اقتصاد دانان بر این عقیده هستند که با توجه به شرطی سازی که در گذشته در اقتصاد ایران اتفاق افتاده است؛ بدون شفافیت

بر اساس آمارهای اعلامی از سوی دستگاه های اقتصادی از جمله وزارت اقتصاد و بانک مرکزی، چشم انداز تورمی اقتصاد ایران کاهشی است، از بین بردن عوامل تأثیرگذار بر تورم طی ماه های اخیر حاکی از به نتیجه رسیدن تلاش های دولت برای مهار تورم سختی است که طی سال های گذشته اقتصاد ایران را دچار چالش و التهاب کرده بود. اما به هر حال انتظارات تورمی که در اقتصاد ایران و در زمان دولت گذشته شکل گرفته بود، تأثیر منفی بر بازارها و نرخ ها داشت، اما با اقدامات دولت

۳۷



IRTE.IR
اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

اقتصاددانان
براین نکته
تاکید دارند
که مدیریت
انتظارات
تورمی، رشد پول
و نرخ ارز مکمل
دستیابی به
ثبات کلی
قیمت‌ها است



مرکزی باره اندازی مرکز مبادله طلا و ارز به سمت علامت دهی موثر به بازار رسمی ارز حرکت کرده است. یک دهه رشد صفر و منفی باید با تدابیر عالمانه و اجرای درست به تدریج جای خود را به برقراری ثبات در اقتصاد کشور بدهد و این هدف اصلی است که دنبال می‌شود، چرا که با ثبات اقتصادی است که رشد تولید شکل می‌گیرد.

وزیر اقتصاد نیز اخیراً گفته که شاهد چرخش روندی هستیم که سرعت تورم را کاهش داده و حکایت از آن دارد که فشار تورمی سال ۹۷ که تا پایان ۱۴۰۱ ادامه پیدا کرد، امسال کاهش می‌یابد. اعداد و ارقام اعلامی به معنای رضایت دولت از وضعیت تورم نیست؛ اما به عنوان چرخش روندی است که سرعت تورم را کاهش داده است.

وزارت اقتصاد نیز اخیراً در گزارشی اعلام کرده است که تورم برخلاف آنچه تلاش می‌شود برای آن روندی افزایشی تصویر شود در سال جاری کاهش خواهد بود و در دو ماه نخست سال این روند در کاهش تورم ماهانه مشهود بود هر چند آمار کاهش ماهانه تورم به این معنا نیست که قیمت‌ها در اقتصاد ایران ثبات یافته و یا کاهش یافته یا وضعیت تورمی موجود مورد تایید دولت است؛ اما کشور ما طی ۵ سال گذشته به طور مستمر درگیر عوامل تورم‌زای متعددی بوده که حتی برای مهار آنها نیز گامی جدی برداشته نشده بود؛ بنابراین دولت در اجرا و مهار عوامل ساختاری و بنیادی تورم‌زا جدیت دارد. حذف عوامل تشدیدکننده تورم و روشن‌کننده موتورهای تورمی؛ گام مهمی است که دولت از طریق سیاست‌گذاری‌های ارزی و پولی، حذف شیوه اشتباه ارز ۴۲۰۰ تومانی، توسعه فعالیت مرکز مبادله ایران، توسعه دیپلماسی خارجی و... برداشته است.

اقتصادی برای فعالیت‌های مولد، امکان مهار تورم پایدار و در نتیجه پایان انتظارات تورمی وجود ندارد. بنابراین در این خصوص، بانک مرکزی دولت سیزدهم از طریق حذف برخی مسائل مشکل‌ساز مانند توقف سوداگری و دلالی در بازار ارز، اجرای سیاست ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و همچنین توسعه مرکز مبادله ایران، در خصوص شفاف‌سازی مسیر تامین ارزی و سیاست‌گذاری فعالیت‌های اقتصادی گام‌های اساسی برداشته است.

تورم یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی است که در دولت گذشته بر اثر بی‌برنامگی و اتخاذ برخی تصمیمات اشتباه مانند ارز ۴۲۰۰ تومانی، باعث برهم‌زدن توازن شاخص‌های اقتصاد کلان همچون کاهش نرخ رشد اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری و توزیع نابرابر درآمد شده بود. افزون بر این، عدم حتمیت‌های ناشی از نرخ‌های تورم بالا نیز باعث افزایش انتظارات تورمی در دولت قبل شده بود. اقتصاددانان براین نکته تأکید دارند که مدیریت انتظارات تورمی، رشد پول و نرخ ارز مکمل دستیابی به ثبات کلی قیمت‌ها است.

وجود انتظارات تورمی همواره باعث می‌شود مردم منتظر بدتر شدن شرایط باشند، همانگونه که در دولت‌ها و دوره‌های قبل بوده است. اخیراً داود منظور معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه گفته است: می‌توانیم نرخ ارز لنگرگاه‌های انتظارات تورمی جامعه را کنترل کنیم. براساس سیاست نادرست ۱۰ سال گذشته و شرطی کردن مردم به فعالیت در بازار ارز، انتظارات تورمی هم در این بازار تحریک شد و تأثیر اقتصاد کشور از بازار ارز به حد اکثر رسیده بود.

در دور جدید مدیریتی سیاست‌گذاری، بانک





چرا تثبیت نرخ ارز مقدم است؟

سعید رشیدی نوبندگانی /

پژوهشگر اقتصادی و عضو انجمن اقتصاد دانان ایران



۳۸



IRTE.IR

اقتصاد

شماره اول - تیر ۱۴۰۲

بررسی هانسان
می دهد در
کشورهای نفتی
و کشورهایی
که بخش
عمده واردات
آنها را کالاهای
واسطه ای و
سرمایه ای
تشکیل می دهد،
افزایش نرخ
ارز، به اندازه
اختلاف نرخ تورم
کشورها، نه تنها
در عمل امکان
پذیر نخواهد
بود، بلکه این
موضوع منجر به
افزایش هزینه
تامین منابع مالی
برای پوشش
سرمایه در گردش
فعالیت های
عملیاتی و
همچنین افزایش
قیمت نهاده های
وارداتی خواهد
شد

۴۰



IRTE.IR
اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

کدام سیاست ارزی می تواند بیشترین
کارایی را در جهت تحقق تمامی اهداف
تعیین شده در افق های بلند مدت و کوتاه
مدت اقتصاد کلان ایران داشته باشد؟
برای پاسخ به این سوال ابتدا باید توجه
داشت که اقتصاد ایران در کنار برخورداری
از تمامی ویژگی های یک اقتصاد نفتی و
دولتی، اقدام به توسعه بخش های صنعتی
کرده و در تولید بسیاری از محصولات زنجیره
تولید کالاهای نهایی وارد شده است.

در ایران به دلیل پیگیری رویکرد صنعتی شدن
تولید، همواره نیاز به واردات کالاهای اساسی،
سرمایه ای و واسطه ای حفظ شده است.
باید توجه داشت که طی یک دهه گذشته
میزان رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در
یک محدوده منفی قرار داشته و این موضوع
در شرایط کنونی که راه برای افزایش مبادلات
تجاری ایران هموارتر شده، نیاز به واردات
کالاهای واسطه و سرمایه ای را دوچندان کرده
است.

از این رو، هرچند که برخی رویکردهای
اقتصادی بر این باورند که نرخ برابری ارزهای
خارجی با ارز ملی یک کشور باید متناسب با
اختلاف تورم کشور مبدأ با کشورهای طرف
تجاری افزایش یابد، اما بررسی هانسان
می دهد در کشورهای نفتی و کشورهایی که
بخش عمده واردات آنها را کالاهای واسطه ای و
سرمایه ای تشکیل می دهد، افزایش نرخ ارز، به
اندازه اختلاف نرخ تورم کشورها، نه تنها در عمل
امکان پذیر نخواهد بود، بلکه این موضوع منجر
به افزایش هزینه تامین منابع مالی برای پوشش
سرمایه در گردش فعالیت های عملیاتی و
همچنین افزایش قیمت نهاده های وارداتی
خواهد شد و از آنجا که بهره وری در تولید
نمی تواند به اندازه افزایش هزینه های مذکور
رشد کند، شرکت های تولیدی، چه در بخش
داخلی و چه در بخش صادراتی با چالش های
زیادی در حفظ توان تولیدی و حاشیه سود
کالاهای و در نتیجه کاهش قدرت رقابت پذیری و
تولید روبه رو خواهند شد.

از طرفی، بررسی هانسان می دهد اگر در
کنار موارد ذکر شده، اقتصاد کشور در یک
شرایط تورمی شدید نیز قرار داشته باشد،
اتخاذ سیاست نرخ ارز شناور یا رها سازی بازار،
یک چرخه معیوب و ادامه دار افزایش تورم،

افزایش نرخ ارز را از کانال افزایش بهای تولید
و افزایش قیمت تمام شده محصولات نهایی به
وجود خواهد آورد.

بر اساس آمار منتشر شده در گزارش سال
۱۳۹۷ مرکز پژوهش های مجلس، هر ۱۰ درصد
افزایش نرخ ارز، نرخ تورم را ۲ درصد رشد
خواهد داد و از آنجایی که نرخ ارز با قیمت
مسکن، طلا، خودرو و محصولات خوراکی در
ایران همبستگی بالایی دارد، تغییرات شدید
نرخ ارز می تواند منجر به بروز شوک های تورمی
ادامه دار در اقتصاد ایران شود.

لذا می توان در وهله اول نتیجه گیری کرد که
در شرایط کنونی اتخاذ سیاست نرخ ارز شناور
یا شناور کنترل شده نمی تواند به عنوان اولین
قدم در اصلاح ساختار اقتصادی ایران مفید
واقع شود.

ایجاد ثبات و پیگیری سیاست های اصلاحی

سیاست تثبیت اقتصادی یک سیاست شناخته
شده در ادبیات اقتصادی جهان و مراجع بین
المللی اقتصاد است که طی سال های گذشته
از طرف کشورهای بسیار زیادی مورد استفاده
قرار گرفته است.

در بخش پولی، اتخاذ این سیاست با مداخله
بانک مرکزی در بازارهای ارزی و ثبات قیمت ها
در این بخش همراه است، تا از این طریق در
قدم اول از بروز جریان های تورمی ناشی از
نوسان قیمت ارز به اقتصاد جلوگیری شود.
ثبات نسبی شاخص های تورمی ناشی از
سیاست تثبیت نرخ ارز این فرصت را ایجاد
خواهد نمود که بانک مرکزی در کنار دولت
و بخش خصوصی بتواند یک بسته جامع
از سیاست های پولی و مالی برای ایجاد
اصلاحات ساختاری و کنترل تدریجی تورم را به
اجرا در آورد.

از این رو می توان نتیجه گرفت در ساختار
اقتصادی ایران پیگیری سیاست تثبیت
نرخ ارز در کنار سیاست هایی مانند کاهش
نرخ رشد نقدینگی متناسب با رشد انتظاری
تولید، کنترل بدهی های دولت، جلوگیری
از تزریق منابع مازاد نفتی از طرف دولت به
اقتصاد، اصلاح چرخه های معیوب خلق پول
در سیستم بانکی و پیگیری سیاست هایی که
هزینه مبادله را در تجارت کاهش می دهد،
می تواند در کنترل تورم و کاهش تدریجی آن
موثر باشد.

دکتر حیدر عصفور، عضو اتاق بازرگانی عراق در گفت و گویا تازه های اقتصاد

رفت و آمدهای فرزین به قطر، عراق وامارات مخابره پیام به غرب بود

• پیام حضور رئیس کل بانک مرکزی ایران در منطقه
دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی است



۴۱



IRTE.IR

اقتصاد تازه های

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

همه جهانیان می‌دانند تحریم و محاصره اهمیت و تأثیری برای ایران ندارد و این کشور به تنهایی می‌تواند با کل جهان مقابله کند

دیپلماسی سیاسی ایران اخیراً شاهد تحولات بسیار جدی و خیز بزرگ به سمت ایجاد روابط متوازن و پایدار در منطقه به ویژه با همسایگان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بوده است. تفاهم ایران و عربستان سعودی و سفر وزیر خارجه این کشور به تهران، سفر «علی شمخانی»، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و «حسین امیر عبداللہیان»، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به امارات و دیدار با مقام‌های این کشور و خیز کشورهای عربی دیگری چون مصر و بحرین واردن برای از سرگیری روابط با ایران از جمله تحولات گسترده‌ای است که دیپلماسی ایران در مناسبات سیاسی اخیر در سطح منطقه شاهد بوده است.

به موازات پیشبرد دیپلماسی سیاسی، دیپلماسی اقتصادی ایران نیز از محور ایجاد روابط با همسایگان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دور نمانده و روابط تجاری و اقتصادی در منطقه نیز نمودی پررنگ‌تر از گذشته پیدا کرده است که قطعاً آثار و نتایج آن هم به نفع ایران و هم به نفع کشورهای آن سوی معادله خواهد بود.

یکی از کارکردهای اصلی دیپلماسی اقتصادی برای هر کشوری که از رهگذر رایزنی‌ها و دیدارهای مقام‌های اقتصادی با هم‌تایان و بزرگان اقتصادی طرف‌های مقابل حاصل می‌شود، در زمینه ارز و مبادلات ارزی است. اخیراً «محمد رضا فرزین»، رئیس کل بانک مرکزی ایران سفر دوره‌ای به منطقه را آغاز و از کشورهای عراق و قطر بازدید کرد. این سفرها می‌تواند پیام‌ها و دستاوردهای مهمی را به همراه داشته باشد که هر یک از آنها در نوع خود راهگشا و زمینه‌ساز فرصت‌های مهمی برای سرمایه‌گذاری و مبادلات تجاری با کشورهای دیگر در آینده می‌تواند باشد و تجربه‌ای موفق را در این زمینه رقم بزند که به برون‌رفت از بسیاری از مشکلات اقتصادی، داخلی و خارجی کمک بسزایی خواهد کرد.

در همین راستا و برای تشریح دلایل و انگیزه‌ها و اهداف اراده شده از خیز جدیدی که در مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای همسایه ایجاد شده است، با «حیدر عصفور»، عضو اتاق بازرگانی عراق گفتگویی انجام دادیم و وی به پرسش‌های مطرح شده در این زمینه پاسخ داده که شرح آن می‌گذرد.

روابط اقتصادی بین ایران و کشورهای عرب در مناطق مختلف همواره رو به توسعه بوده و مناسبات اقتصادی خوبی بین ایران و برخی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس برقرار است. تا چه میزان این ظرفیت‌ها قابل توسعه است و چه اقداماتی باید در این زمینه صورت گیرد؟

وقتی از ایران صحبت می‌کنیم، از بزرگترین قدرت خاورمیانه از نظر سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، قدرت نظامی، کنترل و انضباط داخلی و سازماندهی و یکپارچگی در زیرساخت‌ها صحبت می‌کنیم. همین دلیل باعث شد تا حاکمان ملی در کشورهای مختلف و ملت‌های هوشمند با تاملی عمیق به این فکر کنند که از این قدرت خاورمیانه چه بهره‌ای می‌توانند ببرند.

در حقیقت، کشورهای حاشیه خلیج فارس پس از آنکه دریافتند ایران بهترین و اجتناب‌ناپذیرترین گزینه برای همکاری و ایجاد گشایش در همه زمینه‌ها در راستای خدمت به مردم و منافع خود آنهاست، تصمیم خود را گرفتند و اقدام به برقراری مناسبات اقتصادی و تجاری کردند، چرا که همه جهانیان می‌دانند تحریم و محاصره اهمیت و تأثیری برای ایران ندارد و این کشور به تنهایی می‌تواند با کل جهان مقابله کند.

بر همین اساس هم بود که عصر همکاری و اقدام مشترک آغاز شد و در آینده نیز گسترش خواهد یافت و بزرگترین اقتصادهای جهان را در زمینه انرژی که معرف مهم‌ترین منطقه جغرافیایی است، در بر خواهد گرفت. انرژی برای دهه‌ها محل مبارزه جهانی بود اما با پیروزی بزرگ ایران به پایان رسید، این پیروزی همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و امنیتی را در بر گرفت و به سمت اقتصاد و توسعه‌ای پیش رفت که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را که از سیاست‌های غرب پیروی می‌کردند، گرد خود متحد کرد. اما امروز غرب، شرق و عرب‌ها به برکت قدرت سیاسی، تدبیر و صبر مردم دلیر ایران متحد شده‌اند.

با توجه به پویایی به وجود آمده در منطقه که برآمده از درک ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی نهفته در هر یک از کشورهای منطقه است، جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه





**دیپلماسی منطقه ای ایران
است. تا چه میزان این آمادگی
در کشورهای عربی وجود دارد
و مزایای تبادلات اقتصادی با
ارزهای محلی چیست؟**

مبادلات پولی باید با استفاده از ارزهای محلی واز طریق حمایت از پول ملی طرفین تجاری، دنبال و اجرای سیاست های پولی، ارتقای ثبات مالی و نظارت بر سیستم بانکی و برقراری سیستم تبادل اطلاعات بین بانک های سراسر جهان انجام شود و در این صورت است که به هر دو طرف کمک خواهد کرد و مزایا و دستاوردهایی را به همراه خواهد داشت از جمله:

- حذف یک روند روتین و فرسایشی
- حذف ارز خارجی
- حمایت از ارز محلی

این روند در بسیاری از اقتصادهای بزرگ جهان مانند چین، روسیه و سایر کشورها وجود دارد.

**ظرفیت ایجاد بانک های مشترک
و همچنین ایجاد شعب بانک
های ایرانی در کشورهای عربی
و بالعکس همواره وجود دارد.
چقدر ایجاد این ساختارها و**

خلیج فارس برای تقویت همکاری های مشترک باید مجموعه ای از اقدامات را انجام دهند از جمله:

- تشویق با کاهش تشریفات اداری و بروکراسی به منظور ایجاد سیستم های سرمایه گذاری مشوق به کار.
- افتتاح محل اقامت برای اتباع خارجی به سهولت.
- ایجاد فضای مناسب و فراهم کردن بسترهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی لازم برای جذب سرمایه گذاران از سراسر جهان.
- دور نگه داشتن اقتصاد و سرمایه گذاری از سیاست زدگی و گشودن زمینه های کاری برای همه شرکت های دنیا.
- مشارکت دولت و بخش خصوصی با استفاده از شرکت های بزرگ به منظور شراکت با شرکت های بزرگ کشورهای ذی ربط.
- حمایت از بخش بانکی و بازسازی ساختار نظام های بانکی به گونه ای که با پیشرفت های نوین و سیاست های پولی جهانی سازگار باشد.

**ایجاد زمینه همکاری های
پولی بر اساس ارزهای محلی به
جای دلار، یکی از راهبردهای**



پیام حضور
رئیس کل بانک
مرکزی ایران در
منطقه دارای
ابعاد سیاسی،
اقتصادی و
جغرافیایی
است

**تقویت اینگونه همکاری ها
می تواند در توسعه مناسبات
اقتصادی، سازنده و موثر باشد؟**

بانک ها نقش اصلی را در حمایت از اقتصاد، توسعه و سرمایه گذاری ها دارند. اهمیت تأسیس بانک ها علاوه بر آنچه ذکر کردیم، در حمایت از پول ملی و افزایش اعتماد در مبادلات تجاری موثر است و زمینه ساز برقراری مبادلات از طریق ارز ملی است. تأسیس بانک ها همچنین می تواند رهاوردی چون اعطای وام و سرمایه گذاری داشته باشد.

**رئیس کل بانک مرکزی ایران
به تازگی دور جدیدی از توسعه
همکاری ها را با کشورهای عربی
مانند عراق، قطر و امارات آغاز
کرده است. این همکاری ها تا چه
میزان می تواند بر توسعه روابط
همه جانبه کشورهای منطقه و
ایران تأثیرگذار باشد؟ حضور
شخص نخست بانک مرکزی ایران
چه پیامی برای تقویت همکاری
های بانکی و پولی بین ایران و
کشورهای عربی دارد؟**

پیام حضور رئیس کل بانک مرکزی ایران در منطقه دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی است، چنانچه مشاهده کردیم جمهوری اسلامی در زمان تهدید عربستان کنار قطر ایستاد. قطر بزرگترین ذخایر گاز جهان را به خود اختصاص داده است و جمهوری اسلامی ایران روابط بسیار عمیق و دوستانه ای با این کشور دارد که اکنون می خواهد با گسترش همکاری ها، این روابط را در همه زمینه ها تقویت کند. قطعاً روابط با کشوری غنی از گاز که می تواند مؤلفه بسیار مهمی در سطح معادلات منطقه و جهان باشد و در بسیاری از تصمیم گیری ها تعیین کننده باشد، برای ایران بی بهره نخواهد بود.

**اخیراً رئیس کل بانک مرکزی
ایران دوسه سفری به قطر داشته
و مناسبات جدیدی شکل گرفته
است. نزدیکتر شدن همکاری
های بانکی و اقتصادی ایران با
کشورهای عربی، چه نتایجی
خواهد داشت و چه ظرفیت های**

**تازه ای در خصوص همکاری های
اقتصادی شکل می گیرد؟**

استقبال از تعامل و برنامه ریزی اقتصادی یکی از سیاست های هوشمندانه ای است که ایران از طریق آن منطقه را کنترل خواهد کرد، چرا که ما امروز در دوره جنگ های اقتصادی هستیم و هر که موفق به مدیریت یک اقتصاد قوی شود، جهان در کنترل او خواهد بود، امروز جنگ جهانی سوم با سازوکارهای اقتصادی جدید بین ایالات متحده و چین در حال وقوع است. هدف از تحرک مقام های ارشد بانک مرکزی ایران در کشورهای حوزه خلیج فارس این است که به غریب ها پیام می دهند که ما در حال گسترش روابط مان با دوستان خود هستیم.

**ایران ظرفیت بالایی در تامین
کالاها و ملزومات مورد نیاز
کشورهای عربی دارد و این
ارتباطات در حال حاضر به نوعی
برقرار است. این ظرفیت ها چگونه
قابل شناسایی و تقویت است؟**

به این نکته توجه کنید که تحریم ها توانایی ایران برای خوداتکایی را تقویت کرده و آن را به سرعت توسعه داده است. جمهوری اسلامی ایران می تواند از طریق افزایش هزینه ها و مالیات ها بین دو طرف، جذب بازار خلیج فارس شود، زیرا کفه ارائه کالاها و خدمات به نفع جمهوری اسلامی سنگین خواهد شد. این امر با توجه به شرایط و ویژگی های زیر محقق خواهد شد:

- قیمت مناسب
- پایین بودن قیمت حمل و نقل به دلیل کوتاهی مسافت
- در صورت حذف مالیات و عوارض گمرکی، قیمت کالاها کاهش بیشتری خواهند داشت
- بعد جغرافیایی و اینکه ایران با همه کشورهای حوزه خلیج فارس همسایه است
- تامین مواد خام از منابع انرژی، پتروشیمی و مواد معدنی در جمهوری اسلامی ایران منجر به سرمایه گذاری ایده آل به جای صادرات مواد خام خواهد شد و در نتیجه این امر منابع اقتصادی و توسعه به حد اکثری رسند و هزینه های کالاهای صادراتی کاهش یافته، تقاضا و رقابت داخلی برای صادرات تقویت می شود که در نتیجه بهبود کیفیت را به همراه خواهد داشت.





خبر منفی چگونه انتظارات تورمی را شکل می دهد

۴۵



IRTE.IR
اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

آلیت دامسترا /

پژوهشگردانشگاه آمستردام هلند

با توجه به حساسیت ذاتی انسان نسبت به اخبار اقتصادی منفی و شکل دهی انتظارات خود بر اساس اینگونه اخبار، روزنامه نگاران اقتصادی در ارائه گزارش های خبری با رسالت مهمی روبه رو هستند

از دیرباز تاکنون، رسانه در انتقال اطلاعات به شهروندان یک جامعه علل الخصوص در حوزه اقتصاد نقش بی بدیلی ایفا کرده و به عنوان یک واسطه برای درک بهتر اطلاعات اقتصادی برای بخش اعظمی از افراد شناخته می شود. بنا بریک ضرب المثل این رسانه است که برای مردم مشخص می کند که به چه چیزی فکر کنند و در بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی که با اثرات اقتصادی مختلفی همراه بود؛ نقش اثرگذار رسانه و نحوه پوشش اخبار اقتصادی بر انتظارات و تصورات اقتصادی عموم جامعه بار دیگر بر همگان اثبات شد.

شواهد تجربی بسیاری نشان می دهد که روزنامه نگاران اقتصادی علاوه بر بررسی و پوشش تحولات اقتصادی در یک دنیای واقعی با مجموعه ای از سوگیری های رفتاری در پوشش اخبار اقتصادی مواجه هستند که در نهایت این سوگیری ها منجر به اثرگذاری بر افکار و باورهای عمومی افراد خواهد شد.

یکی از این سوگیری های یاد شده؛ به نحوه پوشش اخبار اقتصادی برمی گردد که در طی آن روزنامه نگاران اقتصادی در موضوعاتی نظیر رکود و رشد اقتصادی، اشتغال، تورم و بیکاری بیشتر بر جنبه های منفی تاکید کرده و اغلب تحولات مثبت نادیده گرفته می شود. توضیحات مختلفی برای اتخاذ چنین رویکردی وجود دارد.

یکی از این توضیحات به این موضوع اشاره دارد که رسانه های آزاد با مورد توجه قرار دادن تحولات منفی منجر به پاسخگویی بیشتر دولت شده و در نتیجه حاکمیت و به طور ویژه دولت با افزایش کارآیی مواجه خواهد شد.

همچنین پوشش تحولات منفی شرایط اقتصادی، شکست سیاست گذاری های اقتصادی دولت را برای همگان نمایان می کند و با فشار بر دولت منجر به تغییر و اصلاح سیاست های اقتصادی می شود. استدلال دوم روزنامه نگاران برای اتخاذ چنین رویکردی این است که سوژه های خبری منفی از جذابیت بیشتری

برخوردار بوده و منجر به ارجاعات بیشتری به خبر خواهد شد. همین عامل ارجاعات بیشتر به یک خبر منفی، باعث خواهد شد که خبر به صورت گسترده تری دیده و درک شود. بنابراین تمایل روزنامه نگاران برای پوشش اخبار منفی نسبت به اخبار مثبت بیشتر است.

این در حالی است که براساس فلسفه های روانشناختی، افراد یک جامعه به اخبار منفی نسبت به اخبار مثبت واکنش های به مراتب بیشتر و قوی تری نشان داده و انتظارات اقتصادی خود را بر اساس اخبار منفی شکل می دهند.

برقراری چنین شرایطی در مواقعی که اقتصاد در وضعیت خوبی به سر نمی برد؛ با عواقب اقتصادی نیز همراه خواهد بود؛ زیرا که انتظارات عمومی در مواجهه با وضعیت نابسامان اقتصادی مخدوش شده و علاوه بر اثرگذاری های منفی بر رفتارهای اقتصادی، تأثیرات عمیقی بر ترجیحات سیاسی نیز خواهد داشت.

به عبارت دیگر هنگامی که عموم افراد یک جامعه از انتظارات منفی برخوردار باشند؛ از قدرت و اعتبار نهادهای اقتصادی کاسته شده و حتی در صورت اتخاذ سیاست اقتصادی کارآ و اثرگذار توسط اینگونه نهادها به دلیل وجود انتظارات منفی، بخش اعظمی از کارآیی و اثرگذاری سیاست مذکور از بین خواهد رفت و در صورت ادامه دار بودن این وضعیت نه تنها کمکی به برون رفت از شرایط حاکم بر اقتصاد نخواهد کرد؛ بلکه شرایط اقتصادی نسبت به گذشته وخیم تر نیز خواهد شد.

از این رو با توجه به حساسیت ذاتی انسان نسبت به اخبار اقتصادی منفی و شکل دهی انتظارات خود براساس اینگونه اخبار، روزنامه نگاران اقتصادی در ارائه گزارش های خبری خود با رسالت مهمی روبه رو هستند که در طی آن باید اخبار مثبت اقتصادی به اندازه اخبار منفی مورد توجه قرار گیرد و به همان میزان نیز انتشار پیدا کند تا بخشی از انتظارات افراد جامعه بر اساس اخبار مثبت اقتصادی شکل بگیرد.





انتخاب نظام نرخ ارز؛ شناور یا ثابت؟

• ترجمه خلاصه مقاله IMF

۴۷



IRTE.IR
اقتصادنا

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

به چشم اندازه‌های موجود با ویژگی‌های آن کشور سازگار خواهد بود یا خیر؟ پاسخ به این سوال بسیار مهم است؛ زیرا که در صورتی که نظام نرخ ارز با ویژگی‌های یک کشور ناسازگار باشد؛ می‌توان مواردی نظیر تقویت اثر شوک‌های نامطلوب بر اقتصاد، عدم توانایی در کنترل تورم، تضعیف رشد اقتصادی و افزایش خطرات مالی را

یکی از موضوعات محوری در اقتصاد کلان هرکشوری، انتخاب نوع نظام نرخ ارز است. از این رو به کشورها در سراسر جهان توصیه می‌شود؛ هنگام تغییر نظام نرخ ارز به بررسی میزان انطباق و همخوانی نظام نرخ ارز با نیازها و اهداف خود بپردازند و به دنبال پاسخگویی به این سوال باشند که آیا انتخاب نوع خاصی از نظام نرخ ارز با توجه



تثبیت اسمی برای سیاست پولی عمل خواهد کرد، در حالی که هرچه به نظام نرخ شناور ارز نزدیک تر شویم؛ نیاز به یک جایگزین دیگری برای تثبیت اسمی نیز بیشتر می شود و معمولاً در این نظام هدف گذاری های تورمی این نقش را بر عهده دارد.

این نکته گویای آن است که چارچوب سیاست های پولی و نرخ ارز باید یک ثبات اسمی روشنی را ارائه کنند، زیرا که بدون ثبات اسمی، سطح قیمت ها در اقتصاد به خوبی تعریف و مشخص نخواهند شد و علاوه بر آن، فقدان یک ثبات اسمی می تواند اثرگذاری سیاست پولی در مقابله با شوک های گذرا وارد شده بر اقتصاد را کمتر کند.

در یک طبقه بندی کلی معیارهایی که در انتخاب نظام نرخ ارز باید به آنان توجه شود و با توجه به این معیارها در خصوص نظام نرخ ارز تصمیم گیری کرد، در سه طبقه ذیل دسته بندی می شوند:

- شرایط اولیه اقتصاد کلان نظیر مواردی همانند تورم، کفایت ذخایر ارزی و عدم تعادل های مالی و بدهی های خارجی
- ویژگی های ساختاری اقتصاد نظیر مواردی همانند اندازه و باز بودن درجه تجارت، انعطاف پذیری عوامل تولید و نوع و فراوانی شوک های اقتصادی
- ویژگی های سازمانی اقتصادها، چشم اندازهای توسعه ای و نگرش های فکری مقامات

برای کشور مورد نظر ترسیم نمود. با وجود اینکه چنین موضوعی چندین دهه توسط دانشگاهیان و سیاست گذاران مورد بحث قرار گرفته است، ولی تاکنون مباحث در این زمینه منجر به نتیجه واحدی نشده است.

به صورت کلی برای هر کدام از نظام های نرخ ارز ثابت و شناور می توان استدلال های جامعی ارائه کرد. در خصوص نظام نرخ ارز ثابت می توان عنوان نمود که در این نظام هزینه های معاملاتی در ارتباط با تغییرات مکرر نرخ ارز کاهش پیدا می کند و در نتیجه تجارت تسهیل می شود. در این نظام اگر ذخایر ارزی به میزان کافی وجود داشته باشد؛ برقراری چنین نظامی آسان خواهد بود. با توجه به مزایای گفته شده، نظام نرخ ارز ثابت برای اقتصادهایی کوچک که به شدت به تجارت بین المللی وابسته هستند؛ توصیه می شود.

نقطه مقابل نظام نرخ ارز ثابت، نظام نرخ ارز شناور قرار دارد که با هزینه های معاملاتی بالاتری همراه است. معمولاً این نظام با هدف گذاری های تورمی همراه است و سیاست های پولی مستقل بر اساس نیازهای داخلی تنظیم خواهد شد.

در نتیجه با بهره گیری از این نظام، امکان مدیریت بهتر اقتصاد کلان فراهم خواهد شد. نکته ای که در این میان قابل ذکر است اینکه انتخاب نظام نرخ ارز تنها یک مسئله اقتصادی نبوده و مسائل سیاسی، اجتماعی و نگرش فکری مقامات در این انتخاب تاثیرگذار است که موجب خواهد شد که انتخاب نظام نرخ ارز، سازگار با شرایط حاکم بر کشور مورد نظر باشد.

همانطور که پیش تر نیز اشاره شد؛ مجموع این عوامل نظام نرخ ارز را مشخص خواهد کرد و پس از انتخاب نظام نرخ ارز، سایر سیاست ها دست خوش تغییراتی می شوند و اهداف میانی و عملیاتی، ابزارهای بانک مرکزی، عملیات پولی داخل کشور، مداخلات ارزی، مدیریت جریان سرمایه و اقدامات کلان احتیاطی متناسب با نظام نرخ ارز انتخاب شده مورد بازبینی و تعریف قرار خواهد گرفت.

نکته پایانی که در این یادداشت به آن اشاره خواهد شد؛ این است که طیف متنوعی از نظام های نرخ ارز بر حسب افزایش انعطاف نرخ ارز از نظام نرخ ثابت ارز تا نظام نرخ شناور ارز وجود دارد و این دو نظام در ادبیات اقتصادی تنها به عنوان راه حل های گوشه ای شناخته می شوند. با این تفاوت که هرچه به نظام نرخ ثابت ارز نزدیک تر شویم؛ نرخ ارز به عنوان یک

هرچه به نظام نرخ شناور ارز نزدیک تر شویم؛ نیاز به یک جایگزین دیگری برای تثبیت اسمی نیز بیشتر می شود و معمولاً در این نظام هدف گذاری های تورمی این نقش را بر عهده دارد



دستاوردهای سیاست تثبیت نرخ ارز



دکتر حمید تاجیک /

عضو هیات علمی دانشگاه و صاحب نظر پولی و بانکی

کوتاه مدت و بویژه میان مدت نیز تا حد امکان می تواند رفتارهای تمامی فعالان اقتصادی را در ریل مناسب و چارچوب منطقی قرار داده و تا حد قابل توجهی نهادینه کند. در این راه، شنیدن دغدغه های همه ذینفعان سیاست تثبیت نرخ ارز و همفکری و تعامل سازنده، راهگشا خواهد بود. جلوگیری از انجام اقدامات پنهانی و دستوری که حذف اعتماد بین سیاست گذار و سیاست پذیر را به همراه خواهد داشت نیز از مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. می توان ممانعت از بلا تکلیفی در زمینه سرمایه گذاری های دارای ارزش و منافع اقتصادی در کشور، تشویق تولیدات صادرات محور، مهار نقدینگی های سرگردان و هدایت آن به بخش های مولد اقتصاد را از دستاوردهای آتی اجرای سیاست تثبیت ارزی برشمرد. در عین حال، کاهش تلنگرهای رفتاری مخرب اقتصاد سالم و کارآمد در نزد افکار عمومی جامعه، جلوگیری از خروج سرمایه (مالی، پولی، دانشی، استارت آپ ها و...) از کشور، افزایش انگیزه تولید و ایجاد رقابت سالم در بازار، بدون مداخلات غیر ضرور و نابهنگام ولی کنترل شده که نیاز به تعادل انعطاف پذیر دارد هم از دیگر مزایایی است که تثبیت ارزی برای اقتصاد ایران به ارمغان خواهد آورد.

از مزایای سیاست تثبیت نرخ ارز، کاهش محسوس انتظارات تورمی به ویژه مهار تقاضای کاذب و نقدینگی سرگردان است که در کنار جلوگیری از ورود اشخاص حقیقی و حقوقی به حوزه های سرمایه گذاری های غیرمولد و مضر سفته بازی و سوداگرانه، منجر به ثبات بخشی اقتصادی خواهد شد. همچنین باید به جلوگیری از نگرانی و پیشگیری از توقف انگیزه های صادراتی موثر صادرکنندگان کالا و خدمات به عنوان دیگر مزایای طرح تثبیت ارزی اشاره کرد.

مقرون به صرفه بودن تولید داخل و تهییج تولیدکنندگان داخلی به همراه فراهم شدن امکان برنامه ریزی برای عوامل تولید و از سویی تعیین قیمت تمام شده منطقی بر مبنای صرفه و صلاح و قابلیت پیش بینی پذیری تمامی مولفه های زنجیره تولید و فروش نیز از مزایای دیگر تثبیت نرخ ارز و اقتصاد است. از سویی، کنترل واردات بی رویه و حتی قاچاق کالا به داخل کشور هم به دلیل عدم مقرون به صرفه شدن در شرایط تثبیت ارزی، را باید از دیگر مزایای اقتصادی این طرح برشمرد. قابلیت پیش بینی پذیر بودن تغییرات متغیرهای اقتصادی در





در میزگرد تازه های اقتصاد
با حضور دکتر جمشید عدالتیان و محمد مهدی رئیس زاده بررسی شد

بخش خصوصی آماده همراهی با سیاست تثبیت اقتصادی

- رئیس زاده: آقای فرزین در چندین مورد نشان دادند که در تصمیم گیری های تخصصی، شجاع و صاحب نظر هستند
- عدالتیان: آقای فرزین به عنوان رئیس کل بانک مرکزی، در چند ماه اخیر، شهامت و تخصص لازم را در تصمیم گیری ها و اقدامات خود نشان داده اند

۵۰



IRTE.IR

اقتصاد

● شماره اول - تیر ۱۴۰۲ ●

در گذشته،
دولت‌ها
معمولا در
چهار سال اول
فعالیت‌های
خود، نرخ ارز
رابه صورت
مصنوعی ثابت
نگه می‌داشتند
و در عوض
تغییرات تورم
رانادیده
می‌گرفتند



معظم رهبری سال کنترل تورم و رشد تولید نامگذاری شده است، بایستی براساس نظریه و تئوری برنامه های ثبات اقتصادی را اجرا کنیم. به گفته رئیس شورای پول و اعتبار، ضریب تغییرات بالا در نرخ ارز یکی از معضلات در اقتصاد کشور است و به همین دلیل سیاست تثبیت اقتصادی از اهمیتی بالا برخوردار است. لذا برای شناخت بهتر این سیاست و چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی آن، در میزگردی با حضور دو تن از کارشناسان مسائل اقتصادی و بانکی در این زمینه به گفت‌وگو پرداختیم.

دکتر جمشید عدالتیان شهرداری، رئیس اتحادیه صنف کارآفرینان، عضو هیات علمی دانشگاه تهران (دکترای اقتصاد از دانشگاه کلن آلمان) و محمدمهدی رئیس زاده عضو و مشاور بانکی اتاق بازرگانی ایران، در پاسخ به سوالات ما، نظرات و پیشنهادات خود را در مورد سیاست تثبیت اقتصادی بیان کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت:

رسیدن به ثبات اقتصادی و فضای پیش‌بینی پذیر برای فعالان و کارآفرینان اقتصادی، یکی از نیازهای اساسی است. در دولت سیزدهم، سیاست تثبیت اقتصادی به عنوان یک راهبرد اصلی بانک مرکزی اعلام شده است. هدف این سیاست، کنترل تورم و رسیدن به ثبات اقتصادی است. این سیاست با حمایت و استقبال بسیاری از فعالان و تحلیل‌گران اقتصادی مواجه شده است.

رئیس کل بانک مرکزی اخیرا در همایش سیاست‌های پولی و ارزی، در خصوص سیاست تثبیت اقتصادی عنوان کرد: سیاست‌ها و اقدامات طراحی شده توسط دولت و بانک مرکزی طی دوره بی‌ثباتی اقتصادی (رکود، تورم، بیکاری، بحران بدهی و...) در راستای بازگرداندن ثبات به اقتصاد است و با توجه به اینکه امسال توسط مقام



پیشنهاد من این است که با توجه به تجربیات گذشته، چارچوبی را تعیین و در آن مشخص کنیم که بخشنامه‌های صادراتی، ارزی، گمرکی، و تولیدی، در طول سال یکسان و بدون تغییر خواهند بود



ضرورت و اهمیت به ثبات رسیدن اقتصاد و تحقق فضای پیش بینی پذیری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• **عبدالتیان:** رشد بنگاه‌های اقتصادی و کارآفرینان منجر به رشد اقتصادی در کشور می‌شود. یک بنگاه اقتصادی زمانی که در حال شکل‌گیری است، باید بتواند حداقل برای پنج سال آینده برنامه‌ریزی کند و برای تولیدکنندگان فعال نیز پیش‌بینی یک سال آینده ضروری است تا مواد اولیه را تهیه، تولید و در نهایت عرضه کنند. عدم وجود ثبات اقتصادی مانع از این پیش‌بینی‌ها می‌شود و باعث ایجاد ابهام در طرح‌های توجیهی جهت تأسیس بنگاه‌ها و مشکلات برای تولیدکنندگان فعلی می‌شود.

کارآفرینان ما علیرغم نوسانات و مشکلات اقتصادی توانسته‌اند کار خود را ادامه دهند، اما با مشکلات فراوانی نیز روبرو بوده‌اند. به عنوان مثال، شیوع کرونا در پنج سال گذشته یک وقفه غیرمعمول در اقتصاد ایجاد کرد.

• **رئیس‌زاده:** برای دستیابی به شرایط تثبیتی در اقتصاد، ایجاد اعتماد عمومی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. تورم یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی اقتصادی است و با توجه به اینکه مبارزه با تورم یکی از وظایف بانک مرکزی است، طبیعتاً ثبات اقتصادی به تقویت پول ملی نیز منجر می‌شود. این موضوع نیازمند حذف تحریم‌های اقتصادی، ایجاد گشایش‌های اعتباری و پولی بین‌المللی، و همچنین رفع مسائل مربوط به خودتحریمی داخلی است. مثلاً، بنگاه‌های تولیدی بجای تمرکز بر کار اصلی خود که توسعه، تقویت تولید و تکنولوژی و افزایش بهره‌وری است، با مشکلات و بخشنامه‌های متعدد مالیاتی، تأمین اجتماعی، استاندارد، محیط زیست و غیره مواجه هستند که به عنوان مواردی از خودتحریمی محسوب می‌شوند و باید حل و فصل شوند.

چرا در سیاست تثبیت اقتصادی، کنترل نرخ ارز و جلوگیری از جهش‌های ارزی، اهمیت دارد؟

• **عبدالتیان:** در اقتصاد جهانی، تفاوت تورم داخلی و تورم خارجی معیار مناسبی برای تعیین ارزش پول ملی است. از این رو، بانک مرکزی باید با کنترل تورم، ارزش پول را حفظ و تقویت کند. لذا برای رسیدن به این هدف، لازم است که نقدپنگی و کسری بودجه دولت را مدیریت کرده و از چاپ اسکناس بدون پشتوانه خودداری شود. اگر تورم را تک رقی کنیم، ثبات اقتصادی نسبی حاصل

می‌شود. به همین دلیل است که رهبر انقلاب هم در شعار سال، تورم و تولید را در کنار هم قرار دادند. از این رو، بانک مرکزی باید در راستای تحقق این شعار و رسیدن به ثبات در اقتصاد، استقلال لازم را داشته باشد و نقدپنگی را کنترل کند. البته باید توجه داشت که بعضی از چالش‌های اقتصادی خارج از کنترل بانک مرکزی هستند؛ مانند شیوع ویروس کرونا در سراسر جهان یا جنگ بین روسیه و اوکراین که به تورم شدید در اروپا منجر شد. لذا در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی، دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه نیز حائز اهمیت است.

در گذشته، دولت‌ها معمولاً در چهار سال اول فعالیت‌های خود، نرخ ارز را به صورت مصنوعی ثابت نگه می‌داشتند و در عوض تغییرات تورم را نادیده می‌گرفتند. از این رو در چهار سال دوم فعالیت دولت‌ها، نرخ ارز با جهش فزاینده مواجه شده‌اند. اما در سیاست جدید بانک مرکزی، نظامی به کار گرفته شده است که نرخ ارز با تورم همگام شده و همچنین به تدریج و به طور مداوم مطابق با تورم تنظیم می‌شود. به نظر من، این رویکرد، کاملاً منطقی و درست است و از جهش فزاینده نرخ ارز جلوگیری خواهد کرد.

• **رئیس‌زاده:** در سال‌های اخیر، دریافتیم که تأثیر روانی نرخ ارز بر قیمت‌ها بیشتر از شاخص‌های اقتصادی است. براساس بررسی‌های اتاق بازرگانی، در بسیاری از کشورها نظیر آلمان، وقتی کمبود انرژی پدید می‌آید، در وهله نخست، خانوارها را به جیره‌بندی وادار می‌کنند و در آخر به سراغ تولیدکنندگان می‌روند؛ چون کاهش تولید باعث کاهش GDP می‌شود. ولی در کشور ما، عکس این حالت می‌گیرد و در همان ابتدا دست به کاهش تولید می‌زنیم. این موضوع نیازمند اصلاح است. زیرا تورم را نمی‌توان با قطع یا کاهش تولید کنترل کرد. این کار باعث کاهش بهره‌وری و افت رشد اقتصادی می‌شود که خارج از حوزه وظایف بانک مرکزی است. سایر نهادها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها باید در این زمینه همکاری و اقدامات موثری داشته باشند. برخی از صنایع صادرات‌محور مانند صنایع پتروشیمی و فولادی، باید ارزش حاصل از صادرات را به چرخه اقتصادی کشور بازگردانند. بنابراین توجه به تداوم رشد تولید برای افزایش صادرات ضروری است. پیشنهاد من این است که با توجه به تجربیات گذشته، چارچوبی را تعیین و در آن مشخص کنیم که بخشنامه‌های صادراتی، گمرکی، ارزی و تولیدی، در طول سال یکسان و بدون تغییر خواهند بود.

آقای فرزین به
عنوان رئیس
کل بانک
مرکزی، در
چند ماه
اخیر، شهامت
و تخصص
لازم را در
تصمیم‌گیری‌ها
واقدمات خود
نشان داده‌اند



باشیم. علاوه بر این، نکته مهم دیگری که باید به آن پرداخت، استقلال بانک مرکزی است که باید به رسمیت شناخته شود و سایر قوا و نهادها نیز به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند.

● **رئیس‌زاده:** استقلال بانک مرکزی یکی از شرط‌های لازم برای اجرای سیاست تثبیت اقتصادی است که بخش خصوصی نیز از آن حمایت می‌کند. خوشبختانه آقای فرزین در چندین مورد نشان دادند که در تصمیم‌گیری‌های تخصصی، شجاع و صاحب نظر هستند. بانک مرکزی باید از اتاق فکرهای مختلف و تشکلهای اقتصادی استفاده کند و با آنها هم‌فکری داشته باشد. همچنین باید به این نکته توجه کنیم که تولید در دنیا معیار رشد و توسعه است. ما در بسیاری از بازارها مانند روسیه فرصت‌های مناسبی برای صادرات و ارزآوری داریم، اما به دلیل کمبود تولید، از این فرصت‌ها به خوبی استفاده نمی‌کنیم. بنابراین رشد تولید باید در اولویت قرار گیرد و برای آن اقدامات خاصی صورت گیرد. البته این کار نیز نیازمند همکاری سایر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها است. موضوع مهم دیگر که در خصوص سیاست تثبیت اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد، وضعیت ناتوانی بانک‌هاست. این مساله باعث شده است که بانک‌ها نتوانند به خوبی نقش خود را در تأمین منابع مالی بخش‌های تولیدی و صادراتی ایفا کنند. امیدوارم با تلاش و برنامه‌ریزی بانک مرکزی، تعداد زیاد بانک‌ها در کشور، با در نظر گرفتن نیاز اقتصاد کشور، تعدیل شوند و شاهد حل مشکلات بانک‌های ناتوان باشیم.

پیشنهاد شما برای اجرای موفقیت آمیز سیاست تثبیت اقتصادی در راستای کنترل تورم و ثبات اقتصادی چیست؟

● **عدالتیان:** ما به عنوان فعالان اقتصادی و استادان دانشگاه، خوشحال هستیم که بانک مرکزی به وظایف خود با جدیت بپردازد. وظایفی که در گذشته شاهد کوتاهی در انجام آن‌ها بودیم. آقای فرزین به عنوان رئیس کل بانک مرکزی، در چند ماه اخیر، شهامت و تخصص لازم را در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود نشان داده‌اند. بانک مرکزی ابزارهای مناسبی مانند مرکز مبادله ارز و طلای ایران و کارشناسان مجرب را فراهم کرده است. ما نیز به عنوان عضوی از جامعه کارآفرینان، اساتید دانشگاه و نمایندگان بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی، آماده هستیم که در راستای تحقق اهداف بانک مرکزی در اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، همکاری و حمایت کنیم. هرچند کار سخت و چالش برانگیزی است، اما شدنی است. هر مشکلی یک راه حل دارد و ما اعتقاد داریم که آقای فرزین اراده و همت لازم را دارند. امیدواریم تمام اقدامات در اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، با موفقیت همراه شود و شعار سال رهبر انقلاب یعنی رشد تولید و مهار تورم تحقق پیدا کند. البته باید توجه داشت که در این مسیر، نقش وزارت صنعت، معدن و تجارت در تقویت تولید بسیار حیاتی است. به عبارت دیگر، کنترل تورم فقط با کنترل نقدینگی محقق نخواهد شد و باید تولید رونق گیرد تا رشد اقتصادی داشته



راهبردهای بانک مرکزی به ریل درست بازگشت

● از زمانی که آقای فرزین به بانک مرکزی آمده، کنترل نرخ تورم از طریق کنترل رشد نقدینگی در دستور کار قرار گرفته است



دکترهادی حق شناس /
اقتصاددان و نماینده اسبق مجلس

اگر بانک مرکزی به سراغ مدیریت شناور در بازار ارز برود و مانع از رهاسازی نرخ ارز شود و برای یکسان سازی نرخ ارز حرکت کند، این می تواند دستاورد خوبی برای اقتصاد باشد. مدیریت شناور به معنای رهاسازی نرخ ارز نیست. بانک مرکزی ضرورت دارد تا در بازار ارز مداخله کند، با این هدف که بازار به سمت تک نرخ شدن هدایت شود. نتیجه این می شود که اقتصاد پیش بینی پذیر می شود. همچنین دیگر کسی برای دریافت ارز دولتی صف نمی کشد، زیرا ارز دولتی منجر به فساد می شود. در بازار ارز وقتی نرخ واقعی می شود، اتلاف منابع نیز به حداقل می رسد و رانت از بین می رود و در نهایت به کنترل تورم و رشد تولید منجر خواهد شد.

در حقیقت هنگامی که بانک مرکزی با هدف حذف و کاهش نرخ های متعدد ارز در بازار مداخله می کند، یک علامت بزرگ برای بخش صادرات و واردات است تا مشخص شود که آن نرخ برای صادرات و واردات توجیه اقتصادی دارد یا خیر. در کنار این موارد باید توجه داشت که موضوع واردات و تامین کالاها اساسی، جدا از این بحث است و دولت ها متولی آن هستند. کنترل نرخ ارز و کنترل نقدینگی، جدا از یکدیگر نیستند و لازم و ملزوم هستند. در حقیقت هنگامی که نرخ ارز در بازار واقعی شود و خبری از نوسانات نباشد، تقاضا برای نقدینگی هم کاهش پیدا می کند. اگر تقاضا برای نقدینگی افزایشی باشد، به دلیل واقعی نبودن نرخ ارز است. به عنوان مثال در گذشته هنگامی که دلار ۴۲۰۰ تومانی آمد، تقاضا برای نقدینگی افزایش یافته بود. لذا اقتصاد مجموعه بهم پیوسته است و یک بسته سیاست گذاری باید ارائه کرد.

مهم ترین و اصلی ترین وظیفه بانک مرکزی، تقویت پول ملی است. ابزار تقویت پول ملی، کنترل رشد نقدینگی و همچنین کنترل و تنظیم نرخ بهره است. منظور از کنترل نرخ بهره، تثبیت آن توسط بانک مرکزی نیست، اتفاقی که در یکی دو سال گذشته در ترکیه افتاد و با کاهش دستوری نرخ بهره، تورم بیش از ۷۰ درصدی رقم خورد. لذا اگر بانک مرکزی بتواند سازوکاری را انتخاب کند تا دنباله روی سیاست های مالی و بودجه ای نباشد؛ بلکه سیاست مستقل پولی، با حفظ استقلال بانک مرکزی را انجام بدهد، بزرگترین خدمت به دولت و ملت خواهد بود و شاهد ثبات اقتصادی خواهیم بود.

اگرچه افکار عمومی تورم را محصول عملکرد دولت ها می دانند، اما اگر بانک مرکزی کارآمد و مستقل داشته باشیم، بخش قابل توجهی از تورم قابل کنترل است. لذا به نظر می رسد در دوره جدید بانک مرکزی به ریاست آقای فرزین، راهبرد و هدف کنترل نرخ تورم از طریق کنترل رشد نقدینگی است. در نتیجه این راهبرد خدمت بزرگی برای کشور خواهد بود. کنترل بازار ارز زمانی برای اعلام یک نرخ است و یک بار هم برای هدایت بازار به سمت تک نرخ شدن نرخ ارز است، این در حالی است که ما در چهار دهه گذشته، انواع سیاست های ارزی را شاهد بودیم و در این مدت، زمانی موفق بودند که به سراغ سیاست یکسان سازی نرخ ها رفتند. هر زمانی که تعداد نرخ ها کمتر بوده، بانک مرکزی نیز در سیاست گذاری ارزی موفق بوده است.

ضرورت دارد تا بانک مرکزی در بازار ارز مداخله کند، با این هدف که بازار به سمت تک نرخ شدن هدایت شود





اقتصاد ایران روی موج رشد

دکتر حسین جعفری /

پژوهشگر اقتصادی



۵۵



IRTE.IR

اقتصادنا

شماره اول - تیر ۱۴۰۲

قیمت پایه و به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ از ۱۴۵۷۱/۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ به ۱۵۱۵۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است و این به آن معناست که در طی این مدت رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۴ درصد رشد پیدا کرده است.

در پایان خرداد ماه سال جاری، اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی، محاسبات آماری و برآوردهای انجام شده در رابطه با تولید ناخالص داخلی را اعلام کرد. براساس برآوردهای اولیه توسط این نهاد، تولید ناخالص داخلی کشور به

آمارها حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته مخارج مصرف نهایی بخش خصوصی ۸/۷ درصد، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۶/۷ درصد، صادرات کالاها و خدمات ۸/۲ درصد و واردات کالاها و خدمات نیز ۷/۵ درصد رشد داشته اند

به عبارت دیگر و با توجه به وضعیت کلی اقتصاد ایران، محاسبات فصلی گویای آن است که اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته با رشد اقتصادی مواجه بوده است. برآورد ارزش افزوده فعالیت‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که علت عمده افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را باید در افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های صنعت، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیروسایل نقلیه، موتوری، حمل و نقل و انبارداری، نفت و گاز، اطلاعات و ارتباطات جست و جو نمود؛ که سهم ارزش افزوده هر کدام از فعالیت‌های مذکور در نرخ رشد ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی طی سال ۱۴۰۱ به ترتیب معادل ۱/۴، ۰/۸، ۰/۸، ۰/۸، ۰/۸ و ۰/۴ درصد اندازه‌گیری شده است. در این بین رشد ارزش افزوده گروه نفت در سال ۱۴۰۱ نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر بوده و در این سال بیش از ۱۰ درصد رشد را تجربه کرده است. نتایج حاصل از برآوردهای اولیه در این زمینه گویای آن است که افزایش نرخ رشد ارزش افزوده این گروه طی دوره مذکور، ناشی از افزایش تولید و صادرات نفت خام و گاز طبیعی و هم‌چنین صادرات میعانات گازی نسبت به سال قبل بوده است. نکته قابل ذکر دیگری که در خصوص این آمارها قابل ذکر است به نرخ رشد ارزش افزوده گروه کشاورزی و گروه صنایع و معادن مربوط می‌شود که این دو گروه نسبت به سال گذشته به ترتیب رشدی

معادل ۵/۱ و ۵/۴ را ثبت نموده‌اند. از سوی دیگر در سمت تقاضای اقتصاد و براساس برآوردهای اولیه در خصوص اقلام هزینه‌ای اقتصاد، آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که در مجموع رشد هزینه ناخالص داخلی به قیمت بازار در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال قبل ۳/۸ درصد افزایش یافته است. در این خصوص آمارها حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته مخارج مصرف نهایی بخش خصوصی ۸/۷ درصد، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۶/۷ درصد، صادرات کالاها و خدمات ۸/۲ درصد، واردات کالاها و خدمات ۷/۵ درصد رشد داشته‌اند و تنها مخارج مصرف نهایی بخش دولتی است که با رشد منفی مواجه بوده و نسبت به سال گذشته ۳/۶ درصد کاهش یافته است. در پایان آنچه که از افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد تشکیل سرمایه در سال ۱۴۰۱ برای اقتصاد ایران می‌توان برداشت کرد این است که با حفظ روند موجود و شکل‌گیری دورنماهای مثبت در اقتصاد ایران می‌توان رشد را برای سال‌های آتی نیز متصور بود. یکی از مواردی که این امیدواری را بیش از پیش نمایان می‌کند؛ مربوط به سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع و ماشین‌آلات است که رشد قابل توجهی در سال ۱۴۰۱ داشته است و به‌طور طبیعی با تکمیل فرآیند استقرار ماشین‌آلات صنعتی و بکارگیری آن‌ها در فرآیند تولید، می‌توان انتظار استمرار رشد اقتصادی در سال‌های آتی را داشت.

رشد تولید ناخالص داخلی بر حسب فعالیت‌های اقتصادی (درصد)

سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۰	به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵
۱/۱	-۶/۲	ارزش افزوده گروه کشاورزی
۱۰	۱۰/۱	ارزش افزوده گروه نفت
۶/۵	۱/۱	ارزش افزوده گروه صنایع و معادن
۲/۷	۶/۵	ارزش افزوده گروه خدمات
۴	۴/۴	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه

رشد تولید ناخالص داخلی بر حسب اقلام هزینه‌ای (درصد)

سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۰	به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵
۸/۷	۳/۹	مخارج مصرفی نهایی بخش خصوصی
-۳/۶	۸/۳	مخارج مصرف نهایی بخش دولتی
۶/۷	۰	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۸/۲	۵/۲	صادرات کالاها و خدمات
۷/۵	۲۴/۱	واردات کالاها و خدمات
۳/۸	۴/۷	هزینه ناخالص داخلی به قیمت بازار

همه چیز درباره سیاست تثبیت ارزی

- یکی از مهم ترین مزایای استفاده از سیاست تثبیت نرخ ارز، کاهش نوسانات نرخ ارز است
- با تثبیت نرخ ارز، قیمت کالاهای وارداتی به طور مستقیم تحت تأثیر نرخ ارز قرار نمی گیرند و بنابراین تورم وارداتی کاهش می یابد
- تثبیت نرخ ارز می تواند به تسهیل انجام معاملات بین المللی کمک کند

دکتر سیدفرهاد موحدی /

پژوهشگر اقتصادی



براساس تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته است، زمانی که اقتصاد یک کشور به دلایلی همچون وابستگی زیاد به واردات (به خصوص در مواد اولیه تولید و کالاهای واسطه‌ای)، تورم بالا، انتظارات تورمی، نوسانات نامنظم در نرخ ارز شناور و... با مشکلاتی روبرو باشد، سیاست تثبیت نرخ ارز می‌تواند به عنوان یک راهکار مناسب مطرح شود

۵۸



• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

امروزه، کنترل تورم و تثبیت اقتصادی به یکی از اصلی‌ترین اهداف دولت‌ها تبدیل شده است. هر کشوری در راستای تأمین این دو هدف سیاست‌های کلی خود را شکل می‌دهد. یکی از روش‌هایی که برخی کشورها برای دستیابی به این اهداف به کار می‌برند، سیاست تثبیت نرخ ارز است. سیاست تثبیت نرخ ارز، به معنای تثبیت نرخ ارز است. سیاستی گفته می‌شود که بانک مرکزی، یک نرخ ثابت برای تبادل پول خارجی با پول داخلی تعیین کرده و با مدیریت بازار ارز، سعی می‌کند این نرخ را حفظ کند. این سیاست می‌تواند در کنترل تورم و تثبیت اقتصادی بسیار مؤثر باشد، اما همچنین ممکن است با چالش‌هایی نیز روبرو شود. باید توجه داشت که اجرای موفق سیاست تثبیت نرخ ارز بستگی بسیار زیادی به شرایط اقتصادی و سیاسی هر کشوری دارد و ممکن است برای برخی کشورها مناسب و برای برخی دیگر نامناسب باشد. براساس تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته است، زمانی که اقتصاد یک کشور به دلایلی همچون وابستگی زیاد به واردات (به خصوص در مواد اولیه تولید و کالاهای واسطه‌ای)، تورم بالا، انتظارات تورمی، نوسانات نامنظم در نرخ ارز شناور و... با مشکلاتی روبرو باشد، سیاست تثبیت نرخ ارز می‌تواند به عنوان یک راهکار مناسب مطرح شود. با تثبیت نرخ ارز، تولیدکنندگان قادر خواهند بود تا میزان مواد اولیه و کالاهای وارداتی را با قیمت ثابت و پایدارتری انجام دهند. این می‌تواند به کاهش نوسانات ناخواسته قیمت‌ها و هزینه‌ها منجر شود و برای صنایع داخلی پایداری و اطمینان ایجاد کند. اجرای این سیاست با دستیابی به ثبات در نرخ ارز، افزایش قدرت خرید و کاهش هزینه‌های وارداتی می‌تواند به مقابله با تورم و کاهش انتظارات تورمی کمک کند که اثرات مثبتی بر قیمت‌های داخلی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشور خواهد داشت. لذا، اجرای این سیاست، مستلزم تحلیل دقیق و بررسی کارشناسانه شرایط کشور است تا مشخص شود که آیا این سیاست با وضعیت کنونی و همچنین با اهداف و منافع کشور همسو خواهد بود یا خیر؟

مزایای استفاده از سیاست تثبیت نرخ ارز در کنترل تورم و رسیدن به تثبیت اقتصادی

درک کامل از هر سیاست اقتصادی نیازمند درک گسترده‌ای از نتایج اجرای آن است. سیاست تثبیت نرخ ارز نیز از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به اینکه نرخ ارز یکی از عوامل اصلی و تعیین‌کننده اقتصاد هر کشور است، لذا تأثیرات آن بر اقتصاد کلان، میزان تجارت خارجی، تورم، سرمایه‌گذاری و بسیاری از جنبه‌های دیگر اقتصاد ملی، وسیع و عمیق است. این سیاست می‌تواند در کوتاه‌مدت برای کشورها مفید باشد، به خصوص زمانی که آنها با نوسانات شدید ارز روبرو هستند. همچنین می‌تواند برای حفظ اعتماد به نظام اقتصادی و جلوگیری از بروز بحران‌های مالی احتمالی، اثرات مثبتی داشته باشد. با این حال، تأکید بر کوتاه‌مدت نباید مانع از درک و بررسی تأثیرات بلندمدت و تداوم این سیاست شود. لذا در ادامه به بررسی مزایای سیاست تثبیت نرخ ارز خواهیم پرداخت و نحوه تأثیر آن بر شرایط اقتصادی کشور را بررسی خواهیم کرد.

۱. کاهش نوسانات نرخ ارز:

نوسانات نرخ ارز به معنای تغییرات غیرمنتظره و ناگهانی در قیمت یک واحد پول خارجی نسبت به پول داخلی است. این نوسانات می‌تواند بر روی فعالیت‌های اقتصادی، تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری، تورم و رشد اقتصادی تأثیر منفی داشته باشد. برای مثال، افزایش ناگهانی نرخ ارز می‌تواند باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی شده و در نتیجه تورم را تشدید کند. همچنین، کاهش ناگهانی نرخ ارز می‌تواند منجر به کاهش صادرات کشور شده و در نتیجه ترمز رشد اقتصادی را بکشد.

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از سیاست تثبیت نرخ ارز، کاهش نوسانات نرخ ارز است. این کاهش نوسانات به ویژه در کشورهایی که واردات بزرگی دارند، می‌تواند به پایدارتر شدن قیمت‌های داخلی کمک کند. همچنین، کاهش نوسانات نرخ ارز می‌تواند برای صادرکنندگان کشور نیز مفید باشد، زیرا ریسک نوسان نرخ ارز را برای آن‌ها کاهش می‌دهد. در واقع، با تثبیت نرخ ارز، قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی به طور مستقل از تغییرات پول خارجی تعیین می‌شوند. این باعث می‌شود که قابل پذیرش بودن قیمت‌های داخلی بالا رفته و تورم را کنترل کند.

۲. کاهش تورم وارداتی:

تورم وارداتی به معنای افزایش قیمت‌های

داخلی به دلیل افزایش قیمت کالاهای وارداتی است. این افزایش قیمت کالاهای وارداتی معمولاً به دلیل افزایش نرخ ارز یا کاهش قدرت خرید پول داخلی در برابر پول خارجی رخ می دهد. برای مثال، اگر نرخ ارز یک کشور نسبت به دلار آمریکا افزایش یابد، قیمت کالاهای وارداتی که با دلار خریداری می شوند، بالاتر خواهد رفت. این باعث می شود که تورم وارداتی در کشور رخ دهد.

در کشورهایی که وابستگی زیادی به واردات دارند، تورم وارداتی یکی از عوامل مهم افزایش تورم است. با تثبیت نرخ ارز، قیمت های کالاهای وارداتی به طور مستقیم تحت تأثیر نرخ ارز قرار نمی گیرند، و بنابراین تورم وارداتی کاهش می یابد. این امر در نهایت می تواند به کنترل تورم کشور کمک کند.

۳. افزایش اعتماد سرمایه گذاران:

اعتماد سرمایه گذاران به معنای اطمینان آن ها به پایداری و رشد اقتصاد کشور است. این اعتماد می تواند بر روی سرمایه گذاری، تولید، اشتغال و درآمد تأثیر مثبت داشته باشد. برای جلب اعتماد سرمایه گذاران، باید عواملی مانند پایداری قیمت ها، پیش بینی پذیری سیاست ها، امنیت حقوقی و سیاسی و دسترسی به بازارها را در نظر گرفت.

سیاست های تثبیت نرخ ارز می توانند اعتماد سرمایه گذاران خارجی و داخلی را به اقتصاد کشور افزایش دهند. این اعتماد بیشتر به دلیل کاهش ریسک نوسانات نرخ ارز و پیش بینی پذیری بیشتر نرخ تبدیل ارز ایجاد خواهد شد. افزایش اعتماد سرمایه گذاران می تواند منجر به جذب سرمایه های بیشتر و رشد اقتصادی شود. با تثبیت نرخ ارز، بانک مرکزی يك سیاست واضح و قابل فهم را در قبال نرخ تبادل پول خارجی دارد و در نتیجه عدم قطعیت را کاهش می دهد. این باعث می شود که سپرده گذاران و سرمایه گذاران بتوانند به راحتی برنامه ریزی کنند و هزینه های تبدیل ارز را کاهش دهند.

۴. تسهیل انجام معاملات بین المللی:

معاملات بین المللی به معنای خرید و فروش کالا و خدمات بین کشورهای مختلف است. این معاملات می تواند برای توسعه تجارت، افزایش درآمد، اشتغال و رشد اقتصادی مفید باشد. برای انجام معاملات بین المللی، باید پول داخلی را به پول خارجی تبدیل کرد و برعکس. این تبدیل پول معمولاً هزینه ها و ریسک هایی را به همراه دارد. از این رو، تثبیت نرخ ارز می تواند

به تسهیل انجام معاملات بین المللی نیز کمک کند. وقتی که نرخ ارز ثابت است، پول داخلی در بازار جهانی قابل پذیرش تر خواهد بود و در نتیجه قابل تبادل با سایر پول های خارجی می شود. این باعث می شود که شرکت ها و کسب و کارها بتوانند به راحتی پول خود را تبادل کنند و از فرصت های تجارت بین المللی بهره ببرند. این امر می تواند همکاری های تجاری بین المللی را تسهیل کند و باعث رشد صادرات و واردات شود.

۵. کاهش هزینه های پوشش ریسک نوسان نرخ ارز:

ریسک نوسانات نرخ ارز به معنای احتمال تغییرات غیرمنتظره و نامطلوب در قیمت یک واحد پول خارجی نسبت به پول داخلی است. این ریسک می تواند بر روی سود و زیان شرکت ها و کسب و کارهایی که در تجارت بین المللی فعالیت دارند، تأثیر منفی داشته باشد. برای مثال، زمانی که یک شرکت داخلی کالایی را با پول خارجی خریداری می کند و قرار است در آینده با پول داخلی پرداخت را انجام دهد، اگر نرخ ارز افزایش یابد، هزینه پرداخت شرکت بالاتر خواهد رفت. همچنین، زمانی که یک شرکت داخلی کالایی را با پول داخلی می فروشد و قرار است در آینده با پول خارجی دریافت نماید، اگر نرخ ارز کاهش یابد، درآمد شرکت پایین تر خواهد رفت.

برای جلوگیری از این ریسک، شرکت ها و کسب و کارها معمولاً از روش های مختلف پوشش ریسک استفاده می کنند. این روش ها معمولاً شامل قراردادهای مشتقات مالی، مانند فوروارد، فیوچرز، سوآپ و آپشن هستند. این قراردادها به شرکت ها و کسب و کارها اجازه می دهند که قبلاً یک نرخ تبادل پول خارجی با پول داخلی را تعیین کنند و در زمان مقرر، با آن نرخ تبادل کنند. با این کار، شرکت ها و کسب و کارها، خود را در برابر تغییرات نامطلوب نرخ ارز محافظت می کنند.

از این رو، هنگامی که نرخ ارز ثابت است، شرکت ها و کسب و کارها نیاز کمتری به پوشش ریسک نوسان نرخ ارز خواهند داشت. لذا این کاهش نیاز به پوشش ریسک می تواند هزینه های مربوط به این امر را کاهش داده و در نتیجه سودآوری شرکت ها را افزایش دهد.

نکات مهم در استفاده از سیاست تثبیت نرخ ارز

با وجود مزایایی که برای سیاست تثبیت نرخ ارز بیان شده است، در نظر گرفتن مشکلاتی که

با تثبیت نرخ ارز، بانک مرکزی يك سیاست واضح و قابل فهم را در قبال نرخ تبادل پول خارجی دارد و در نتیجه عدم قطعیت را کاهش می دهد



سیاست
تثبیت نرخ ارز
باید با سایر
سیاست‌های
اقتصادی
کشور، مانند
سیاست‌های
مالی و
پولی، همخوانی
و همسویی
داشته باشد



خارجی هماهنگ شده و بتواند واکنش‌های مناسبی در روبرویی با شرایط گوناگون از خود نشان دهد.

• **داشتن منابع ارزی کافی:** منابع ارزی به معنای مجموعه‌ای از پول‌های خارجی و اوراق قرضه خارجی است که بانک مرکزی یک کشور در اختیار دارد. در واقع بانک مرکزی با استفاده از این منابع ارزی می‌تواند نرخ ارز را حفظ کرده و در صورت لزوم، در بازار ارز مداخله کند.

برای حفظ یک نرخ ارز ثابت، بانک مرکزی باید دارای منابع ارزی کافی باشد تا توانایی لازم جهت مداخله در بازار ارز را داشته باشد. در صورت کمبود منابع ارزی، بانک مرکزی ممکن است نتواند نرخ ارز را در برابر فشارهای خارجی حفظ کند و در نتیجه نظام‌های پولی و ارزی کشور به طور جدی آسیب ببینند.

• **هماهنگی با سیاست‌های دیگر:** هماهنگی با سیاست‌های دیگر به این معناست که سیاست تثبیت نرخ ارز باید با سایر سیاست‌های اقتصادی کشور، مانند سیاست‌های مالی و پولی، همخوانی و همسویی داشته باشد. در صورت عدم هماهنگی میان سیاست‌ها و نهادهای

ممکن است با آنها روبه‌رو شویم نیز حائز اهمیت است. به منظور پیشگیری از عدم موفقیت این سیاست، لازم است جزئیات اجرای آن به طور دقیق مدنظر قرار گیرد. به همین دلیل، جهت بهبود عملکرد این سیاست به منظور کنترل تورم و دستیابی به تثبیت اقتصادی، در ذیل مواردی برای فرآیند اجرایی سیاست تثبیت نرخ ارز پیشنهاد می‌شود:

• **اعتماد عمومی:** بانک مرکزی باید بتواند اعتماد عمومی را جلب کند که این سیاست برای مدت طولانی پایدار خواهد بود. این اعتماد می‌تواند با ارائه اطلاعات شفاف و دقیق به عموم و همچنین برقراری گفت‌وگو با اقتصاددانان و تحلیلگران اقتصادی برقرار شود.

• **انعطاف‌پذیری در سیاست تثبیت نرخ ارز:** به جای تثبیت کامل نرخ ارز، ممکن است استفاده از یک نرخ هدف با انعطاف‌پذیری محدود مؤثرتر باشد. انعطاف‌پذیری در سیاست تثبیت نرخ ارز به این معناست که بانک مرکزی در صورت لزوم مجاز خواهد بود تا نرخ ارز را در یک بازه مشخص تغییر دهد. این تغییرات به بانک مرکزی کمک می‌کند تا با شرایط تغییرپذیر بازار و عوامل



باید توجه داشت که خروج ناگهانی از این سیاست (تثبیت) نیز می تواند مجدد به بروز نااطمینانی و ناپایداری اقتصادی منجر شود و ضربه مهلکی به نظام پولی و ارزی کشور بزند

سیاست های دیگر نیز با آن همسو باشند و به گونه ای باشند که هدف های اقتصادی کلان کشور را حفظ کنند. لذا بعضی از سیاست های که می توان با سیاست تثبیت نرخ ارز همخوانی داد عبارت اند از:

سیاست پولی مناسب: يك سیاست پولی مناسب باید به حفظ پایداری قیمت ها و کنترل تورم کمک کند. بعضی از روش هایی که می توان برای دستیابی به این هدف به کار برد عبارت اند از: تعیین يك هدف تورم، استفاده از نرخ بهره به عنوان ابزار اصلی سیاست پولی، استقلال بانک مرکزی و شفافیت در اعلام سیاست ها و تصمیمات.

سیاست مالی متعادل: یک سیاست مالی متعادل باید به حفظ تعادل بودجه دولت و کاهش بدهی خارجی کمک کند. بعضی از روش هایی که می توان برای دستیابی به این هدف به کار برد عبارت اند از: تنظیم درآمدها و هزینه های دولت، اصلاح ساختار مالیاتی، کاهش هزینه های غیر ضروری و افزایش سرمایه گذاری عمومی.

● **برنامه ریزی برای آینده:** به رغم مزایایی که برای سیاست تثبیت نرخ ارز برشمردیم، باید توجه داشت که خروج ناگهانی از این سیاست نیز می تواند مجدد به بروز نااطمینانی و ناپایداری اقتصادی منجر شود و ضربه مهلکی به نظام پولی و ارزی کشور بزند. لذا بانک مرکزی باید برای زمانی که می خواهد این سیاست را تغییر دهد یا از آن خارج شود نیز، برنامه ریزی کند. این برنامه ریزی می تواند شامل یک سری اقدامات گام به گام باشد تا از وقوع ناپایداری های ناگهانی در بازار ارز جلوگیری کند.

در نهایت، بر اساس آنچه مطرح شد، می توان گفت سیاست تثبیت نرخ ارز بر این باور استوار است که کنترل و ثبات نرخ ارز می تواند نقطه آغازی جهت کنترل تورم و رسیدن به تثبیت اقتصادی باشد. در این سیاست، بانک مرکزی تلاش می کند تا نرخ ارز را در یک سطح معین و ثابت نگه دارد، و این امر به میزان قابل توجهی می تواند بر پایداری اقتصادی کشور تأثیر گذار باشد. به طور کلی، سیاست تثبیت نرخ ارز را می توان یک راهبرد قوی برای تثبیت اقتصادی و کنترل تورم دانست، اما اجرای آن، باید با دقت و همکاری گسترده بانک مرکزی و دیگر نهاد های اقتصادی کشور همراه شود. لذا برای موفقیت در این سیاست، باید به طور ویژه بر روی برنامه ریزی دقیق، پیگیری مداوم و تنظیمات مناسب تمرکز شود.



اقتصادی کشور، ممکن است تضاد و تعارض بین سیاست های مختلف رخ داده و در نتیجه به عملکرد نامطلوب و ناموفق آن ها منجر شود. برای مثال، اگر یک کشور سیاست تثبیت نرخ ارز را پیاده سازی کند، اما در عین حال یک سیاست پولی تورم زا را دنبال کند، ممکن است باعث شود نرخ ارز ثابت با قدرت خرید پول داخلی همخوانی نداشته باشد و در نتیجه بانک مرکزی مجبور شود برای حفظ نرخ ارز ثابت، منابع ارزی زیادی را صرف کند. این امر ممکن است منجر به کاهش منابع ارزی، افزایش بدهی خارجی و کسری تجاری شود.

به همین ترتیب، همچنین اگر یک کشور سیاست تثبیت نرخ ارز را پیاده سازی کند، اما در عین حال یک سیاست مالی بودجه پر را دنبال کند، ممکن است کسری بودجه دولت تشدید شده و در نتیجه بانک مرکزی جهت تأمین بودجه دولت، مجبور به چاپ پول شود. این امر می تواند منجر به افزایش تورم، کاهش قدرت خرید و فشار به نرخ ارز شود.

بنابراین، برای موفق بودن در پیاده سازی سیاست تثبیت نرخ ارز، لازم است که



صیانت از منابع ارزی کشور

• در این بین دو وزارتخانه صمت و جهاد کشاورزی که بیشترین مصارف ارزی را در کشور دارند باید با جدیت بیشتری مدیریت تقاضای ارز در زیربخش های خود و اولویت بندی مصارف ارزی را در دستور کار قرار دهند

دکتر اصغر بالسنینی /
تحلیلگر اقتصادی



مدیریت بازار ارز در شرایط خطیر امروزی کشور مساله ای پیچیده و بسیار حساس است که خوشبختانه بانک مرکزی در دوره فعالیت دکتر فرزین با تدابیر اندیشیده شده از عهده آن برآمده است، اما تداوم این روند حساس مستلزم همکاری سایر دستگاه ها و وزارت خانه هاست.

در ادبیات اقتصادی دو دسته از عوامل سمت عرضه و سمت تقاضای ارز در نوسانات این متغیر کلیدی نقش آفرینی می کنند که در شرایط فعلی کشور به دلیل محدودیت های ظالمانه آمریکا و تحریم های وضع شده که دسترسی به منابع ارزی را سخت کرده، موضوع مدیریت تقاضا اهمیت دوچندان می یابد چرا که صیانت از منابع ارزشمند ارزی در یک وضعیت تحریمی فوق العاده اهمیت دارد.

در این بین دو وزارتخانه صمت و جهادکشاورزی که بیشترین مصارف ارزی را در کشور دارند باید با جدیت بیشتری مدیریت تقاضای ارز در زیربخش های خود و اولویت بندی مصارف ارزی را در دستور کار قرار دهند.

مثلا وزارت صمت که بواسطه مدیریت تولید در کشور بیش از سایر دستگاه ها نسبت به اولویت بندی مصارف ضروری ارزی آگاه است لازم است ضمن مدیریت تقاضای ارزی از گسیل نیازهای غیر ضروری به سمت بانک مرکزی برای تامین ارز جلوگیری کند.

در این بین صنعت خودرو در کشورمان یکی از بزرگترین مصرف کننده های ارز است که در عین حال کمترین ارزآوری را نیز دارد. اگر قرار باشد این صنعت دچار کسری تراز مصارف و منابع باشد طبیعی است که فشار زیادی به سمت تقاضای ارز آورده و نهایتا می تواند تعادل بازار ارز را دچار چالش نماید.

نمونه بارز این مساله تقاضای بالقوه گسترده برای تامین ارز واردات خودرو و قطعات و سایر ملزومات این صنعت است که به تنهایی حدود ۳۰ درصد از صادرات غیر نفتی ۵۳ میلیارد دلاری کشور را می تواند درگیر نماید. اگرچه واردات خودرو به عنوان یک سیاست تعادل بخش به بازار خودرو می تواند مطرح شود اما باید توجه داشت که نیازهای ارزی کشور به گونه ای است که نمی توان منابع ارزی ارزشمند را صرفا به این حوزه اختصاص داد. برآوردهای غیر رسمی نشان می دهد خود

صنعت خودرو سالانه ۶ میلیارد دلار نیاز ارزی دارد. اگر به این عدد ۲ میلیارد دلار ارز مورد نیاز واردات خودروی نو و ۵ میلیارد دلار ارز مورد نیاز واردات خودروی دست دوم هم اضافه شود، مشخص می شود چه تقاضای بالقوه ای در حال شکل گیری است که اگر مدیریت نشود عامل برهم زننده بازار ارز خواهد بود. این مساله نیز فراموش نشود که افزایش نرخ ارز خود یک عامل برهم زننده صنایع کشور و متضرر شدن آنها و نهایتا متضرر شدن مصرف کننده نهایی است.

در چنین شرایطی گسیل تقاضاهای مختلف بدون رتبه بندی اهمیت این نیازها به سمت بازار ارز عامل تشدید ناترازی ها خواهد بود.

یا اینکه سال هاست وزارت جهاد کشاورزی به رغم سیاست های ابلاغی و تاکیدات مقام معظم رهبری نتوانسته خودکفایی در محصولات ارزشمندی مانند نهاده های دامی را عملیاتی نماید و همه ساله منابع ارزی گسترده ای به این بخش اختصاص می یابد. به عنوان مثال اتحادیه واردکنندگان نهاده های دام و طیور ایران با استناد به آمار گمرک اعلام کرده، تا پایان اسفند ماه ۱۴۰۱ معادل ۱۴ میلیون و ۳۴۵ هزار تن نهاده دامی، شامل ذرت، جو و کنجاله سویا با ارزش بیش از ۷ میلیارد دلار وارد کشور شده که مشخص است چه حجم انبوهی از منابع ارزی کشور آن هم ارز نیمایی ۲۸۵۰۰ تومانی به این مساله اختصاص می یابد.

ضمن اینکه بخش کشاورزی بطور سنتی دچار کسری تراز تجاری است و صادرات این بخش همیشه بخش کوچکی از واردات انبوه این بخش را داشته است. در سال ۱۴۰۱ بخش کشاورزی ۵۰۲ میلیارد دلار صادرات و ۱۷۰۸ میلیارد دلار واردات داشته است. این امر بدان معناست که بخاطر غفلت مسئولان بخش کشاورزی همه ساله منابع ارزی گران قیمت کشور به واردات محصولات کشاورزی اختصاص می یابد، در حالی که با برنامه ریزی دقیق امکان داشت به تدریج این عدد کاهش یابد که نشده است.

هنر مدیران وزارتخانه های پرمصرف ارزی مانند صمت و جهاد این است که به جای گسیل تقاضای بی مورد ارزی به سمت بانک مرکزی، غربال دقیقی داشته باشند تا تقاضای انباشته واردات و نیازهای ارزی بازار مهم و استراتژیک ارز را که به معیشت آحاد مردم گره خورده است، دچار چالش نکنند.

صنعت خودرو
در کشورمان
یکی از بزرگترین
مصرف
کننده های ارز
است که در عین
حال کمترین
ارزآوری را نیز
دارد



انتظارات وحشیانه تر از آن چیزی است که فکر می‌کنیم

● رابطه با عربستان در شرایط عادی ارتباطی با حجم نقدینگی و نرخ ارز ندارد، اما می‌بینیم که این خبر بر بازار ارز تأثیر می‌گذارد و از انتظارات می‌کاهد



انتظارات تورمی چقدر در افزایش نرخ ارز و تورم در اقتصاد ایران نقش دارد؟

تورم به طور مشخص دو منشا دارد؛ یا تورم واقعی ناشی از فعل و انفعالات پولی و جریان نقدینگی و یا ناشی از انتظارات است. در حال حاضر با وجود تمام تلاشی که بانک مرکزی کرده و کنترل پایه پولی و نقدینگی را در دستور کار قرار داده، همچنان جریان تورمی را مشاهده می‌کنیم که این جریان تورمی ناشی از انتظارات است و این انتظارات خود را از طریق لنگر اسمی تورم اعمال می‌کند. لنگر اسمی تورم متأسفانه چندین دهه است که در نرخ ارز جا خوش کرده و این اتفاق از سال ۱۳۵۱ آغاز شده و مختص این دولت و آن دولت نیست. مردم احساس می‌کنند که هر موقع وفور ارزی

بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان معتقدند نرخ ارز تبدیل به لنگر اسمی اقتصاد شده و مهم‌ترین عامل تورم بالا در کشور طی سالیان گذشته نوسان بالای نرخ ارز بوده است.

بانک مرکزی در دوره جدید برای پیش‌بینی پذیر کردن اقتصاد و به تبع آن کاهش تورم سیاست تثبیت اقتصادی را در دستور کار قرار داده که ثبات بخشی به بازار ارز، کنترل نقدینگی و تقویت نظام تنظیم‌گری مهم‌ترین محورهای سیاست‌های تثبیت اقتصادی مدنظر رییس کل بانک مرکزی اعلام شده است.

برای واگوی بیشتر ابعاد این سیاست با دکتر فرشاد پرویزیان مدرس دانشگاه و عضو انجمن اقتصاددانان به گفتگو نشستیم.

۶۴



IRTE.IR
اقتصاد

● شماره اول - تیر ۱۴۰۲ ●

داشته باشیم از طریق واردات کمبود کالاها برطرف می‌شود و به زبان ساده اوضاع خوب است و هر زمان که محدودیت ارزی داشته باشیم دچار مشکل می‌شویم که این موضوع به طور ناخودآگاه در حافظه تاریخی مردم ثبت و به‌لنگر اسمی تورم تبدیل شده است.

نرخ ارز خارج از مبادلات اقتصادی به یکسری از مباحث خارج از حوزه اقتصاد و در واقع به مسایل سیاسی گره خورده است. هر موقع که در دنیا اتفاقی افتاده یا تحریم هستیم و با محدودیت ارزی مواجه می‌شویم و بازار این را احساس کند، نرخ ارز در داخل افزایش پیدا می‌کند و این رویه خود تورم را تحریک می‌کند. یک سری از اساتید اقتصاد می‌گویند که تورم منشاء نقدینگی ندارد و فقط ناشی از نرخ ارز است، که باید گفت تورم در اقتصاد، پولی است اما اگر انتظارات فعال شود، می‌تواند ناشی از این انتظارات تورم رقم بخورد. مهار این انتظارات منجر به مهار نرخ ارز و مهار نرخ ارز منجر به آرامش در بازار و مهار تورم خواهد شد.

نمونه این موضوع را هم در حال حاضر شاهد هستیم که اخبار خوب و بد به طور مستقیم بر بازار تأثیر خواهند گذاشت و برای مثال رابطه با عربستان در شرایط عادی ارتباطی با حجم نقدینگی و نرخ ارز ندارد، اما می‌بینیم که این خبر بر بازار ارز تأثیر می‌گذارد و از انتظارات می‌کاهد. خلاف این موضوع هم صدق می‌کند و به محض اینکه خبر بدی منتشر می‌شود بازار از آن تأثیر می‌گیرد و در حالی که بانک مرکزی در آن برهه تمام کارها را به درستی انجام داده اما با این حال نرخ ارز در بازار جهش می‌کند.

تلاش بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی و رشد پایه پولی قابل تقدیر است مدیریت چنین فضایی در اقتصاد کار بسیار دشواری است. انتظارات خیلی چموش‌ترو وحشیانه‌تر از آنچه فکر می‌کنیم در بازار رفتار می‌کند. خبر خوب و خبر بد در اقتصاد دارای مدل اقتصادسنجی است و منحنی نامتقارنی دارد، یعنی خبر بد اثر بیشتری بر بازار نسبت به خبر خوب می‌گذارد چرا که مردم ریسک‌گریز هستند و حافظه آنها از اخبار بد پراست، خبر خوب زمانی می‌تواند تأثیرگذار باشد که به میزان کافی و قابل لمس در بازار وجود داشته باشد و بانک مرکزی نیز با دخالت در بازار این روند را تقویت کند.

در کنار مهار انتظارات تورمی کنترل شاخص‌های مهمی چون رشد پایه پولی و نقدینگی هم برای کنترل تورم لازم است. در این حوزه چه اقداماتی باید انجام شود؟

بانک مرکزی مانند یک کودک مظلومی است که از همه طرف به آن حمله می‌شود، اما کسی نمی‌گوید که بودجه را با کسری ساختاری می‌نویسند. یعنی تاوان ناترازی و کسری بودجه را بانک مرکزی می‌دهد و سلطه مالی بر سیاست‌های پولی سایه می‌افکند.

یکی دیگر از محورهای سیاست تثبیت همین تنظیم‌گری است. این نظارت چگونه باید اعمال شود؟

بانک مرکزی و به ویژه معاونت نظارت این بانک به شدت باید تقویت شود تا با نظارت‌های چند لایه و بدون تعارف، شبکه بانکی ناتراز ما را کنترل کند. رئیس کل بانک مرکزی بسیار مظلوم است، همه مشکلات بر گردن او قرار دارد و انتظار داریم با زدن یک دکمه معجزه کند که این کار شدنی نیست. نظام بانکی باید به معنای واقعی اصلاح شود.

کنترل تورم معمولاً با مواردی مثل رشد تولید و ایجاد اشتغال در تضاد قرار می‌گیرد، در برخورد با این دوگانه چگونه باید رفتار کنیم؟

نظام ارزی کشور در گذشته و همچنین شبیه نرخ شناور مدیریت شده در عمل نتیجه درستی در بازار نداشته است. اما این صحبت به این معنا نیست که نرخ ارز رها کنیم تا مردم زیر فشار قرار گیرند، بلکه باید از اقبال آسیب‌پذیر حمایت شود. وظیفه اصلی بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است، بانک مرکزی وظیفه تأمین ارز، ایجاد اشتغال، حمایت از تولید و هدایت نقدینگی ندارد. بانک مرکزی یک وظیفه دارد و آن حفظ ارزش پول ملی و جلوگیری از تورم است. امسال سال مهار تورم نامگذاری شده و بانک مرکزی باید بگوید که می‌خواهم همین یک وظیفه را انجام دهم. اگر دولت می‌خواهد از اقبال آسیب‌پذیر حمایت کند، می‌تواند یارانه بدهد و برای ایجاد اشتغال باید مسائل روز حوزه اشتغال حل شود.

تلاش بانک
مرکزی برای
کنترل نقدینگی
و رشد پایه پولی
قابل تقدیر
است مدیریت
چنین فضایی
در اقتصاد
کار بسیار
دشواری است.
انتظارات خیلی
چموش‌ترو
وحشیانه‌تر
از آنچه فکر
می‌کنیم در بازار
رفتار می‌کند

تثبیت مانع جهش های ارزی است

عباس آرگون /

عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی تهران



یکی از موضوعات مهم در راستای سیاست تثبیت اقتصادی، مدیریت بازار ارز و جلوگیری از جهش نرخ ارز است. چالشی جدی که بانک مرکزی در مقام بازارساز برای آن تدبیر کرده است تا بتواند با کنترل و مدیریت آن، تعدیل پایدار نرخ تورم را رقم بزند

شرایط کنترل رشد نقدینگی، برای رفع ناترازی بانک ها، کسری بودجه دولت و خطر استقراری دولت از بانک مرکزی و بانک ها، سازوکار تامین مالی بنگاه بدون فشار به خلق پول و پایه پولی، نیز تدبیر کند تا بتواند عوامل رشد تورم و افزایش نرخ ارز را شناسایی و کنترل نماید.

در دوره جدید بانک مرکزی، رئیس کل این بانک می تواند با در نظر گرفتن عوامل اشاره شده و اتخاذ سیاست های پولی و ارزی، گام موثری در مسیر مدیریت انتظارات تورمی و مدیریت بازار ارز، ثبات اقتصادی و پیش بینی پذیری بردارد. مسیری که در نهایت به تحقق شعار سال، یعنی مهار تورم و رشد تولید منجر خواهد شد.

برای ایجاد ثبات اقتصادی و پیش بینی پذیری فضای کسب و کار و تجارت، رسیدن به ثبات در بازار ارز و نوسان مدیریت شده نرخ ارز، پیش نیاز مهمی است که باید در برنامه های سیاست گذار دیده شود. علاوه بر این، نرخ ارز باید متناسب با نرخ تورم رشد داشته باشد؛ این در حالی است که شاهد سیاست های ارزی اشتباهی در گذشته بودیم و اینکه نرخ ارز به صورت غیرواقعی در یک رقم ثابت نگه داشته شد و با وجود رشد نرخ تورم، بدون تغییر ماند. این روند غلط در آن سال ها اولاً منجر به خروج سرمایه از کشور شد و دوماً به از بین رفتن تولید و صادرات دامن زده شد و سوماً واردات نیز افزایش یافت. بنابراین نرخ ارز بایستی به صورت مدیریت شده، نوسانی متناسب با نرخ تورم در کشور داشته باشد. در حقیقت، بازار ارز نباید رها شود و نیاز به اقدامات موثر بانک مرکزی برای مدیریت این بازار همواره احساس می شود؛ زیرا در صورت رها شدن نرخ ارز و جهش های ساعتی قیمت دلار همچون سال های گذشته، فعالان اقتصادی هیچ انگیزه ای برای فعالیت و تولید نخواهند داشت.

جلوگیری از افزایش انتظارات تورمی و بالا ماندن نرخ تورم از سوی دیگر، ضرورت اتخاذ و اجرای سیاست های تثبیت اقتصادی را دو چندان کرده است. رویکردی که به گفته فعالان اقتصادی می تواند به یک بستر مناسب برای تحقق پیش بینی پذیری اقتصاد به عنوان یک نیاز ضروری در فضای کسب و کار و تجارت، تبدیل شود. در این میان، یکی از موضوعات مهم در راستای سیاست تثبیت اقتصادی، مدیریت بازار ارز و جلوگیری از جهش نرخ ارز است. چالشی جدی که بانک مرکزی در مقام بازارساز برای آن تدبیر کرده است تا بتواند با کنترل و مدیریت آن، تعدیل پایدار نرخ تورم را رقم بزند.

پیش بینی پذیری شاخص های اقتصادی یکی از مولفه های اصلی در رشد و توسعه اقتصادی در هر کشوری است. در حقیقت در بستر پیش بینی پذیری، روند سرمایه گذاری اقتصادی تسریع و تقویت می شود و در نهایت شاهد رشد صادرات و ارزآوری خواهیم بود.

برای رسیدن به ثبات اقتصادی و پیش بینی پذیری در این شرایط، باید ابتدا انتظارات تورمی مدیریت و کنترل شود. برای این مساله، یکی از اقدامات مهم، کنترل رشد نقدینگی و نرخ ارز توسط بانک مرکزی است.

البته در این مسیر بایستی به اختیارات قانونی و امکانات بانک مرکزی توجه داشت. یک سری مسائل داخلی است و موارد دیگر همچون تورم انتظاری تحت تاثیر فضای سیاسی و بین المللی است و به عنوان یک عامل خارجی در نظر گرفته می شود.

بایستی مولفه هایی که باعث رشد نرخ ارز می شود را کنترل کرد. به عنوان مثال بانک مرکزی در این شرایط باید برنامه ریزی ها را به نحوی داشته باشد که علاوه بر فراهم شدن



ریشه بانک‌های ناتراز را بزنید



محمد مهدی راسخ /

دبیرکل اسبق اتاق بازرگانی تهران

خوشبختانه در هفته‌های اخیر شاهد دستور رئیس کل بانک مرکزی برای سروسامان دادن به بانک‌های ناتراز بودیم

ناتراز در سال‌های گذشته با اضافه برداشت از بانک مرکزی، موتور رشد نقدینگی و تورم را تقویت کردند؛ بنابراین یکی از کارهای مهمی که بانک مرکزی در این بخش می‌تواند انجام دهد، نظارت واقعی، جدی و بدون اغماص نسبت به این نوع از بانک‌هاست.

خوشبختانه در هفته‌های اخیر شاهد دستور رئیس کل بانک مرکزی برای سروسامان دادن به بانک‌های ناتراز بودیم و همچنین آقای رئیس‌جمهور نیز به تازگی با حضور در مجلس شورای اسلامی، در خصوص اهداف برنامه هفتم توسعه، به این چالش توجه داشتند که نشان می‌دهد سمت و سوی سیاست‌گذار پولی و بانکی کشور، برخورد با بانک‌های ناتراز است که پس از سال‌ها بی‌انضباطی، شاهد شکل‌گیری یک شبکه و نظام بانکی سالم و با انضباط مالی باشیم.

اتفاقی که در گام نخست منجر به خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری می‌شود و در گام بعد، مانع از رشد بی‌رویه نقدینگی و فشار به پایه پولی خواهد شد که در گام سوم نیز به تعدیل نرخ تورم در اقتصاد کشور کمک می‌کند. اگر این اقدامات انجام و کنترل نقدینگی توسط بانک مرکزی محقق شود و دولت نیز بودجه بدون کسری داشته باشد و بدهکار بانک مرکزی و بانک‌ها نباشد، شاهد کاهش نرخ تورم به یک رقم قابل قبول خواهیم بود. هرچند باید توجه داشت که رسیدن به این نقطه، یک شبه اتفاق نمی‌افتد و نیاز به تدویم سیاست‌های پولی بانک مرکزی، انضباط مالی دولت و نظام بانکی است تا بتوان تورم را در مسیر نزولی هدایت کرد.

باید توجه داشت در سال‌های گذشته تولید در کشور به دلیل عدم سودآوری و پرهزینه بودن، رونق نداشته است و بسیاری به سمت دلالی و سفته‌بازی در بازارهای مختلف رفته‌اند و حاضر به سرمایه‌گذاری در تولید نیستند. این در حالی است که در دنیا، بهترین امکانات و تسهیلات برای تولیدکننده در نظر گرفته می‌شود تا انگیزه تولید بیشتر شود.

ثبات اقتصادی از طریق اجرای برنامه‌های بانک مرکزی برای کنترل تورم اتفاق می‌افتد. یکی از مهم‌ترین دلایل، بی‌انضباطی‌های مالی دولت‌ها هستند که عمدتاً به شکل کسری بودجه است. به بیان دیگر به هر میزان که کسری بودجه داریم، در رشد تورم تأثیرگذار است. یکی از مسائلی که سالیان سال در میان کارشناسان اقتصادی و مسئولان دولتی بحث و تبادل نظر شده است، همین موضوع کسری بودجه بوده است. بنابراین در شرایط کنونی باید به عنوان یک موضوع اساسی و مهم در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور و بانک مرکزی به آن توجه شود تا به سمت و سویی برویم که بودجه سالانه کشور فاقد کسری باشد.

این کسری بودجه، بخش‌های مختلفی دارد؛ به گونه‌ای که یکی از بخش‌های آن به زیان شرکت‌های دولتی مربوط می‌شود؛ توجیهی ندارد که دولت، شرکت‌هایی داشته باشد که زیان ده باشند و باید طبق فرمایش رهبر انقلاب در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت کند تا در نهایت از تصدی‌گری این شرکت‌ها خارج شود و این شرکت‌ها به بخش خصوصی واقعی واگذار شوند. بنابراین در صورت تحقق این مسیر، بخشی از کسری بودجه دولت از بین می‌رود و به همان نسبت، شاهد تعدیل نرخ تورم در اقتصاد خواهیم بود. از سوی دیگر دولت باید تلاش کند تا از یک دولت بزرگ و گسترده به سمت کوچک‌سازی و شکل‌گیری دولت چابک حرکت کند و نقش اصلی سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت را بر عهده داشته باشد.

مشکلات بانک‌های ناتراز از دیگر ریشه‌های بروز تورم است. به بیان دیگر، در سال‌های گذشته برخی بانک‌ها به دلیل ضعف در نظارت، به افزایش نقدینگی دامن زده‌اند و در عین حال به سمت ناترازی حرکت کردند. این بانک‌های



رابطه اقتدار و اختیارات بانک مرکزی و تثبیت نرخ ارز

• اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز در شرایط کنونی هوشمند بود

دکتر محسن زنگنه /

اقتصاددان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس



بنابراین اعتقاد، دولت نمی‌تواند به کنترل نرخ ارز ورود پیدا کند و اصولاً کنترل نرخ ارز را خلاف اصول اقتصاد رایج می‌دانند و هرگونه سیاست بانک مرکزی برای حفظ ارزش پول ملی را مغایر با اصول اقتصادی برمی‌شمرند. این گروه معتقدند که ما به جای حفظ ارزش پول ملی باید به دنبال حفظ ارزش حقیقی آن باشیم و بنابراین بر اساس این استدلال نباید به سمت تعدیل قیمت ارز بانک مرکزی حرکت کرد و در صورتی که هدف کنترل قیمت ارز است، باید به سمت اصلاح و تثبیت شاخص‌های اقتصادی که اشاره شد، پیش رفت. در نگاه این تفکر قیمت ارز تابع نرخ تورم است، بنابراین وقتی در کشور نرخ تورم ۴۰، ۵۰ و ۶۰ درصد است، بانک مرکزی هیچ تکلیفی در برابر ارزش پول ملی که همان ارزش اسمی ارز می‌شود، ندارد و در عمل با افزایش تورم باید ارزش حقیقی ارز اهمیت داشته باشد، بنابراین با این

سه دیدگاه برای تعیین نرخ ارز وجود دارد که آشنایی با آنها به فهم تعیین نرخ ارز که این روزها بسیار درباره آن صحبت می‌شود، کمک خواهد کرد. دیدگاه اول قائل به این است که قیمت ارز به سایر شاخص‌های اقتصادی مخصوصاً مبحث تورم وابستگی دارد. این گروه بر این باورند که نرخ ارز بر اساس تورم تعیین می‌شود که تورم نیز از رشد نقدینگی، ناترازی بودجه، ناترازی بانک‌ها، بدهی دولت به بانک مرکزی و... نشأت می‌گیرد.

به عبارتی دیگر، نرخ ارز تابعی از نرخ تورم و شاخص‌های اقتصادی مانند ثبات اقتصادی، شاخص برون‌مرزی مانند مباحثی که در حوزه گشایش‌های ارزی و غیره رخ می‌دهد یا تنگناها و محدودیت‌های ارزی که پیش می‌آید، است.

۹۸



IRTE.IR
اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

تفکر باید منتظر نرخ‌های حتی ۷۰ یا ۸۰ تومان تا انتهای سال جاری و ابتدای سال آینده باشید. در برابر این نگاه، تفکر دومی نیز وجود دارد که قائل به تثبیت نرخ ارز است. به این معنا که هواداران آن معتقدند قیمت ارز را حکمرانی بانک مرکزی باید تعیین کند و تمام بخش‌های کشور هم بر اساس نرخ ارزی که تعیین می‌شود مناسبات خود را تنظیم کنند. این گروه معتقدند بانک مرکزی می‌تواند ارز را به هر رقم حتی در حد ۱۵ یا ۲۰ هزار تومان تعیین کند و به عنوان تنها مرجع اعلام قیمت ارز سایر بخش‌های اقتصادی، تولیدی، صادرات و... از این قیمت تبعیت کنند و آن را به رسمیت بشناسند. تفکر مورد اشاره قائل به آن است که بانک مرکزی بر اساس قدرتی که دارد، می‌تواند کاملاً دستوری عمل کند و از طریق برخی مکانیزم‌ها هم از این نرخ اعلامی حمایت به عمل آورند. اینها اعتقاد دارند که نرخ محصولات پتروشیمی، فولادی، محصولاتی بورس کالا، محصولات صادرات محور در داخل باید بر اساس همین قیمت ارز اعلام شده، سنجیده شوند. دو تفکر اشاره شده کاملاً مقابل هم قرار دارند که به یک معنا می‌شود گفت از هر دو جهت یک تفکر کاملاً افراطی به حساب می‌آیند. تفکر اول که به هیچ عنوان قائل به حفظ ارزش پول ملی نیست، یک نوع نگاه افراط گرایانه به اقتصاد اثباتی دارد در مقابل هم کسانی که معتقد به تثبیت نرخ ارز هستند از نگاه افراط گرایانه به اقتصاد دستوری و سیاست‌های پولی برخوردارند. اما حد وسط این دو تفکر به نظر من بحث تفکر تثبیت هوشمند قیمت ارز یا ثبات بخشی هوشمند در حوزه سیاست‌های ارزی است، یعنی همان مسئله‌ای که بانک مرکزی در دوره ریاست آقای فرزین نسبت به یک سال و نیم اول دولت آقای رئیسی و سیاست‌های بانک مرکزی و دوره قبل از او، دنبال می‌کند. نکات مهم در نگرش ریاست جدید بانک مرکزی، اعتقاد به سیاست تثبیت است. در رویکرد جدید بانک مرکزی، رئیس کل ارزش اسمی ریال و صیانت از ارزش پول ملی و ثبات بخشی به قیمت اسمی ارز را جزء تکالیفش می‌داند و این تا حدود زیادی در عمل به معنای پیشرفت در حفظ ارزش پول ملی است. نکته دوم این است که هدف از صحبت درباره تثبیت حفظ ارزش پول ملی و حفظ قیمت ارز است، اما این قیمت ارز قطعاً نمی‌تواند دستوری باشد و باید با سازوکارهای اقتصادی آن را انجام داد که این سازوکارها می‌تواند بحث‌های مختلفی را در برگیرد که شاید اولین آن اقتدار بانک مرکزی در بازار ارز و در گردش فرایند ارز حاصل از صادرات و ارز مورد نیاز به واردات باشد. این اقتدار از نوع دخالت نیست، یعنی بانک مرکزی نباید در حدیک صرافایی بزرگ عمل کند.

منظور این است که بر فرایند گردش ارز یک نظارت مؤثر باید وجود داشته باشد، نه یک نظارت صرفاً استطلاعی. با این نظارت بانک مرکزی باید بتواند هر جایی که فرایند گردش ارز از جای خود خارج شد از اهرم‌های نظارتی بهره ببرد و تنبیهات و تشویقات لازم را اعمال کند که در این قضیه برفرض می‌توان به تعهد شرکت‌های دولتی و شرکت‌های عظیم بورسی به بازگرداندن ارز اشاره کرد. از اقدامات دیگری که بانک مرکزی می‌تواند در دستور کار قرار دهد، رفع موانع در مسیر گردش طبیعی ارز است که بخشی از آن قطعاً در خارج کشور باید دنبال شود. بسیاری اوقات مشکل ارز وجود ندارد، بلکه مشکل در عرضه پول‌های رایج کشورهایی است که به نحوی به ارز متصل هستند. به عنوان مثال شاید در حوزه واردات بیش از آنکه به دلار احتیاج داشته باشیم به حواله درهم نیازمند باشیم یا سایر پول‌های کشورهای همسایه که مرادوات صادرات و واردات ما معمولاً به جهت تحریم‌ها بعضاً از طریق آنها انجام می‌شود، بنابراین برداشتن موانع و هموار ساختن این مسیرها ضروری است؛ زیرا حتی اگر درباره دلار مشکل وجود نداشته باشد، اما در خصوص حواله جات و یا ارزهایی مانند یوآن چین و... در دسر به وجود آید، متأسفانه باعث می‌شود ارز ثالث هم مشکل پیدا کند و دلار نیز به دنبال آن حرکت کند و افزایش قیمت بیابد. بنابراین ارتباط با کشورهای مجاور، انعقاد قرارداد و استفاده از پول رایج کشورها به خصوص کشورهای همسایه و کشورهایی که مرادوات اقتصادی ما با آنها زیاد است، قطعاً می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود، به خصوص در زمانی که متأسفانه به جهت تحریم‌ها از سازوکار سوئیفت هم تا حدودی محروم هستیم. هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی شود که تورم هیچ تأثیری بر قیمت ارز ندارد، اما سومین تفکر در خصوص تعیین نرخ ارز معتقد است که در این خصوص تأثیر دو جانبه وجود دارد ضمن اینکه سهم ارز و تکانه‌های ارزی حداقل از سال ۹۷ بر تورم بیشتر است. به این معنا؛ چنانچه درصد دبیشیم تا در خصوص اقتصاد روز ایران صحبت به میان آوریم قطعاً تورم تابعی از شوک‌ها و تکانه‌های ارزی است، اما در عین حال کنترل آن می‌تواند به ثبات بخشی قیمت ارز تا حدودی کمک کند.

از عواملی که می‌تواند در این زمینه یاری‌رسان باشد، نظارت بر بانک‌ها و عملیات آنها، نظارت بر ترازنامه بانک‌ها، میزان تسهیلات و گردش که به خصوص در بانک‌های تجاری و عامل انجام می‌شود، است. در مجموع سیاست‌های بانک مرکزی نسبت به دوره قبل هم در نگرش، تکالیف و وظیفه و هم در راهکار و راهبردهایی که به کار گرفته شده نشان از بهبود در آینده راه دنبال دارد.

در رویکرد جدید بانک مرکزی، رئیس کل ارزش اسمی ریال و صیانت از ارزش پول ملی و ثبات بخشی به قیمت اسمی ارز را جزء تکالیفش می‌داند و این تا حدود زیادی در عمل به معنای پیشرفت در حفظ ارزش پول ملی است





دکتر حیدر نومه بخیت، استاد اقتصاد دانشگاه کوفه
در گفت و گو با تازه های اقتصاد

آماده دریافت خدمات بانک های ایرانی هستیم

- در سال ۲۰۲۲ بالای ۱۰ میلیارد دلار کالا از ایران وارد کردیم
- اکنون تعدادی از شعب بانک های ایرانی در عراق شعبه دارند که اگر این شعب افزایش یابد تاثیر زیادی برگسترش روابط اقتصادی دو کشور خواهد داشت

۷۰



IRTE.IR

اقتصاد

● شماره اول - تیر ۱۴۰۲ ●

کشور عراق همسایه غربی ایران جزو چند کشور نخست طرف تجاری کشورمان طی سال‌های اخیر بوده است. تجار و بازرگانان ایرانی تامین کننده بخش قابل توجهی از کالاها و ملزومات کشور عراق بوده و از منظر مرادوات تجاری، دو کشور همکاری مناسبی با هم دارند. ایران همچنین در زمینه تامین انرژی از جمله برق نیز با عراق داودستد دارد و به تازگی این کشور توانسته است بدهی برقی خود به ایران را پرداخت نماید. طبق آمارهای موجود، طی سال ۱۴۰۱ به میزان ۱۰۰۳ میلیارد دلار کالای ایرانی به کشور عراق صادر شده که از این منظر، عراق بیشترین سهم را در سبد کالاهای صادراتی ایران در بین کشورهای همسایه طی سال گذشته داشته است. آمارها همچنین نشان می‌دهد که میزان خرید کالاهای ایرانی از سوی طرف‌های عراقی در سال گذشته به نسبت سال ۱۴۰۰، افزایش نیز داشته است. در خصوص وضعیت مرادوات تجاری بین دو کشور ایران و عراق و همچنین ظرفیت سنجی توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های بانکی و انجام مبادلات با ارزهای محلی؛ نباد کتر حیدر نعمه‌بخیت؛ استاد مدیریت و اقتصاد دانشگاه کوفه عراق گفتگویی انجام دادیم که در زیر می‌آید:

ایران و عراق طی سال‌های گذشته میزان روابط تجاری خود را افزایش داده‌اند. به تازگی رایزنی‌هایی از سوی بانک مرکزی ایران برای حذف دلار از مبادلات تجاری آغاز شده که با جریان دلارزدایی راه افتاده در جهان همگرا است. در خصوص برقراری مرادوات بدون دلار بین ایران و عراق چه نظری دارید؟

کاهش وابستگی به دلار آمریکایی که باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های دریافت ارز، کاهش کارمزدها، کم شدن تفاوت نرخ ارز و ... می‌شود، اولین گام مهمی است که تجار و بازرگانان دو کشور ایران و عراق می‌توانند در راستای حذف دلار از مبادلات و تجارت بر پایه ارزهای محلی دو کشور بردارند. در کنار این، تشویق تجارت داخلی بین عراق و ایران و ارتقای سطح همکاری منطقه‌ای نیز مسئله بسیار مهمی است که می‌تواند پیوندهای دو کشور را تقویت کند. توسعه و ترویج مبادلات تجاری با استفاده از دینار و ریال به جای دلار می‌تواند در سایه دستیابی به ثبات پولی و افزایش اثر بخشی ابزارهای پولی که بانک‌های مرکزی را قادر می‌سازد سیاست‌های پولی متناسب با وضعیت اقتصاد را دنبال کنند، محقق خواهد شد. در حال حاضر،

فشارهای آمریکایی‌ها، عدم وحدت در تصمیم‌گیری و همچنین عدم اجماع سیاسی بین طرف‌های عراقی در اجرای اینگونه سیاست‌ها، مانع ایجاد می‌کند و عراق نیاز دارد تا در این زمینه هابه اجماع ملی برسد.

شرکت‌ها و تجار ایرانی بخش قابل توجهی از نیازهای وارداتی عراق را تامین می‌کنند. تا چه میزان وجود پیوندهای اقتصادی و تجاری را در کنار پیوندهای همسایگی موثر می‌دانید؟

عراق در زمینه خودکفایی برای تامین کالاها و خدمات مختلف مصرفی و تولیدی خود مشکل دارد و ظرفیت‌های بالای ایران در تامین نیازمندی‌های عراق باعث شده تا ایران پس از چین و ترکیه، سومین کشور تامین‌کننده ملزومات عراق باشد. بنابراین وجود این نیاز در عراق، فرصتی را برای کالاهای ایرانی در جهت تقویت حضور خود در بازار عراق و همچنین افزایش حجم مبادلات تجاری را فراهم می‌کند. طبق آمارهای سال ۲۰۲۲، جمهوری اسلامی ایران حدود ۴۵۰۰ کالا و خدمت به ارزش ۱۰ میلیارد و ۲۳۶ میلیون دلار به عراق صادر کرده است. در کنار موارد یاد شده، توافقات اخیر سیاسی ایران و عربستان نیز می‌تواند دهه‌ها تنش متمادی در منطقه را کاهش دهد و علاوه بر این، روابط اقتصادی کشورهای عرب منطقه و غیر عرب را بهبود بخشد. این توافق می‌تواند روابط بین ایران و اعراب از جمله عراق را نیز تعمیق بخشد.

ایران ظرفیت بالایی در برقراری روابط بانکی و ارائه خدمات در حوزه پولی به تجار عراقی دارد و از سویی نیز امکان ایجاد شعب بانک‌های ایرانی در عراق برای ارائه خدمات بیشتر و مستقیم هم وجود دارد. گسترش مناسب اینگونه راه تا چه اندازه عملیاتی می‌دانید و چه آثاری در روابط اقتصادی دو طرف خواهد داشت؟

نکته دیگر در خصوص توسعه روابط تجاری و اقتصادی دو کشور ایران و عراق به موضوع توسعه همکاری‌های بانکی باز می‌گردد. عراق در نتیجه شرایطی که از نظر جنگ، تحریم و تروریسم به خصوص مشکلاتی که در زمینه پرداخت و نقل و انتقالات الکترونیکی پشت سر گذاشته است، از توسعه نیافتگی عمده سیستم بانکی رنج می‌برد. در حال حاضر، تعدادی از شعب بانک‌های ایرانی در عراق فعال هستند که افزایش تعداد این شعب و گسترش فعالیت آنها در عراق تاثیرات مهمی در توسعه روابط اقتصادی دو کشور خواهد داشت.

توافقات اخیر سیاسی ایران و عربستان نیز می‌تواند دهه‌ها تنش متمادی در منطقه را کاهش دهد و علاوه بر این، روابط اقتصادی کشورهای عرب منطقه و غیر عرب را بهبود بخشد. این توافق می‌تواند روابط بین ایران و اعراب از جمله عراق را نیز تعمیق بخشد

رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی در گفت و گو با تازه های اقتصاد

ارز ۴۲۰ تومانی عامل مهم افزایش پایه پولی بود

● مدیریت ارزی، اصلاح بودجه و کنترل رشد نقدینگی و احیای روابط بانکی سه عامل مهمی است که می تواند باعث موفقیت سیاست تثبیت اقتصادی شود



آن نیاز دارند در آینده با افزایش قیمت روبرو خواهد شد. در این شرایط به اصطلاح می گوئیم که جامعه دچار انتظارات تورمی شده است. در مقابله با این پدیده دو راهکار را می توان در پیش گرفت؛ راه حل اول قیمت گذاری دستوری است که در کوتاه مدت می توان قیمت ها را ثابت نگه داشت، اما به مرور خریداران و فروشندگان راهکاری پیدا می کنند تا قیمت ها را دور بزنند و از طرفی با توجه به صرفه نبودن تولید باعث کاهش عرضه خواهد شد و تبعاتی مانند قاچاق را در پی خواهد داشت.

راه حل دوم این است که بتوانیم تورم را کاهش دهیم تا در ادامه انتظارات تورمی نیز فروکش کند. برای این کار باید هزینه تمام شده کالاها را به رسمیت بشناسیم و عرضه و تقاضا قیمت را تعیین کند، این اقدام به عرضه بیشتر کالا کمک می کند تا کالاها به مرور به قیمت تعادلی برسند.

بانک مرکزی برای مقابله با تورم به عنوان راهکار اصلی سیاست تثبیت اقتصادی را مطرح کرده

سیاست تثبیت اقتصادی کلیدواژه جدید بانک مرکزی برای رساندن کشتی اقتصاد ایران به ساحل آرامش است. دکتر احمد مجتهد، اقتصاددان و رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی معتقد است که مدیریت ارزی، اصلاح بودجه و کنترل رشد نقدینگی و احیای روابط بانکی سه عامل مهمی است که در اجرای این سیاست باید به آن توجه داشت. مشروح گفتگوی مجتهد با هفته نامه تازه های اقتصاد را در ادامه بخوانید.

انتظارات تورمی چگونه ایجاد می شود و راهکار کاهش آن در شرایط امروز اقتصاد ایران چیست؟

وقتی کشوری در سال های متمادی درگیر تورم های بالا است و مردم احساس می کنند که این روند ادامه دار خواهد بود، در تقاضای آنها برای کالا و خدمات تغییر ایجاد می شود، چرا که پیش بینی می کنند کالا یا خدمتی که به



است. چه عواملی برای موفقیت این سیاست نیاز است؟

سیاست تثبیت اقتصادی نیاز به عواملی دارد که اگر این عوامل فراهم شود، به صورت تدریجی به سمت ثبات حرکت خواهیم کرد. اولین عامل این است که ما ارز کافی برای تامین برخی کالاها ضروری اختصاص دهیم که این کالاها شامل نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و ماشین آلات مورد نیاز تولید است. لازم به ذکر است که در دنیای امروز به دلیل پیشرفت پرسرعت تکنولوژی امکان خودکفایی در همه زمینه‌ها وجود ندارد و نمی‌توان برای رفع همه نیازها به تولید داخل اکتفا کرد و ما باید بتوانیم تکنولوژی روز دنیا را به ویژه در حوزه تولید وارد کشور کنیم.

در حال حاضر برای تامین ارز نیازهایی که ذکر شد، مرکز مبادله ایران طراحی شده است که بخش اعظمی از این نیازها را تامین ارز می‌کند. در این زمینه باید تلاش شود با بهینه‌سازی فرآیندها، افزایش دسترسی به منابع ارزی و تاکید بر بازگشت ارز حاصل از صادرات، ارز به میزان کافی در اختیار واردکنندگان نیازهای ضروری قرار گیرد و برای نیازهای واقعی این بخش که به طور مشخص احصاء می‌شود، صف تخصیص ارز برچیده شود.

یک نکته مهم این است که دستگاه‌های مختلف از وزارت صمت گرفته تا وزارت کشاورزی و وزارت بهداشت درگیر کار فرآیند تخصیص ارز هستند و بانک مرکزی در حال حاضر اختیارات کافی را در این حوزه ندارد. باید مدیریت ارزی به طور کامل به بانک مرکزی واگذار شود و اولویت‌بندی و تخصیص در اختیار یک نهاد یعنی بانک مرکزی باشد.

دو عامل دیگر چیست؟

کسری بودجه دولت در سال‌های قبل همواره توسط بانک مرکزی جبران شده و راه‌های دیگری مانند استقراض از بانک‌های دولتی یا صندوق توسعه ملی انجام شده است که همه این اقدامات در نهایت منجر به رشد نقدینگی و تورم می‌شود. لازم به یادآوری است که دولت قبل بانک مرکزی را مجبور کرده بود ارز را گران‌تر بخرد و به نرخ ۴۲۰۰ تومان بفروشد که این خود نقش بزرگی در افزایش پایه پولی داشت. به این ترتیب عملاً دولت یک عامل اصلی برای افزایش تورم بود.

بحث دیگر مسئله پرداخت یارانه‌ها است، یارانه ایجاد شغل و درآمد نمی‌کند، بلکه مصرفی است و تقاضا برای کالاها را افزایش می‌دهد، مجلس هم در سال‌های قبل انواع و اقسام درآمدهای صوری را پیش‌بینی می‌کرد و برای این درآمدها هزینه می‌تراشید که این مسائل همواره بودجه را

با کسری روبرو کرده و منجر به افزایش تورم شده است.

مثلاً یک قلم هزینه‌ای که مجلس به تازگی به دولت تحمیل کرده، اختصاص قیر مجانی به پیمانکارهاست که با توجه به بازار صادراتی مناسبی که قیر داشت، می‌توانست درآمد ارزی خوبی برای دولت داشته باشد، اما اکنون باید رایگان در اختیار پیمانکاران قرار گیرد و معمولاً در اینگونه موارد رانت هم توزیع می‌شود.

سومین عامل مهم استفاده از اعتبارات بین‌المللی است. ما در تمام سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها نتوانسته‌ایم از اعتبارات بین‌المللی که حق ما بوده استفاده کنیم و همین عامل باعث شده که زیرساخت‌های کشور دچار مشکل شده است. باید راهکارهایی را برای استفاده بیشتر از این اعتبارات در دست‌رکار قرار دهیم که یک نمونه آن دیدار اخیر رییس کل بانک مرکزی با رییس صندوق بین‌المللی پول است که می‌تواند در فرآیندهای بلندمدت منجر به بهره‌مندی ایران از ۶.۷ میلیارد دلار حق ویژه برداشت از این صندوق شود.

چه چالش‌هایی پیش روی اجرای موفق سیاست تثبیت وجود دارد؟

یکی از مشکلات اقتصاد کشور، بحث مرادوات بانکی است که هزینه تجارت را بالا می‌برد و از سویی دیگر انگیزه کشورها را برای کار تجاری با ایران چه در حوزه واردات و چه در حوزه صادرات کاهش می‌دهد. برای مثال کشور هند یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده دارو است که برای تولیدات خود مشتریان دست به نقد دارد و با وجود مشکلات بانکی که ما با آن مواجهیم ترجیح می‌دهد داروی تولیدی خود را به دیگر مشتریان بفروشد.

همچنین ما بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار منابع در کشورهای دیگر داریم که باید با رایزنی و برقراری ارتباطات بانکی بتوانیم از این منابع استفاده کنیم. از سوی دیگر طبق آمار هزینه اضافه‌ای که ما برای تبادلات مالی به دلیل تحریم‌ها پرداخته‌ایم چندین میلیارد دلار است. بنابراین باید اقدامات جدی برای رفع مشکل مبادلات بانکی در دستور کار قرار گیرد. البته اقداماتی در دوره جدید بانک مرکزی در حال انجام است که از جمله آن می‌توان به گسترش همکاری‌های بانکی با کشورهای روسیه و چین و کشورهای همسایه و همچنین تفاهم‌نامه‌هایی برای تسویه حساب با ارزهای ملی دو کشور اشاره کرد.

دولت قبل
بانک مرکزی
را مجبور
کرده بود ارز را
گران‌تر بخرد
و به نرخ ۴۲۰۰
تومان بفروشد
که این خود
نقش بزرگی
در افزایش پایه
پولی داشت.
به این ترتیب
عملاً دولت یک
عامل اصلی
برای افزایش
تورم بود



عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی در گفت و گو با تازه های اقتصاد اقدامات بانک مرکزی در ۵ ماه اخیر را بررسی کرد

اخراج دلان از بازار و پایان صف خرید ارز



بازار ارز در چند ماه اخیر به یک ثبات نسبی رسیده و نوسانات اندکی داشته است، این ثبات را ناشی از چه عواملی می‌دانید؟

انتظارات تورمی در حال حاضر به طور چشمگیری کاهش یافته است. در ماه گذشته، فعال سازی دیپلماسی بین المللی و اقتصادی بسیار مؤثر بوده است. برخلاف گذشته، اکنون روابط منطقه ای ما بهتر شده است؛ توافقات با کشورهای عربی، نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی در کاهش انتظارات مؤثر بوده و اکنون نیز پیام هایی برای بهبود روابط با مصر در حال تبادل است. در حوزه هسته ای نیز، در حال حاضر، استراتژی کشور ما، توافق موقت و گام به گام است. اگر دو سال پیش این استراتژی را اتخاذ کرده بودیم، می توانست برای اقتصاد ایران بسیار مفید باشد، زیرا قیمت انرژی در آن زمان بسیار بالا رفته بود. در کل، تصمیمات اخیر به طور معنی داری بر

بازار ارز یکی از مهم ترین بازارهای اقتصادی کشور است که تأثیر بسزایی بر روند حرکتی تورم دارد. در چند ماه گذشته، بازار ارز شاهد کاهش نوسانات و رسیدن به یک وضعیت نسبتاً پایدار بوده است. این تغییرات چه علل و چه اثراتی داشته اند؟ برای پاسخ به این دست از سوالات، گفت و گویی با دکتر وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه خوارزمی، ترتیب داده ایم که در این گفت و گو، به بررسی عوامل و پیامدهای ثبات بازار ارز و نقش بانک مرکزی در این زمینه پرداخته شده است. همچنین به چالش های حذف دلار از مبادلات تجاری و نیاز به هماهنگی تیم اقتصادی دولت با بانک مرکزی در مواجهه با چالش های سیاسی آمریکا در قبال ایران، چین و روسیه اشاره شده است. متن گفت و گوی هفته نامه تازه های اقتصاد را در ادامه می خوانید.

۷۴



IRTE.IR
اقتصاد

• شماره اول - تیر ۱۴۰۲ •

اقتصاد ایران و کاهش انتظارات تورمی تأثیرگذار بوده است. من معتقدم که در کوتاه مدت، بحث انتظارات تورمی مهم‌ترین عامل است. عمده سهم کاهش این انتظارات به خبرهای مثبت خارج از کشور مربوط می‌شود، اما اقدامات درون اقتصاد هم می‌توانند در بهبود این انتظارات تأثیرگذار باشند. در کل، من معتقدم در سال ۱۴۰۲ انتظارات تورمی در کنترل قیمت‌ها و آرامش بازار ارز نقش مهمی خواهند داشت.

در کل، روند یکی دو ماه گذشته نشان می‌دهد که تصمیم سیستم بر این است که بتواند مسائل را در منطقه و جهان حل و فصل کند. در حوزه منطقه‌ای، سرعت حل مسائل و واکنش به آنها بسیار سریع بوده است، اما در مسائل بین‌المللی، طبیعتاً سرعت کمتر است. اما شواهد نشان می‌دهد که رویکرد کلی سیستم بر کاهش تنش‌هاست.

چقدر اقدامات بانک مرکزی در بازگشت آرامش به بازار ارز تأثیرگذار بوده است؟

به نظر من، سیاست‌های بانک مرکزی در دو بعد ارزیابی مثبت داشته است. اولین بعد، تقویت نظارت بر شبکه بانکی و کنترل بانک‌های با ریسک بالا و نامناسب است. آغاز این حرکت توسط دکتر فرزین، یک گام مثبت و رو به جلو به نظر می‌رسد. این گام به بانک مرکزی کمک می‌کند تا شرایط مستحکمی را در حوزه نظارت بر بانک‌ها، به خصوص بانک‌های بد، ایجاد کند و به کنترل ناترازی‌ها و جلوگیری از فعالیت بانک‌هایی که برای سیستم بانکی ریسک بالایی به همراه خواهند داشت، بپردازد.

بعد دوم، راه‌اندازی مرکز مبادله است که نقش مهمی در این میان داشته و بخشی از تقاضای ارزی کشور را به بازار منتقل کرده است. هدایت تمام این تقاضاها به بازار آزاد دارای نقاط ضعف بود و برخی از افراد با انگیزه‌های پنهان می‌توانستند در بازار دخالت و بازارگردانی کنند. اما مرکز مبادله، که تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کند و دارای شفافیت لازم است، توانسته بخشی از تقاضای ارز را به سمت خود هدایت کند. این مسئله نیز در ثبات نرخ ارز تأثیرگذار بوده است.

بدون شک، اقدامات بانک مرکزی در حوزه نظارت بر شبکه بانکی و راه‌اندازی و ساماندهی بازار مبادله ارزی، در شکل‌گیری این ثبات، نقش مهمی داشته است؛ اما من معتقدم بحث انتظارات تورمی نیز به واسطه تقویت دیپلماسی، بسیار اثرگذار بوده است.

با توجه به شرایطی که مطرح شد، نیاز به هماهنگی

در تیم اقتصادی دولت وجود دارد. از آنجا که، بانک مرکزی هم وظیفه مدیریت بازار ارز را بر عهده دارد و هم مسئول ساماندهی و مدیریت نظام بانکی است؛ لذا، بیشترین سهم و نقش در موضوعات تورم و ارز بر عهده بانک مرکزی است. بنابراین، هماهنگی بین تیم دیپلماسی و سایر اعضای تیم اقتصادی دولت با بانک مرکزی می‌تواند در ماه‌های آینده بسیار سازنده باشد.

در حوزه اسکناس ارز چگونه است؟ چگونه اقدامات انجام شده در این بخش را ارزیابی می‌کنید؟

تغییر در نحوه فروش اسکناس ارز و الزام به افتتاح حساب ارزی منجر به تقویت نظارت و افزایش شفافیت در مبادلات بازار آزاد شده است. یکی از وعده‌هایی که دکتر فرزین داد این بود که بازار غیررسمی ارز را نادیده نخواهد گرفت و بانک مرکزی برنامه‌ای برای کنترل این بازار دارد. این اقدام در جهت همین وعده صورت گرفته و به عنوان یک گام بسیار مثبت تلقی می‌شود. این اقدام تاکنون توانسته است، دلان را از این بازار خارج کرده و به صف‌های طولانی خریدارز پایان دهد.

اخیراً تاکید ویژه‌ای بر حذف دلار از مبادلات تجاری و انجام مبادله با ارزهای ملی شده است؟ این سیاست چه تأثیری بر ثبات بخشی در بازار ارز دارد؟

حذف دلار از مبادلات تجاری و استفاده از ارزهای ملی یک استراتژی است که در گذشته نیز مورد بحث بوده است. این استراتژی به خودی خود سیاستی صحیح و مناسب است، اما تا زمانی که بخش تجاری کشور با آن همگام نشود، موفقیت آن در دسترس نخواهد بود. این استراتژی فقط زمانی می‌تواند به موفقیت دست یابد که تراز تجاری میان دو کشور متعادل باشد و هیچ ناهماهنگی تجاری وجود نداشته باشد.

بانک مرکزی با جدیت پیگیر اجرای این استراتژی است و دکتر فرزین نیز در سفرهای خود به کشورهای همسایه این موضوع را پیگیری کرده است. اما نکته مهم این است که برای حمایت از این سیاست، باید وزارتخانه‌های اقتصاد، کشاورزی، صمت و امور خارجه نیز اقدام فعالانه داشته باشند و به تقویت این استراتژی کمک کنند، تا سیاست‌های تجاری متوازن اجرا شود. در این صورت، کار بانک مرکزی برای عملیاتی کردن این پیمان پولی بسیار آسان‌تر خواهد شد.

بدون شک، اقدامات بانک مرکزی در حوزه نظارت بر شبکه بانکی و راه‌اندازی و ساماندهی بازار مبادله ارزی، در شکل‌گیری این ثبات، نقش مهمی داشته است



تثبیت ارز، تثبیت تورم

● بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز در مجموع ۱۶ سیاست اتخاذ کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تامین ارز گالاهای وارداتی و راه‌اندازی مرکز مبادله اشاره کرد



نخستین نشانه های سیاست تثبیت ارزی در شاخص تورم خرداد ماه نمایان شد. در حالی که از دومین ماه سال گذشته حذف ارز ترجیحی ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی یک شوک تورمی به دنبال داشت، اتخاذ سیاست تثبیت نرخ ارز نیمایی بر روی نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان همزمان با آغاز به کار محمد رضا فرزین به عنوان رئیس کل بانک مرکزی، باعث شد تا از ناحیه ثبات ارزی که تاثیر مستقیمی بر قیمت کالاها و خدمات دارد، تورم فروکش کند. پس از حذف ارز ترجیحی در اردیبهشت سال گذشته تاثير مقطعی آن در خرداد ماه آشکار شد به طوری که تورم ماهانه ۳،۳ درصدی اردیبهشت ماه به یک باره به ۱۰،۶ درصد جهش کرد. حال پس از یک سال و در خرداد ماه سال جاری شاهد تخلیه این شوک و آثار تثبیت نرخ ارزی هستیم که با آن کالاهای اساسی و دارویی مورد نیاز کشور تامین می شود. بدین ترتیب در خرداد امسال و طبق گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه که تغییرات شاخص تورم را نسبت به خرداد سال قبل می سنجد، با سقوط آزاد مواجه شده و نزدیک به ۱۳ درصد افت داشته است که این میزان افت برای تورم نقطه ای کالاهای خوراکی به ۳۳ درصد می رسد.

از ۲ اسفند سال ۱۴۰۱ سیاست های تثبیت ارزی با راه اندازی بازار مبادله طلا و ارز کلید خورد و این سیاست ها جایگزین سیاست ارز تک نرخی شد که در اردیبهشت ماه با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی شروع و با دلار توافقی در تابستان ۱۴۰۱ ادامه پیدا کرده بود، اما با تحمیل شوک ارزی در آذر ماه تبعات سهمگین آن برای مدعیان جریان متعارف اقتصاد آشکار گشت. هم اکنون بانک مرکزی اعلام کرده است که راهبرد دولت برای مهار تورم، سیاست تثبیت ارزی است و در این مسیر ارز واردات در بازار مبادله با نرخ ۳۶۵۰۰ تومان تامین می شود. همچنین کالاهای اساسی با دلار ۲۸۵۰۰ تومانی در سامانه نیماتامین خواهد شد. تثبیت بازار ارز به عنوان مهم ترین عامل ثبات اقتصادی در دولت سیزدهم همواره مورد تاکید دولت و بانک مرکزی بوده است. دولت سیزدهم و بانک مرکزی، در دو سال گذشته اقدامات و سیاست های مختلفی را در این راستا پیش بینی و اجرایی کرده است. بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز در مجموع ۱۶ سیاست اتخاذ کرده است که از جمله آن ها می توان به تامین ارز کالاهای وارداتی، راه اندازی مرکز مبادله، مداخله حاشیه ای در بازار ارز و طلا، کاهش زمان بازگشت ارز صادراتی، ارائه ارز مسافرتی به مسافران در فرودگاه، اتصال

پیام رسان های ملی و دیگر موارد اشاره کرد.

تورم در کانال هدف

بانک مرکزی برای پایان سال جاری نرخ تورم ۳۰ درصدی را هدف گذاری کرده است. بررسی ها نشان می دهد در صورتی که نرخ تورم ماهانه در محدوده ۲ درصد مهار شود، دستیابی به تورم ۳۰ درصدی تا پایان امسال قابل دسترس و امکان پذیر است. این در حالی است که پس از ۱۶ ماهه در خرداد ماه امسال تورم ماهانه به محدوده ۲ درصد بازگشته است. پیش از این در بهمن سال ۱۴۰۰ شاهد تورم ماهانه ۲ درصدی بودیم و پس از آن همواره نرخ تورم بیش از این محدوده بود. از سوی دیگر اجرا و تداوم سیاست تثبیت اقتصادی و اجرایی شدن برنامه های دیگر بانک مرکزی برای ثبات بخشی به نرخ ارز و همچنین تخلیه شوک تورمی ناشی از حذف ارز ترجیحی و جایگزینی آن به ارز تثبیتی، پیش بینی می شود که در ماه های آینده نرخ تورم در همین محدوده ۲ درصد باقی بماند و رفته رفته با کاهش نرخ تورم نقطه به نقطه و سالانه، به سمت تورم هدف گام برداریم.

تورم ماهانه ۶۰ درصد استان هادر کانال هدف

بررسی نرخ تورم ماهانه در خرداد ماه امسال، نشان می دهد هر چند نرخ تورم ماهانه میانگین کل کشور بر روی ۲ درصد ایستاده است، تورم بیش از ۶۰ درصد از استان هانیز زیر این محدوده رسیده است. در سومین ماه سال جاری، از میان ۳۱ استان کشور، تورم ماهانه ۱۹ استان ۲ درصد و کمتر از آن بوده است که بدین ترتیب سهم این استان ها از کل استان های کشور ۶۱ درصد است.

نگاهی به تورم ماهانه استان های کشور نشان می دهد که تنها ۱۲ استان بیش از ۲ درصد تورم ماهانه داشته اند. نکته جالب توجه در این بخش این است که به صورت عمده تورم استان های کمتر برخوردار زیر ۲ درصد بوده است که حاکی از تاثیر سیاست های تثبیت است.

برهمن اساس در این ماه، کمترین نرخ تورم ماهانه با ۷ دهم درصد به استان بوشهر اختصاص دارد و پس از آن استان های ایلام و قم قرار دارد که با تورم ۸ دهم درصدی روبرو بوده اند. کرمانشاه نیز با تورم یک درصدی رتبه چهارم را در میان کمترین دارندگان تورم ماهانه داشته است. همچنین استان های خوزستان با تورم ۱۰،۱ درصد، هرمزگان و کهگیلویه و بویر احمد هر یک با تورم ۱۰،۲ درصد، سیستان و بلوچستان با تورم ۱۰،۳ درصد، خراسان رضوی با تورم ۱۰،۴ درصد و استان همدان با تورم ۱۰،۴ درصدی به ترتیب رتبه های پنجم تا دهم کمترین تورم ماهانه را در اختیار دارند. پس از آن، به ترتیب لرستان (۱۰،۴ درصد)، گیلان، گلستان،

تثبیت بازار
ارز به عنوان
مهم ترین
عامل ثبات
اقتصادی در
دولت سیزدهم
همواره مورد
تاکید دولت و
بانک مرکزی
بوده است



در صورتی که
 نرخ تورم ماهانه
 در محدوده
 ۲ درصد مهيار
 شود، دستیابی
 به تورم ۳۰
 درصدی تا
 پایان امسال
 قابل دسترس
 و امکانپذیر
 است. این در
 حالی است
 که پس از ۱۶
 ماه در خرداد
 ماه امسال
 تورم ماهانه به
 محدوده
 ۲ درصد
 بازگشته است



آذربایجان شرقی، مازندران (۱.۵ درصد)، چهارمحال
 و بختیاری و زنجان (۱.۷ درصد)، کردستان (۱.۹ درصد)
 و اردبیل (۲ درصد) قرار دارند. در تورم ماهانه گروه
 کالاهای خوراکی و آشامیدنی نیز تورم ۱۸ استان و در
 گروه کالاهای غیر خوراکی و خدمات تورم ۱۹ استان زیر
 محدوده ۲ درصد قرار داشته است.

ثبت رکورد کاهش تورم نقطه به نقطه

کاهش نرخ تورم در خرداد ماه، رکورد تازه ای در تاریخ
 کشور به ثبت رساند. با اجرای سیاست های بهینه
 پولی و مالی دولت سیزدهم و پس از عملیاتی شدن
 تثبیت ارزی، نخستین نشانه های شکسته شدن تورم
 نمایان شده است. براساس تازه ترین آمارهای ارایه
 شده از سوی مرکز آمار ایران، در خرداد ماه به عنوان
 آخرین ماه فصل بهار، هر سه شاخص تورم یعنی
 ماهانه، نقطه به نقطه و سالانه با کاهش معناداری
 مواجه شده است. افت شدید تورم در خرداد ماه در
 گروه کالاهای خوراکی با شدت بیشتری محقق شده
 است، به طوری که در تورم نقطه به نقطه خوراکی ها
 شاهد افت نزدیک به ۳۳ درصدی شاخص هستیم
 که رکورد کم نظیری در تاریخ کشور محسوب می
 شود. طبق این آمارها، تورم ماهانه از ۲.۸ درصد در
 اردیبهشت ماه با افت ۸ درصدی به ۲ درصد
 رسیده است. همچنین در خرداد ماه، نرخ تورم نقطه
 به نقطه که میزان تغییرات نرخ تورم نسبت به ماه
 مشابه سال قبل را اندازه گیری می کند، نرخ تورم با
 کاهش چشمگیری ۱۲ درصدی مواجه شده و از ۵۴.۶
 درصد در اردیبهشت به ۴۲.۶ درصد در خرداد رسیده
 است. علاوه بر این، در تورم سالانه نیز پس از ۱۴ ماه
 صعود پیاپی، در سومین ماه فصل بهار این شاخص
 هم نزولی شد و بدین ترتیب ۴۹.۱ درصد اردیبهشت
 به ۴۸.۵ درصد در خرداد رسیده که ۶ درصد افت
 داشته است. به اعتقاد کارشناسان با سیاست هایی
 که دولت سیزدهم در دستور کار خود قرار داده و آثار
 آن در خرداد ماه بر روی شاخص تورم نمایان شده،
 باید منتظر کاهش بیشتر تورم در ماه های آینده بود
 تا جایی که در نهایت به هدف تعیین شده ۳۰ درصد
 دست یابیم.

تورم ماهانه در کف ۱۶ ماهه

براساس این گزارش، نرخ تورم ماهانه به کمترین
 رقم خود در ۱۶ ماه اخیر رسیده است. در حالی نرخ
 تورم ماهانه خرداد ماه به ۲ درصد رسیده که این نرخ
 در اردیبهشت ۲.۸ درصد بود و بدین ترتیب ۸ دهم
 درصد کمتر شده است. در خرداد ماه تورم ماهانه
 مواد غذایی نیز با افت ۸ دهم درصدی به زیر ۲ درصد
 رسیده و از ۲.۶ درصد به ۱.۸ درصد رسیده است.
 همچنین تورم ماهانه خدمات و کالاهای غیر خوراکی

نیز از روند نزولی شاخص در این ماه پیروی کرده است
 و از ۲.۸ درصد در اردیبهشت به ۲.۲ درصد در خرداد
 ماه رسیده که نشان دهنده کاهش ۶ دهم درصدی
 این شاخص است. بررسی شاخص تورم نقطه به نقطه
 که تغییرات شاخص نسبت به ماه مشابه سال قبل را
 اندازه گیری می کند به صورت دقیق تری تاثیر سیاست
 تثبیت ارزی را به نمایش می گذارد. در خرداد ماه تورم
 نقطه ای با کاهش ۱۲ درصدی به ۴۲.۶ درصد تنزل کرده
 که کمترین رقم در ۱۳ ماه اخیر محسوب می شود.
 این در حالی است که در اردیبهشت ماه این شاخص
 با ارتفاع ۵۴.۶ درصد قرار داشت. اما در تورم نقطه
 ای مواد خوراکی و مواد غذایی کاهش تورم به معنای
 سقوط این شاخص است. در اردیبهشت ماه امسال
 این شاخص برای خوراکی ها ۷۵.۴ درصد بود، ولی
 در خرداد ماه به ۴۲.۶ درصد رسیده که گویای کاهش
 ۳۲.۸ درصدی این شاخص است. در تورم نقطه ای
 کالاهای غیر خوراکی و خدمات نیز این شاخص با افت
 ۲۰.۵ درصدی از ۴۵.۱ درصد اردیبهشت به ۴۲.۶ درصد
 رسیده است. این در حالی است که از خرداد سال
 گذشته تا اردیبهشت امسال با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی
 و اثر آن بر قیمت مواد خوراکی، نرخ تورم نقطه ای مواد
 خوراکی به طور میانگین به ۷۶ درصد در همراه رسیده
 بود. تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی در خرداد امسال
 نسبت به ماه قبل از آن هم (اردیبهشت امسال با
 ۷۶.۱) درصد بالغ بر ۳۳.۵ درصد کمتر شده که رکورد
 سریع ترین کاهش تورم نقطه ای مواد خوراکی در یک
 ماه در دهه اخیر است. تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی
 در خرداد امسال (۴۲.۶ درصد) از شاخص مشابه قبل
 از حذف ارز ۴۲۰۰ درصد در اردیبهشت سال گذشته
 که ۴۹.۷ درصد بود هم کمتر است. تورم نقطه به
 نقطه مواد خوراکی در ۱۲ ماه پایانی دولت قبل به طور
 متوسط ۵۷.۳ درصد و در ۱۲ ماه قبل از حذف ارز ۴۲۰۰
 تومانی هم به طور متوسط ۵۰.۷ درصد بود. این آمار
 بیانگر فروکش کردن التهابات تورمی در مواد خوراکی
 است که در ماه های آینده نیز تداوم خواهد یافت.

تغییر جهت تورم سالانه پس از یک سال

پس از حدود ۱۳ ماه تورم سالانه نیز در خرداد ماه تغییر
 مسیر داد و کاهش شد. در این ماه این شاخص به
 ۴۸.۵ درصد رسید که نسبت به ۴۹.۱ درصد اردیبهشت
 ماه، ۶ دهم درصد کاهش نشان می دهد. اما این
 کاهش برای مواد غذایی معنادار است به طوری که
 این شاخص برای خوراکی ها با افت ۴.۳ درصدی
 همراه شده و از ۷۴.۹ درصد اردیبهشت به ۷۰.۶ درصد
 در خرداد رسیده است. با این حال، تورم سالانه برای
 خدمات و غیر خوراکی ها ۸ دهم درصد رشد داشته
 و از ۳۸ درصد اردیبهشت به ۳۸.۸ درصد در خرداد
 رسیده است.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفت و گو با تازه های اقتصاد

از سیاست تثبیت بانک مرکزی حمایت می کنیم

● از زمانی که آقای فرزین به بانک مرکزی آمده، نگاه اغلب دوستان من در مجلس به بانک مرکزی متفاوت و مثبت شده است



تأکید می کنم که مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی حرکتی درست و بجا است. امیدوارم باین کار در کنار آزادسازی دارایی های بلوکه شده از کشورهایمانند کره جنوبی و انتقال آن به داخل بتوان نرخ ارز را بیش از این کاهش داد و آن را به نرخ واقعی رساند

بانک مرکزی به تازگی و پس از حضور دکتر فرزین در راس این بانک، تصمیمات تازه ای را درباره نحوه مدیریت بر بازار ارز اتخاذ کرده است. در رابطه با این برنامه ها چه دیدگاهی دارید؟

با وجود آنکه بر عدم مداخله مستقیم بانک مرکزی در بازار ارز تأکید می شود، اما به دلیل آنکه کشور با تحریم مواجه است و این بازار هم تحت تأثیر آن قرار دارد، در برخی از اوقات شوک های هیجانی و احساسی شرایط را سخت می کند، بنابراین بانک مرکزی باید بابت مدیریت این وضعیت در بازار مداخله کند. گاهی پیش آمده که قیمت ارز با یک خبر بالا و پائین شده، بر همین اساس نیاز است بانک مرکزی تا زمانی که این بازار به یک وضعیت معقول، منطقی و با ثبات نرسیده و تحریم ها بر طرف نشده است در آن مداخله کند. نمونه بارز نیاز به انجام این کار هم بالا رفتن نرخ ارز در طی چند ماه گذشته بود، در صورتی که دخالت بانک مرکزی وجود نداشت، نرخ ارز افسارگسیخته بالا می رفت و این افزایش ادامه پیدا می کرد. تأکید می کنم که مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی حرکتی درست و بجا است. امیدوارم باین کار در کنار آزادسازی دارایی های بلوکه شده از کشورهایمانند کره

فضای اقتصادی کشور وارد فاز آرامشی شده و التهابات قیمتی در بازارها نیز متوقف شده است. همچنین بازار ارز به ثبات نسبی دست یافته و کاهش ۱۲ درصدی نرخ تورم نقطه به نقطه در خردادماه امسال، یک رکورد در سال های اخیر محسوب می شود. به ویژه در ۶ ماه اخیر، نحوه مدیریت بانک مرکزی بهبود داشته و نسبت به سال های گذشته، بانک مرکزی عملکرد بسیار بهتری از خود به نمایش گذاشته است به نحوی که بسیاری از نمایندگان مجلس نیز به این موضوع اذعان دارند و بر موضع حمایتی مجلس از اقدامات و سیاست های بانک مرکزی و همچنین برنامه های شخص رییس کل بانک مرکزی، تأکید می کنند. احسان ارگانی، نماینده مردم نیشابور و عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با هفته نامه تازه های اقتصاد، ضمن تأکید بر اینکه نمایندگان از سیاست گذاری ها و اقدامات اخیر بانک مرکزی در دوره دکتر فرزین حمایت کامل خواهند داشت، اقدامات سیاست گذار پولی کشور را حرکت رو به جلو تعبیر کرد. در ادامه گفتگوی کامل این نماینده مجلس با هفته نامه تازه های اقتصاد ادامه می خوانیم:

۷۹



اقتصاد

● شماره اول - تیر ۱۴۰۲

از زمانی که بانک مرکزی توسط آقای فرزین مدیریت می شود، نگاه مجلس به آن بسیار متفاوت و مثبت شده است؛ زیرا نقش مدیریت مؤثر یک مجموعه مانند بانک مرکزی خود را نشان داده است

جنوبی، سایر کشورها و تزریق و انتقال آن به داخل بتوان قیمت و نرخ ارز را بیش از این کاهش داد و آن را به نرخ واقعی رساند. از بانک مرکزی انتظار می رود که کماکان مدیریت همراه با نظارت مؤثر خود را در خصوص مباحث ارزی کشور ادامه دهد.

انتقال ارزهای بلوکه شده به داخل کشور را مورد اشاره قرار دادید، برقراری روابط بین الملل و مذاکرات رئیس کل بانک مرکزی با کشورهای مختلف برای گشایش های بانکی چه دستاوردهایی خواهد داشت؟

در فضایی که حتی یک مذاکره در عرصه بین المللی در حوزه بانکی می تواند باعث کاهش نرخ ارز شود، مذاکرات و جلسات رئیس کل بانک مرکزی با همتایان خود در دیگر کشورها در مدیریت و کاهش نرخ ارز بسیار مؤثر خواهد بود، به ویژه آنکه با خروجی عملی یعنی آزادسازی دارایی های بلوکه شده ایران همراه شود، قطعاً تأثیرات آن را در بازار ارز کشور بیش از آنچه که اکنون می بینیم، مشاهده خواهیم کرد.

سیاست تثبیت اقتصادی و ارزی نه به معنای میخکوب کردن نرخ ارز و... در دستور کار قرار گرفته و بانک مرکزی به دنبال کاهش نرخ ارز، مدیریت هوشمند ارزی، توسعه مرکز مبادله و کنترل نقدینگی است تا با این روش نرخ تورم را کاهش دهد. نظرتان در این خصوص چیست و حمایتی که مجلس می تواند داشته باشد، چگونه است؟

از زمانی که بانک مرکزی توسط آقای فرزین مدیریت می شود، نگاه مجلس به آن بسیار متفاوت و مثبت شده است؛ زیرا نقش مدیریت مؤثر یک مجموعه مانند بانک مرکزی خود را نشان داده است. به این معنا؛ جایی که نیاز است سریع با تزریق ارز و مدیریت قیمت مداخله می کند و در شرایط دیگر سیاستی متناسب با آن را مورد توجه قرار می دهد تا بحران شکل نگیرد. نمایندگان مجلس بر این اعتقادند که یک محدوده نوسانی از حداقل و حداکثر نرخ ارز باید در هر شرایطی تعریف شود تا قیمت ارز از حداکثر عبور نکند و در صورت نزدیک شدن به آن بانک مرکزی بر اساس یک برنامه از پیش تعیین شده، سریع اقدامات لازم را به مرحله اجرا بگذارد. در این میان استفاده از

ظرفیت مرکز مبادله ارز بسیار حائز اهمیت است، از این طریق می توان واردکنندگان و تولیدکنندگانی که برای مصارف واقعی کشور نیاز به ارز دارند را تأمین کرد. ما الان بانک مرکزی داریم که یک سیاست مشخص برای مدیریت بازار ارز تعیین کرده و آن هم سیاست تثبیت است، مجلس از این سیاست حمایت می کند.

مجلس دقیقاً چه حمایت هایی را می تواند انجام دهد؟

مجلس از سیاست های درست و به موقع حمایت می کند. به این شکل که هر جانیاز به اقدام خاصی یا حتی تصویب لایحه یا قانونی به نفع بانک مرکزی و مدیریت آن در این حوزه باشد با پیشنهاد دولت آمادگی لازم را دارد. یکی از مهم ترین کمک های مجلس در حال حاضر تصویب احکام و تبصره های بانک مرکزی و مدیریت آن در این حوزه می تواند باشد که با پیشنهاد دولت آمادگی لازم وجود دارد. همچنین یکی از مهم ترین کمک های مجلس در حال حاضر تصویب احکام و تبصره های بانک مرکزی و مدیریت آن در برنامه هفتم است، چنانچه بانک مرکزی در این زمینه نظر خاصی هم داشته باشد، می تواند به کمیسیون برنامه و بودجه یا اقتصادی منعکس کند.

نظران درباره موضوع کنترل انتظارات به ویژه انتظارات تورمی که به عنوان یک هدف در سیاست تثبیت قرار دارد، چیست؟

یکی از مهم ترین انتظارات منفی به مسائل نرخ ارز ارتباط پیدا می کند، یعنی هر زمان نرخ ارز به صورت جهشی بالا می رود، انتظار تورم هم جهشی خواهد شد و هر زمان نزولی می شود، عکس آن رخ می دهد. اکنون با توجه به اینکه کالاهایی مانند خودرو، سکه، ارز و مسکن شکل سرمایه ای به خود گرفته، هر اندازه که این کالاهای سرمایه ای کذب از بازار سوداگری خارج شود به معنی حذف انتظارات تورمی خواهد بود. از سوی دیگر نشان دهنده آن است که مدیریت بانک مرکزی به خوبی پیش رفته است.

افزایش نرخ ارز لزوماً به افزایش تورم منجر خواهد شد؟

کاملاً طبیعی است که چنین باشد. در کشوری مانند ایران که نرخ بنزین، سوخت و حتی فولاد، خودرو و... بانوسانات و افزایش نرخ ارز هماهنگ می شود و پس از آن رشد پیدا می کند، مشخص است که افزایش نرخ ارز به تورم می انجامد.

